



مجموعه اشعار

رضا غفاری (دومان)

مقدمه، تصحیح و تحسیه:

دکتر حسین محمدزاده صدیق

انتشارات تکریخت

۱۳۸۹

سرشناسه: غفاری، رضا - ۱۳۳۸

عنوان و نام پدیدآور: مجموعه اشعار رضا غفاری (دومان) / مقدمه تصحیح و تحشیه حسین محمدزاده صدیق.

مشخصات نشر: تهران: تکریخت، ۱۳۸۹. مشخصات ظاهری: ۲۴۸ ص.

شابک: + ۰-۷۵-۵۵۵۹-۶۰۰-۹۷۸ وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: شعر ترکی -- ایران -- قرن ۱۴ موضوع: شعر ترکی -- ایران -- تاریخ و نقد

شناسه افزوده: محمدزاده صدیق، حسین، ۱۳۲۴ -، مقدمه‌نویس

رده بندی کنگره: ۳۱۴PL/۳۶۵۶/۱۳۸۹

رده بندی دیوبی: ۸۹۴/۳۶۱۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۰۷۵۱۲



مجموعه اشعار رضا غفاری (دومان)

مقدمه، تصحیح و تحشیه: دکتر حسین محمدزاده صدیق

گردآورنده اشعار: حسین عطایی / نگار غفاری

محل نشر: تهران / ناشر: تکریخت / سال نشر: ۱۳۸۹ / شمارگان: ۲۰۰۰ / چاپ: اول

شابک: ۰-۷۵-۵۵۵۹-۶۰۰-۹۷۸

نشانی: خیابان جمهوری، بعد از تقاطع سی تیر، جنب کوچه شیبانی، پلاک ۵۰۰، ط همکف

تلفن: ۰۹۱۲۷۰۴۵۹۱۳

حق چاپ برای گردآورنده‌گان محفوظ است.

شعریمده وطن دردی گره ک ائل غمی اولسون،
درد اولماسا شعر اولسما مطنطن نیه لازم؟

* * *

کۆچرى قوش کىمى يىك بىزدە رضا، قالسادا بىر اىز،
قالاجاقدېر آدېمىز دفتر و ديوان آراسىندا.

فهرست مطالب

جدول آسان خوانی متون ترکی	۱۴
بیرینجی بولوم: مقدمه	۱۷
۱. زندگی	۱۸
۱ - ۱. زاد و مرگ	۱۸
۲ - ۱. محل تولد	۱۸
۳ - ۱. تحصیلات	۱۹
۴ - ۱. شغل	۱۹
۵ - ۱. ازدواج	۱۹
۶ - ۱. تخلص	۱۹
۷ - ۱. مجری گری	۲۰
۸ - ۱. شرکت در همایش‌ها	۲۰
۲. آثار	۲۰
۱ - ۲. آذربایجانبن خانم شاعرلری	۲۱
۲ - ۲. فرهنگ نام‌های ترکی (تۆرك آدلار سۈزۈلگۈ)	۲۱
۳ - ۲. آثار چاپ نشده	۲۵
۳. گونه‌های شعری	۲۵
۱ - ۳. گراییلی	۲۵
۲ - ۳. قوشما	۲۷
۳ - ۳. ترکیب‌بند	۲۹
۴ - ۳. قوشابیت	۳۱
۴ - ۳. غزل	۳۱
۵ - ۳. شعر نو	۳۷
۴. دانش ادبی	۴۷
۱ - ۴. واج‌آرایی	۴۸

۷۸۰	مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان)
۴۹	۲ - ۴. هجاء‌آرایی
۵۰	۳ - ۴. واژه‌آرایی
۵۱	۴ - ۴. چینش‌آرایی
۵۱	۵ - ۴. مصراع‌آرایی
۵۳	۶ - ۴. بیت‌آرایی
۵۴	۷ - ۴. ازدواج
۵۴	۸ - ۴. خوش‌بیانی
۵۴	۹ - ۴. خوش‌آغازی
۵۵	۱۰ - ۴. ردیف‌آرایی و قافیه‌آرایی
۵۷	۱۱ - ۴. ترادف‌آرایی
۵۸	۵. برخی از مضماین شعری
۵۸	۱ - ۵. وطن‌دوستی
۵۹	۲ - ۵. بیگانه‌گریزی
۶۰	۳ - ۵. آذربایجان‌ستایی
۶۰	۴ - ۵. مناعت طبع
۶۱	۵ - ۵. سرافرازی
۶۱	۶ - ۵. اندیشه‌های فلسفی
۶۳	۷ - ۵. دانش‌دوستی
۶۳	۶. مجموعه‌ی اشعار
۶۳	۱ - ۶. گردآوری اشعار
۶۴	۲ - ۶. آماده‌سازی برای انتشار
۶۷	ایکینجی بؤلوم: اشعار
۶۸	۱. سربست شعرلر
۶۸	سوزون وار دانپشن
۶۹	[بیر عالم]
۷۰	[دوشونجهلر]

فهرست مطالب ۱۸

۷۱.....	[دالغا کیمی]
۷۱.....	گل قایداق.....
۷۲.....	[قاراباغن قافیه سی]
۷۵.....	[هله [...]]
۷۶.....	[بیزیدیر وطن]
۷۹.....	[بیر آجدپم]
۷۹.....	[گله جه گیم]
۸۰.....	[اوره ک ائویم]
۸۱.....	بیر سحر آیلپب گؤررسن يۇخام
۸۱.....	سنى ياشايiram
۸۲.....	[گۈپىرىتى]
۸۳.....	ياغىش ياغىر
۸۴.....	نه بىلىم
۸۵.....	[تالەسىرم]
۸۵.....	سندە دَرین فكىلش؟!
۸۶.....	خيال دنياسى
۸۶.....	يىنەدە تۈرىپاق
۸۷.....	[جان آپرام]
۸۸.....	سېنىق يولالار
۸۸.....	[ياغىش]
۸۹.....	[قورو گۈلۈش]
۸۹.....	[جىيلر]
۹۰.....	[دۆبۈن كىمى]
۹۱.....	ارمغان
۹۲.....	[ايلدېرىملى ئىنجەلر]
۹۳.....	چۈرەك سۈزۈ

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۹۸۰

۹۴.....	بولالار، گۆزلر، باخشلار
۹۵.....	[اونون آدې].....
۹۶.....	[باشى اوجا].....
۹۷.....	[بۇشلوق].....
۹۷.....	[باغېش].....
۹۸.....	خاطرلاپرسان
۹۹.....	قار ياغېنجا
۱۰۰	[بو گۈن كىمى].....
۱۰۰	[ياشايىر].....
۱۰۱	[تۆز اللدى].....
۱۰۱	[ياناقلاربىدان].....
۱۰۲.....	گەرەكدىر چئويىرە قارا تۇپراغى
۱۰۳.....	نه ياخشى گەلدىن
۱۰۴	۲. قۇشمalar.....
۱۰۴	جانىم تبرىزىم
۱۰۵.....	باخش
۱۰۶.....	قېزىما دعا - نصيحت
۱۰۶.....	قار
۱۰۷.....	كىمىن حكىمودور
۱۰۸.....	سۇوگىلىم
۱۰۹.....	اوەمۇلۇ خاطرەلرىم
۱۱۰	دلى جىرانىم
۱۱۱	اوجا باش
۱۱۲	دايانىر كەچۈر
۱۱۴	وجدان مەحکمەسى
۱۱۵	ياشىل گۆزلەرين

فهرست مطالب QR ۱۰

۱۱۶.....	خیال باهاری
۱۱۷.....	[اوتابپم یئرینه]
۱۱۹.....	گۆنشنین اوجاغى سۇئۇز
۱۲۰.....	قافىيە آختارميرام
۱۲۲.....	حسرت ياشى
۱۲۲.....	وار نېشانى
۱۲۴.....	۳. گرايىلپلار
۱۲۴.....	آذربایجان تۇرپاڭى
۱۲۵.....	لنج لنج لنگم
۱۲۹.....	۴. غزللر
۱۲۹.....	قوىما يالقىزمنى
۱۳۰.....	قالمېشىقسا
۱۳۱.....	آلله قويسا
۱۳۲.....	داياندېم قىيىنجىما
۱۳۳.....	باخ - باخ
۱۳۴.....	منه بىز
۱۳۵.....	نه دېيىرلرسە دئىسينار
۱۳۶.....	چىخىرىپەنەنلر
۱۳۷.....	أدى گىزلىن دىر اونۇن
۱۳۸.....	نه دئمكدىر
۱۳۹.....	بلکە
۱۴۰.....	جانان تۈرەدىر
۱۴۱.....	دىرىدىرىر
۱۴۲.....	بۈكۈشكەنر
۱۴۳.....	اولا بىلمىز
۱۴۴.....	كۈنۈلسۈز

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۱۱ ۸۰

۱۴۶.....	شمع
۱۴۷.....	فلک
۱۴۸.....	کُنول
۱۴۹.....	سیندیرام
۱۵۰.....	د گیشیللم
۱۵۱.....	سنیسیز بورا خبلدیم
۱۵۲.....	نه بیله‌یدیم
۱۵۳.....	نیه لازم
۱۵۴.....	مارالیم
۱۵۵.....	وطن تورپاغی
۱۵۶.....	وطنبیم
۱۵۷.....	قربان اولایم
۱۵۸.....	باخشب‌مدان
۱۵۹.....	نگار
۱۶۰.....	ماتان اوغلان
۱۶۱.....	گۆزلریمیزدن
۱۶۲.....	مهپاره
۱۶۳.....	أُبِرَن
۱۶۴.....	ائِل غمی
۱۶۵.....	گوئوروم من
۱۶۶.....	خنجریلن من
۱۶۷.....	آپاربر حوصله‌سین
۱۶۸.....	ایکیمیز ده
۱۶۹.....	اوْه گیمده
۱۷۰.....	دانه‌ده من ده
	دنیایه گؤره

فهرست مطالب ۱۲

۱۷۱	یارى سۆز - يارى خىرت.....
۱۷۲	اۋرۇنە؟.....
۱۷۳	[بىتخانەدۇ بىتخانەيە].....
۱۷۴	[آلاو].....
۱۷۵	پروانە دۇلاندى.....
۱۷۶	كاش اولايدى.....
۱۷۷	سنى تارى.....
۱۷۸	گىزلىن محېت.....
۱۷۹	اغيارە بىزىتمە منى.....
۱۸۰	[تجالىيە].....
۱۸۲	۵. ترکىببند.....
۱۸۲	آند اىچرم.....
۱۸۳	اۋرۇنە فىكر - سۆزۈنە فىكر.....
۱۸۴	بولوتلار.....
۱۸۷	۶. قوشما بىتلر.....
۱۸۷	آندا.....
۱۸۷	بىرلىك.....
۱۸۸	غم دىنizi.....
۱۸۸	گۆزلر سنى گۆزلر.....
۱۸۹	[ترانە].....
۱۸۹	[وطن].....
۱۹۰	[قانلى چۈل].....
۱۹۰	[قۇرخىماز].....
۱۹۱	اۆچۈنچۈ بولۇم: تأثیرات.....
۱۹۳	۱. دۆز يازبىلار.....

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۱۳۶۰

بیر خاطره ۱۹۳
تبریزین مقدس ادبیات اوزجاعپنا باش ساغلېغى ۱۹۶
هارای سال قوى بۆتون عالم ائشیتیسین کى وطن ياندى ۲۰۰
نیسگىلى اولوم ۲۰۳
وطن باشین ساغ اولسون ۲۰۵
رضا غفاری بیر خزینه ايدى کى توبراق آلتپندا گىزىلندى ۲۰۷
دېرىلىك ايشېقى، علم ايلە باشلار و هەنج بير زمان سۈئنمز ۲۱۱
پئنه آذر، يئنه قولتوقلاردا قالان اللر ۲۱۴
غىمىلى قىش ۲۱۷
آذربايجانىن اىيگىد اوغلو رضا غفارى دان بير خاطره ۲۲۲
سۇن گۈرۈش خاطرهسى ۲۲۵
۲. شعرلر ۲۲۷
افسانەتى رضا ۲۲۷
أىرېلىق ۲۲۹
رضا گىئىدى ۲۳۱
الوداع ۲۳۲
گۈز ياشلارى باغلادى ۲۳۳
ياتمېش ۲۳۵
بىر گۈورچىن اللر يىمن اۆچۈپىدۇ ۲۳۶
غىمىلى غزل ۲۳۷
سانكى بير يوخودو اۋاًلۇمۇن رضا ۲۳۸
بئىپۆك انسانلار ۲۴۰
بىر آغى ۲۴۲
غەنمەنامە ۲۴۵
آدلار فەھرەستى ۲۴۶

جدول آسان‌خوانی متون ترکی

برای آسان‌خوانی متون ترکی، برخی تغییرات در نگارش کلمات ترکی در این کتاب اعمال کردیم که در جدول‌های زیر نشان می‌دهیم؛ و همچنین سعی کردیم شکل نگارش کلمات دخیل عربی و فارسی را نیز حتی‌الامکان مطابق مبدأ و اصل آن‌ها حفظ کنیم.

۱. جدول واکنگاری

معادل حروف لاتین	مثال	نشانه‌های واکه‌های ترکی
almaq	A , a	آلماق (گرفتن)
əl	Ə, ə	ال (دست)
ilan	İ, i	ایلان (مار)
qızıl	I, ı	قبزیل (طلا)
sol	O, o	سول (چپ)
söz	Ö, ö	سوز (سخن)
ulduz	U, u	اولدوز (ستاره)
düzmək	Ü, ü	دوزمک(چیدن)
yel	E, e	یئل (باد)

۲. جدول آواکنگاری

معادل حروف لاتین	مثال	نشانه‌های آواکه‌های ترکی
buz	B, b	بوز (بغ)
öpmək	P, p	اوپمک (بوسیدن)
toy	T, t	تؤی (جشن)
Sürəyya	S, s	ثریا
can	C, c	جان
çaxmaq	Ç, ç	چاخماق (آتش زنی)

۱۵ مجموعه اشعار رضا غفاری (دومان)

Həvvə	H, h	حُوا	ح / حـ / حـ
xalıq	X, x	خالق	خ / خـ / خـ
daş	D, d	(داش) (سنگ)	د / دـ
zövq	Z, z	ذوق	ذـ / ذـ
bir	R, r	(بیر) (یک)	ر / رـ
ziğ	Z, z	(زیغ) (گل)	زـ / زـ
jalə	J, j	ژاله	ژـ / ژـ
sərin	S, s	(سرین) (خنک)	سـ / سـ / سـ
şəhid	Ş, ş	شہید	شـ / شـ / شـ
sıdq	S, s	صیدق	صـ / صـ / صـ
zəlalət	Z, z	ضلالت	ضـ / ضـ / ضـ
Tur_e Sina	T, t	طور سینا	طـ / طـ
zill	Z, z	ظلـ	ظـ / ظـ
Cə`fər	`	جعفر	عـ / عـ / عـ
bağ	Ğ, ğ	باغ	غـ / غـ / غـ
fəna	F, f	فنا	فـ / فـ / فـ
qaş	Q, q	(قاش) (ابرو)	قـ / قـ / قـ
kəsmək	K, k	کسمک (بریدن)	کـ / کـ / کـ
gəzmək	G, g	گزمک (گشتن)	گـ / گـ / گـ
diləyim	Y, y	دیله گیم (آرزویم)	يـ / يـ / يـ / يـ
lalə	L, l	لاله	لـ / لـ / لـ
miskin	M, m	مسکین	مـ / مـ / مـ
incə	N, n	اینجه (ظریف)	نـ / نـ / نـ
vaxt	V, v	واخت (وقت)	وـ / وـ
hilal	H, h	هلال	هـ / هـ / هـ
yaban	Y, y	یابان (دشت)	يـ / يـ / يـ

بىرىنجى بؤلۈم:

مەدەن

۱. زندگی

۱ - ۱. زاد و مرگ

رضا غفاری فرزند علی در روز نوزدهم آبان ماه ۱۳۳۸ ش. در تبریز، در یک خانواده مذهبی متولد شد و در اول دی ماه ۱۳۸۱ ش.، در سن چهل و سه سالگی با ایست قلبی دار فانی را وداع گفت و به دنبال تشییع جنازه‌ی باشکوهی در تبریز، در قطعه‌ی هنرمندان و نویسنده‌گان وادی رحمت آرام گرفت.

پنداری، شاعر این بند شعر را در حسب حال خود گفته است:
باشد امین سئودا وار، کوئنولده دیله ک،

یالانچی دنیادا آرzi نه گره ک؟
بیر عؤمۆر سینه‌ده چېرپینان اوړه ک،
بیر گۆز قېرپیمندا دایانبر کوچور.^۱

۲ - ۱. محل تولد

رضا غفاری در محله‌ی سرخاب، زادگاه عرفا و ادباء و شعراء تبریز به دنیا آمده است. پدرش حاج علی غفاری در حبیر تکیه‌سی، دکان فرش‌فروشی داشت و در سال ۱۳۸۸ ش. فوت کرد.

۱. همین کتاب، ص. ۱۳.

۳ - ۱. تحصیلات

رضا غفاری تحصیلات متوسطه‌ی خود را در دبیرستان‌های ثقة‌الاسلام و سعدی به انجام رسانیده و از هنرستان فنی شماره‌ی یک تبریز دیپلم فنی مکانیک اخذ کرده بود.

۴ - ۱. شغل

در سال ۱۳۶۲ در کارخانه‌ی درمن دیزل استخدام شده و تا پایان عمر در همان کارخانه و با سمت سرپرست کارگاه فنی کار می‌کرد.

۵ - ۱. ازدواج

رضا غفاری در سال ۱۳۶۴ ش. در تبریز ازدواج کرده است و صاحب دو فرزند دختر و پسر به نام‌های نگار و آیدین شده است.

۶ - ۱. تخلص

رضا غفاری نخست تخلص دومان داشت و با همین امضا، اشعار خود را در مجلات ترکی‌زبان دهه‌های ۶۰ و ۷۰ انتشار می‌داد. به اشعار او با این تخلص می‌توان در نشريّات: کور اوغلو، دده قورقود، اولکر، فروغ آزادی، یؤل، جوالدوز و غیره برخورد.

بعدها تخلص خود را در غزل‌ها به رضا تغییر داد و از امضای رضا غفاری در نوشته‌های پژوهشی و ادبی خود، و از ر. دومان در شعرهای غیر غزل خویش استفاده می‌کرد.

۷ - ۱. مجری گری

به دلیل دارا بودن شیوه‌ی بیان متین و ادای صحیح و ادبی کلمات و تسلط بر مخزن واژگان و سازه‌بندی جمله در زبان ترکی آذربایجانی، او، در تبریز در چند انجمن ادبی، از جمله در جلسات ماهانه‌ی انجمن ادبی/افغانی به " مجری گری" برگزیده شد. و این کار را در هر جلسه، از ابتدا تا انتهای با وقار خاصی به انجام می‌رسانید.

نگارنده، خود توفیق یافت که در دو، سه جلسه از این انجمن‌ها که وی مدیریت و مجری گری آن‌ها را بر عهده داشت، شرکت کنم. بداهه‌گویی، تسلط به آثار ادبی کلاسیک و مدرن همراه با ادب و کمال ذاتی وی سبب می‌شد که شش دانگ حواس شعرا و ادبای حاضر در جلسه متوجه او باشد و اغلب به چشم تحسین بر او می‌نگریستند.

۸ - ۱. شرکت در همایش‌ها

رضا غفاری، گذشته از سمینارها و همایش‌های ادبی، در چند کنگره‌ی خارجی نیز شرکت کرده بود که از آن میان می‌توان به "همایش شعر نو" که در لنکران برگزار شد (۱۹۹۷) و "کنگره‌ی بین‌المللی شهریارشناسی" که در شهر ائلام زنجع در ترکیه ترتیب یافت (۱۹۹۹)، اشاره کرد.

۲. آثار

رضا غفاری در عمر کوتاه خود، توانست کارهای پژوهشی چندی انجام دهد که تاکنون دو کتاب زیر از وی چاپ و انتشار یافته است.

۱ - آذربایجانپن خانم شاعرلری

در این کتاب، یکصد و شصت تن از بانوان سخنور آذربایجانی با ذکر نمونه‌های شعری‌شان معرفی شده‌اند. این کتاب در قطع وزیری و در ۴۲۲ صفحه، نخستین بار در سال ۱۳۸۰ ش. در تبریز چاپ شد.

مؤلف نام شاعره‌ها را به ترتیب الفبایی تنظیم کرده و پس از دادن آگاهی‌های لازم از زندگی و فعالیت آن‌ها، یک و یا دو نمونه از سروده‌های ایشان را آورده است.

مؤلف در به سامان رسانیدن این پژوهشنامه از چهل منبع ادبی از تحفه‌ی سامی اثر سام میرزا صفوی تا کتاب ادبیات اوجاغی اثر یحیی شیدا و جدیدترین مجموعه‌ها و نشریّات و کتب و دواوین استفاده کرده است.

۲ - فرهنگ نام‌های ترکی (تۆرك آدلار سۆزلۈگۈ)

این کتاب در ۱۴۰ صفحه، به قطع رقی، نخستین بار در سال ۱۳۷۷ در تبریز چاپ شد. کتاب، در بردارنده‌ی سیاهه‌ی الفبایی نام‌های ترکی پسران و دختران است که با ذکر معانی مختلف و شرح شأن نزول آن‌ها با مقدمه‌ای کوتاه تألیف شده است.

مؤلف در مقدمه اشاره‌ای به سنت کهن نام‌گذاری کودکان در روزگاران گذشته می‌کند و می‌گوید:

«در گذشته بر هر کس دو بار نام نهاده می‌شد، نخستین بار پدر و مادر بودند که به او نام می‌دادند و دیگر بار هر کس خود در جوانی، هنری از خویش نشان می‌داد و نام می‌گرفت.»

و شاهد مثال بر ادعای خود را روایتی از کتاب دده قورقود می‌آورد. درین‌گم
می‌آید که این روایت زیبا را در اینجا نقل نکنم:

«بایپن‌دېر خانپن بیر بۇغا و بیر بوغراسىپ وارايدى. اول بۇغا قاتىپ داشا
بۇينۇز وورسا اون كيمى اوغىاردى. بۇغا ايلە بوغىانى ساواشىدېرىپ
تاماشاسىپىدان لەت ائدردىلر.

يئنه بير گۆن بۇغانى چېخارتىدېلار. اۆچ كىشى ساغ يانپىدان، اۆچ كىشى
سفل يانپىدان دمير زنجىرلە بۇغانى توتموشىدۇلار. ديرسه خانپن
اوغلانجىچى اۆچ دخى اوردو اوشاغى ايلە ميداندا آشىق اوينايىپدېلار
بۇغانى بوراخېب اوغلاڭىچقىلا را "قاچ" دئدىلر. اول اۆچ اوغلاڭ قاچدى
ديرسه خانپن اوغلاڭىچى قاچمادى. آغ ميدانپن اۋرتاسىپىدا داياندى. بۇغا
اوغلانا هجوم آپارېب اۇنو اۋلدۇرمك ايستەدى. اوغلان يومروغۇ ايلە
بۇغانپن آلنپىدان ووروب اۇنو يېخدى. چىخ چكىشىندا سۇنرا آياقدان
سالېب باشىپنى كىسىدە.

اوغۇز بىلىرى گلىب اوغلاڭىن اوستۇنە يېغىناتق اۋلۇلار. تحسىن دئدىلر.
دەدەم قورقوت گلىسىن بۇ اوغلاندا آد قۇيىسون.
چاغپىدېلار، دەدەم قورقوت، گلىبر اولدو. اوغلانى آلىپ باباسپىنا واردى.
دەدەم قورقوت اوغلاڭىن باباسپىنا سۈپەلەميس، گۈرەلىم، خانپن نە
سۈپەلەميس، آيدىپن.

- ھئى ديرسه خان! اوغلان بىلىك وئرگىل، تخت وئرگىل اردىلى دىر.
بۇينۇ اوزون بدوى آت وئرگىل، مىنەر اۋلسون - ھنرلىدىر.
آغاپلاڭ تومن قفييون وئرگىل، بۇ اوغلان شىشلىك اۋلسون - اردىلى دىر.
قېتىاندان قېزىپل دەمە وئرگىل، بۇ اوغلان يوكلىت اۋلسون - ھنرلىدىر.

آلتون باشلىي بان انتو وئرگيل، بو اوغلانا كەلگە اولسون - ارمىدى دىرى،
چىينى قوشلو جىبەدون وئرگيل بو اوغلانا گىئير اولسون - هنر لىدىرى.
باينىدىپ خانىن آغ ميدانپىدا بو اوغلان جىڭ ائتمىشىدىرى، بىر بۇغا
اولدورمۇش. سىنىن اوغلون آدى "بۇجاج" اولسون. آدىن من وئردىم،
ياشىنى ئىللە وئرسىن دىلى.»^۱

در این مقدمه‌ی عالمانه، پژوهشگر جوان به پدران و مادران توصيه می‌کند
که در گزىنش نام برای فرزندان خود، به معانی آن نام در فرهنگ‌ها مراجعه
کنند و یقین حاصل نمایند که فرزندشان در آینده به نامی که برایش انتخاب
شده، مباحثات خواهد کرد.

مؤلف برای بسیاری از نام‌ها شرح‌های موجز عالمانه نیز نگاشته است. برای
نمونه شرحی را که برای نام "ائىشاد" و "سەھىن" نوشت، در اینجا نقل می‌کنیم:
«ائىشاد (او). EL\$AD شاد ائل، ائلين شادلىغى، ائلين شادلىغىنا سبب
اولان.

ائىشاد آدى گىلندە يوخارپىدا كى آنلام و معنالار دۆشۈنجه لىرە جانلانىپ،
آنچاق چۈخ قىديم آدلا ردان اولان اائىشاد سۆزۈنۈن معناسىپا آرتىق
دۆشۈنۈك لازىمىدىپ، قىديم تۆرك دىلىرىنيدە شاد، بى، خان و خاقان
معناسىپىدا ايدى (ائىلە شاه سۆزۈدە بورادان ميدانًا گلمىش شاد سۆزۈنۈن بو
گۈنكۈش كىلىدىن عبارتىدىپ). قىديمكى حكمىانلاردا، بو آدا تىز - تىز
راسلاشىپرق: بئرى شاد (پېرىشات)، تردوش شاد، توليس شاد.
دىمك اائىشادپىن اصل معناسىپ بوندان عبارتىدىپ:

۱. غفارى، رضا. تۈرك آدلار سۆزلىگى، چاپ اول، تبريز: مؤلف، ۱۳۷۷ صص. ۲ - ۱.

اـنـخـانـ، اـنـلـ بـيـ، اـنـلـ باـشـچـيـسيـ.»^۱

«سـهـنـدـ [سـهـ هـنـدـ] (اوـ.) SETHEND ۱ — سـهـنـدـ آـذـرـبـايـجـانـبـنـ بـؤـيـوـكـ
داـغـلـارـپـنـدـانـدـپـرـ، اوـنـسـونـ اوـنـ يـئـدـدـيـ قـلـهـسـيـنـينـ اوـجـالـبـغـيـ ۳۰۰۰ مـتـرـدنـ
يوـخـارـيـ دـپـرـ.

سـهـنـدـينـ اوـجاـ قـلـهـسـىـ سـاـپـلـانـ «جامـ دـاغـيـ» نـبـنـ اوـجـالـبـغـيـ ۳۷۲۲ مـتـرـديـرـ.
بوـ دـاغـ يـئـلـىـ مـادـ — مـانـنـالـارـپـنـ دـينـيـ اوـلـانـ زـرـتـشـتـيـزـمـ وـ مـقـدـسـ اـودـ
اوـجـاقـلـارـپـنـبـنـ مرـكـزـيـ اوـلـمـوـشـلـورـ وـ پـارـسـلـىـ کـورـوشـ وـ کـمـبـوجـيـ، زـرـتـشـتـيـ
هـلـهـ قـبـولـ اـتـمـهـيـبـ وـ يـاـ دـارـيـوـشـ مـخـ اـؤـلـدـوـرـمـهـ باـيـرـامـيـ دـهـيـنـيـ
قـوـيـمـوـشـسـادـاـ، دـاهـاـ سـفـنـرـالـارـ پـارـسـلـارـ زـرـتـشـتـيـ اوـلـوبـ وـ حتـىـ اوـنـلـارـپـنـ
شـاهـلـارـيـ اـؤـزـ باـشـکـنـدـلـرـيـ شـوـشـدانـ، سـهـنـدـينـ گـونـئـيـنـدـهـ اوـلـانـ تـختـ
سلـيمـانـ آـشـكـدـهـسـيـنـ آـيـاقـ يـالـبـنـ زـيـارـتـهـ گـلـيرـمـيـشـلـرـ.

۲- سـهـنـدـ - بـولـوتـ قـارـاـ چـوـرـلوـ → بـولـوتـ

۳- سـهـنـدـ سـوـزـوـ، «نـدـ» قـوـشـاـ سـسـىـ اـيـلـهـ بـيـتـيـرـ. آـذـرـبـايـجـانـدـاـ بـيـرـ پـارـاـ باـشـقاـ يـئـرـ
آـدـلـارـيـ دـاـ بـوـنـونـ كـيـمـيـ دـيـرـ: اوـوهـنـدـ، اـمـمـنـدـ، سـرـنـدـ، زـرـنـدـ، كـرـنـدـ، هـرـزـنـدـ،
هـوـرـانـدـ، وـ بوـ قـوـشـاـ سـسـ خـاصـ شـرـايـطـدـهـ «تـ» سـسـيـنـهـ چـئـورـيلـهـرـكـ سـهـتـ،
اوـوهـتـ، سـرـهـتـ، اـمـمـتـ تـلـفـظـ اوـلـونـسـورـ. «نـدـ» قـوـشـاـ سـسـىـ نـيـنـ اوـزـخـونـ
الـقـيـاسـيـنـداـ مـسـتـقـلـ حـرـفـيـ واـرـايـدـيـ وـ بوـ اوـنـوـ گـؤـسـتـهـ رـيـرـ كـيـ بوـ قـوـشـاـ سـسـ،
تـؤـرـكـ دـيـلـيـنـدـهـ جـوـخـ گـئـيـشـ اـيـشـلـهـنـرـمـيـشـ وـ بـوـنـونـجـونـ دـهـ مـسـتـقـلـ بـيـرـ حـرـفـ
طـلـبـ اـئـدـيـرـمـيـشـ.»^۲

۱. هـمانـ، صـ. ۳۶ـ.

۲. هـمانـ، صـ. ۹۰ـ.

۲۵ ۶۰ مجموعه اشعار رضا غفاری (دومان)

این کتاب در میان آثار مشابه خود، به لحاظ صبغه‌ی علمی و صحّت نگارش و نثر متین و دقیق، هنوز هم اعتبار خود را حفظ کرده است و تا کنون چند بار تجدید چاپ شده است.

۳ - ۲. آثار چاپ نشده

از آثار چاپ نشده‌ی او، اورارتو تاریخی، دعوتلر، اوشاقلار اوچۇن اویيونلار، آتالار سۆزلرینین ایضاھی را می‌توان نام برد که به همت آقای حسین عطاوی در حال تدوین و انتشار است.

۳. گونه‌های شعری

رضا غفاری در آفرینش شعری، بیشتر به گونه‌های اوزان بومی هجایی می‌پردازد. از گونه‌های شعری و قالب‌های عروض نیز، گونه‌ی غزل را برای بیان آرمان‌های خود برگزیده است. گونه‌های شعری مورد استفاده‌ی وی چنین است:

۱ - ۳. گرايلی

"گرايلی" گونه‌ای از شعر هجایی است که هر مصraع آن در هشت هجا و اغلب با تقطیع‌های $(5 + 3)$ ، $(4 + 5)$ سروده می‌شود. در گنجینه‌ی شعر شفاهی و عاشیقی، اغلب تقطیع $(4 + 4)$ رایج است. مانند:

گئین دئین / خان چوبانا

گلمه‌سین بو / ایل مغانما

اما در مجموعه‌ی ادبیات مکتوب آذربایجانی به تقطیع‌های $(5+3)$, $(3+5)$ بر می‌خوریم که با وزن عروضی "متفاعلن فعالن" انتباط پیدا می‌کند. مانند این گرایلی از حکیم نباتی:

هله لنگ لنگ.

رضا در اقتفاری همین شعر، گرایلی زیبایی با مضمون وطن‌دوستی عرفانی سروده است که چنین شروع می‌شود:

اُوره گیمده‌مین غمیم‌وار،
هله لنگ لنگ.

غمه اویغون اوْز دمیم‌وار،
هله لنگ لنگ.

هله با غلپدپر قانادِم،
نه آچیلماغا عنادِم.

نه ده بللی دیر مرادِم،
هله لنگ لنگ...^۱

گرایلی دیگر از او، در تقطیع $(4+4)$ سروده شده است:

سنس‌سیز - سنس‌سیز آغلاماقدان،
گؤز - گؤز اوْلدو اوْره گیمیز.

بخت اوْلدو زون ایتیر میش‌می؟

۱. همین کتاب، ص. ۱۲۵.

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۲۷ ۶۰

دومان گۇرمۇش دىلە گىمېز.

سىسىز - سىسىز يانپۇر جانپۇم،

يانان وارسا دويار منى.

گىزلى يانار آلاولارى،

آنان وارسا دويار منى...^۱

۲ - ۳. قوشما

"قوشما" به شعر يازده هجايى با تقطيع‌های (۶ + ۵)، (۴ + ۴) + (۳ + ۳) اطلاق می‌شود. سازه‌بندی آن چنین است که حداقل از سه بند چهار مصراعی تشکیل می‌شود. در بند اول، قافیه‌ی اصلی در مصراع‌های دوم و چهارم می‌آید و در مصراع‌های چهارم بندهای دیگر تکرار می‌شود. از بند دوم به بعد، سه مصراع اول از هر بند، دارای قافیه‌های داخلی است.

در این کتاب از رضا غفاری تعداد هجده قوشما آورده‌ایم. اغلب این قوشماها در تقطیع (۶ + ۵) سروده اشده است. در میان آن‌ها، قوشماهایی با مضامین دلنشیں طبیعت‌گرايی وجود دارد. مانند:

يئنه پاپىز گلىب، باخچالار باغلار،

تاپشىرپىر يئللە گۆى گىتىيملىرىن.

سانكى گۆز ياشى دېر زينه بولاقلار،

آخېر داغ دؤشۈندن دوم - دورو سرین.^۲

۱. همین کتاب، ص. ۱۲۴.

۲. همین کتاب، ص. ۱۰۶.

چند قوشما نیز در تقطیع ($۳ + ۴ + ۴$) با مضامین حسرتبار و شکوه از فراق، با موج پرشکوه امیدواری و مانند آن سروده شده است. مانند شعر دوازده هجایی زیر که ما آن را در این کتاب، در ذیل عنوان "ترکیب‌بند" آوردیم:

گیزلين سؤزلو اوره کلرين سپرداشی يام،
با خېشلاردا دالغالانان گوز ياشې يام.
اینان منه، چتىن يولون يېلداشې يام،
گۈل ناخېشلى گۆزلىينه آند ايچرم،
آى باخېشلى گۆزلىينه آند ايچرم.^۱

در قوشماها، بند اوّل هر قوشما معمولاً در مصراج دوم و چهارم مقفی است. رضا گاهی در بند اوّل، مصراج‌های اوّل و سوم را هم قافیه‌دار می‌کند. مانند:

آستاجا گۈيىلدە آخېر بولوتلار،
يئنه قانادلانپىر ياغمور قوشلارى.
دارېخمىش كۆنلۈمە باخېر بولوتلار،
قۇنور پنجرەمە شن ياغېشلارى.^۲

از جمله نوآوری‌های رضا در قوشما‌سرايی، تبدیل "قوشما" به "ترکیب‌بند" است.

۱. همین کتاب، ص. ۱۸۲.

۲. همین کتاب، ص. ۱۰۵.

۳ - ۳. ترکیب‌بند

گونه‌ی شعری "ترکیب‌بند" در ترکی، علاوه بر دارا بودن انواعی که در فارسی موجود است، زیرگونه‌های هجایی چندی نیز دارد. در گونه‌ی "ترکیب‌بند"، هر بند، بیش از پنج مصraig دارد که بخلاف "ترجیع‌بند" که بعد از هر بند، دو مصraig آخری عیناً تکرار می‌شود، آن دو مصraig بدن و قافیه‌ی مستقل دارند.

اما رضا غفاری این گونه‌ی شعری را در قالب دوازده هجایی سروده و دو مصraig پایانی را در بدن‌های مختلف، اما، قافیه‌های مشترک آورده است.

یکبار نیز "ترکیب‌بند" را در قالب یازده هجایی سروده است و دو مصraig آخر را از قافیه آزاد کرده و مصraig‌های اول و سوم هر بند را با قافیه‌های داخلی و مصraig‌های چهارم همه‌ی بندها را هم‌قافیه و مصraig‌های دوم هر بند را آزاد از قافیه نگه داشته است:

بولوتلار، بولوتلار نه گلدی سیزه،
سیزده بو چوللردن افسانپیسبنیز.
یاغپن، اوتنامایپن، یاغپن دنیزه،
بهره‌سیز گورنده بونو هر زمان.
بلکه یاغماغپزدان اوتنانپیسبنیز،
سیزده بو چوللردن افسانپیسبنیز.

بولوتلار، بولوتلار هایاندا قالدپز،
تورپاق آلاو چکپر، تورپاق اودلانپر.
هارا چکیلدینز، هارا اوچالدپز،

تۇرپاق دىر بولوتدان، ياغىشى اومان.

آخى بو تۇرپاقدا، تۇرپاق آدلانپىر،

تۇرپاق آلاو چىپەر، تۇرپاق اودلانپىر...^۱

در يك ترکىببند دىگىر، دو مصraig پايانى را در هر بند با قافىيە مستقل،
ولى مصraig همەى بندھا را با مصraig سوم بند اول ھەقافىيە ساخته
است:

دۇستو ووروشدوران آراني پۈزان،

سۆزلىرىن چاشدېرپ يۈلۈنۈ آزان.

بىرلىكدىن دانېشىپ ھەمتدىن يازان،

بىز آزدا اوْزۇنە فىكى^۲ وئرئىدىن،

يازدىغىن سۆزۈنە فىكى وئرئىدىن.

ناموس دان سۆز دئىن، عاردان دانېشان،

ايلىقادان سۆز وئرن، ياردان دانېشان.

گۆللرىن بؤيرۋنە خاردان دانېشان،

قاىيغى دان، غۇروردان، غىرتدىن يازان.

بىر آزدا اوْزۇنە فىكى وئرئىدىن،

يازدىغىن سۆزۈنە فىكى وئرئىدىن.^۳

۱. ھەمين كتاب، ص. ۱۸۴.

۲. كلمەى "فىكى" در اينجا در دو هجا (fikir) خوانده مىشود.

۳. ھەمين كتاب، ص. ۱۸۳.

۴ - ۳. قوشا بیت

مشابه گونه‌ی "قوشا بیت" در فارسی نیز وجود دارد. در شعر نوین فارسی دهخدا و معاصران او گونه‌ای دوبیتی‌های پیوسته به هم سروندند که مصراع‌های دوم و چهارم در چند بند چهار مصراعی هم‌قافیه باشند. این گونه‌ی شعری، از دیرباز در شعر ترکی هم وجود داشت. بخشی اندک از اشعار هجایی رضا در این مجموعه عبارت از همین گونه‌ی شعری است. یکی از این اشعار در وزن عروضی: "مستفعل مستفعل مستفعل فعال (- . . / . . . / . -)" است، و بقیه در وزن یازده هجایی، با تقطیع (۶ + ۵) سروده شده است.

۴ - ۳. غزل

زبان ترکی، یکی از گسترده‌ترین السنه‌ی جهان با ویژگی کوتاه‌واکی است و همین ویژگی سبب شده است که بستر زمان‌اندیشی در آن بی‌نظیر باشد و از سوی دیگر، استحصال لغات پی‌افزودهای بر مخزن واژگان آن گسترده شود. علی‌رغم روانی سرایش شعر به اوزان هجایی در این زبان، همین ویژگی‌ها سبب شده است که استفاده از اوزان عروض در ترکی بسیار دشوار گردد. امیرعلی‌شیر نوایی در باب این که در روزگار او جوانان ادیب به سرودن غزل در ترکی رغبت نشان نمی‌دهند، گوید:

«جوانان کم‌ماهیه‌ی ترک، نظر به آسانی زبان فارسی، به این زبان غزل‌سرایی می‌کنند. فی الحقیقت، اگر درست ملاحظه و تأمل کرده شود، با وجود وسعت و فسحت که زبان ترکی راست و ذکر آن گذشت، ابزار هنر و سخنوری و غزل‌سرایی در این زبان سهل‌تر خواهد بود. با این

مالحظات شایسته چنان بودی که اهل ادب این طایفه، به زبان خود طبع‌آزمایی و هنرنمایی می‌کردند و به زبان غیر غزل‌سرایی را هنر نمی‌شمردند. و اگر به فارسی نیز شعرسرایی می‌کردند، تا بدین پایه در زبان خود طریق مسامحه نمی‌پیمودند. و اگر در این امر اصرار داشتند، لاقل به همان قدر که به فارسی شعر می‌گفتند، به ترکی نیز رغبت می‌کردند.

این کار از حوصله‌ی عقل و خرد بیرون است که هنرمندان ترک، با آن که ترکی نوشتن در حیطه‌ی تسلط آن‌هاست، به فارسی می‌نویسند. راستی آنان که از ترکی نوشتن عاجز و درمانده‌اند و اگر خواهند به ترکی شعر سرایند، چنان خواهد بود که فارسی‌زبانی به ترکی شعرسرایی کند و پیش فصحای ترک آنچه سروده‌اند، خواندن نتوانند؛ زیرا که در هر جمله‌ای صد عیب و نقص پیش خواهد آمد. البته استعمال معانی بدیعی که در این زبان است برای مبتدیان در آغاز کار سهل نخواهد بود. مبتدیان در مقابله با این گونه دشواری‌ها سرتباپند و به راهی آسان تر گرایند و چون چندی بدین منوال گذرد، به این حال خوی گیرند و دیگر ترک این عادت بر آنان به سهولت امکان پذیر نمی‌گردد و آنان به این عذر متعلّد شوند. و بالنتیجه، این مبتدیان نیز به گروه تورکان پارسی‌گوی پیوندند و این راه را باب طبع خود شناسند. مبتدیان آنچه نوشته و گفته‌اند، خواهند که بر اهل فن و اساتید خوانند و این خود عادت جمله‌ی صاحب‌قلمان است و چون اهل فن نیز هم‌چنان

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۶۳ ۳۳

فارسی‌گویند و از کلام تورکی بهره ندارند، جوانان تورک به فارسی سخن سرایند و سرانجام به سلک آنان درآیند.^۱

نوایی به دشواری انطباق اوزان عروض بر زبان کوتاه‌واک ترکی آگاه است و می‌داند که این انطباق بسیار سخت است.

فضولی نیز غزل سرایی در ترکی را دشوار می‌شمارد و می‌گوید که اگر قواعد عروض و یا "نظم ترکیب" را بر لحن ترکی انطباق دهیم، زیبایی سخن ترکی رنگ می‌بازد و "ناهموار" می‌شود. اما اظهار امیدواری می‌کند که این "ناهمواری" را هموار خواهد ساخت:

لهجه‌ی ترکی قبول نظم ترکیب ائیله‌سه،
اکثر الفاظی نامریوط و ناهموار اولور.

من ده توفیق او لسا بو دشواری آسان ائیله‌رم،
نوبهار اولجاق تیکاندان برگ گل اظهار اولور.

فضولی در اینجا قواعد عروض و "نظم ترکیب" را به "خار (= تیکان)" تشبيه می‌کند، و قابلیت و شایستگی خود را به ابر بهاری مانند می‌سازد که از خار، برگ گل ظاهر کند.

قوسی تبریزی با ظهور خود توانست اندکی از این اغلاق و دشواری انطباق عروض با لحن و تلفظ لغات در ترکی و پیاده کردن افاعیل عروض و ایقاعات موسیقی آن بر گستره‌ی واک‌های ستبر و محکم ترکی بکاهد و غزل سرایی را

۱. نوایی، امیرعلی‌شیر. محاکمة‌اللغتين، مقدمه، تصحیح و تحریشیه: حسین محمدزاده صدیق، تبریز؛ اختر: ۱۳۸۷ صص. ۷۹ - ۸۰.

به ویژه در ترکی آذربایجانی رونق دهد. غزل‌های ترکی قوسی در روانی کمنظیر است:

سالبیدپر اودلارا تا شمع رخسارپن منی ای گوول،
منیم چون هم یانار پروانه هم افغان ائدر بولبول.
اگر جان تازه‌لر چشمین، نگاهپن جان آلاز اما،
اگر زنجیر اوکار زلفون ولی زنجیر اوزه‌ر کاکل.
چراگی یاندی عشقین مندن و من عشقدن یاند پم،
بلی مشهور دور کولدن اود اولماق ظاهر، اوددان کوکل.
مناسب‌دیر گؤزۈمده اگله‌نیب آرام اگر توتسان،
کی من سرو و منیم کیپریکلرمیدیر سبزه، چشمیم گوول.
منه یۇل گوئستربیت صحرای یولون اول باشلادی اوّل،
کی مجنونون ائوی کەنلۆم کیمی يارب چۈل اولسون چۈل.
اگر خلقی نسیم سۆنبولستان تر دماغ ائیلر،
ولی اول زلف و کاکل نکھتیندن آب اولار سۆنبول.
نه باکېم وار اگر سرگشتەدیر دل، قد دوتا قوسی،
کی دریالاردا کۆنلۆم کشتى‌دیر، چایلاردا جسمیم پۇل.

مکتب غزل تبریز در عصر عباس‌میرزا، و بعد از آن تا دوره‌ی مشروطیت، روانی و فخامت در زبان ترکی را به اوچ خود رسانید. شاعرانی مانند عاجز

۱. محمدزاده صدیق، حسین [مؤلف و گردآورنده]. ترکی‌سرایان عصر صائب تبریز، چاپ اول، تبریز: یاران، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۰.

مجموعه اشعار رضا غفاری (دومان) ۳۵ ۶۰

گرمه رودى، محمد امين دلسوز، راجى و هم روزگاران او غزل سرايى را مانند قوشما سرايى و گرایلپى گوئى روتق دادند و غزل را هم پاي قوشما، مردمى کردند. رضا غفارى را در غزل سرايى، ادامه دهنده اين مكتب مى دانم. غزل های او بسیار ساده، روان، عاري از هرگونه اغلاق و در عين حال سرشار از بدايع هنرورى و صنایع شعرى است. برای اثبات اين مدعى، به يکى از غزل های او نظر بیندازيم:

عمرۇن خزانە يئتىدى، سۇلدۇن چىچك ساياغى،
حسرتلى گۆزلر اۇلموش هجرىنده قان بولاغى.
بىر آز سئوينجە سنلە، گاهدان بىز آل تاپاردېق،
سىنىز كسىلىدى ائودن شىلىكلىرىن، آياغى.
آچدېقجا قۇل بوداغىن، فخر ائيلە بىر آغا جلا،
بىردىن قورورسا رىشە، ئىليلر آغاچ بوداغى.
بىرگۇن صبا سۋز آچدى عاشقلرىن كۈچۈندەن،
غم غىصە آلدى باغى، ايسلاندى گۈل ياناغى.
آخشامدى، قاش قارالدى يار گلمز اولدۇ، گۈئنلۇن،
صۇحو آغار ماينجا سىسى لىرددىر قولاغى.
عشق اھلىنى گۈرۈشدن محروم ائدىرلر اولسۇن،
گىزلىن محبّت اۇلموش دۇستلوقلارپن داياغى.
گاھ گۈيلرىن اۆزۈندە گۈزىكىدىر، بولودلار،
گاهدان گۈرۈرسن اۇلموش درىالارپن قوناغى.
گلزار عشق ايچىتىدە نادر گۈلۈمسىن، اى گۈل!

^۱ وئرمه رضا فراغی غمگین اندہ بو باعی.

۱. در این غزل هشت بیتی، تنها ده کلمه‌ی عمر، حسرت، هجر، فخر، صبا، صبح، عشق، محروم، محبت، فراق غیر ترکی و دخیل به حساب می‌آیند که همه را ما به سبب کثرت کاربرد، ترکی‌شده به حساب می‌آوریم و غریب و مهجور نیستند.
۲. تمام ایيات غزل پشت سر هم توالي معنایی دارند، به گونه‌ای که از ابتدا تا انتهای پنداری، تابلویی نقاشی شده است و ما قدم به قدم با زوایا و رنگ‌آمیزی‌های تابلو آشنا می‌شویم. در حالی که معمولاً غزل‌سرايان در هر سبکی که باشد، در هر بیت از غزل متناسب با قافیه معناپردازی کرده‌اند.
۳. تغزل و تغنى لطیفی که در غزل موجود است، در فضایی از آرمان‌گرایی‌های فلسفی و اجتماعی قرار دارد. و در هر حال، خواننده را وادار به تفکر می‌کند.
۴. صنایع ادبی نظیر تشخیص و جاندارانگاری در تعبیر فخر کردن درختان و گوش خواباندن دل و گردش کردن ابرها، تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز، مراعات نظیر، تناسب، واج‌آرایی و جز آن در غزل فراوان به چشم می‌خورد.
۵. زبان غزل بسیار روان و وزن عروض دقیقاً بر الفاظ ترکی انطباق یافته است و هیچ یک از واک‌های کوتاه ترکی، کشیده نشده است.

۱. همین کتاب، ص. ۱۷۸.

۵ - ۳. شعر نو

از اشعاری که رضا به شیوه‌ی نو سروده است و ما در ترکی به آن "سربست" نام می‌دهیم، نزدیک چهل قطعه به دست آورده‌یم که در بخش "سربست شعرلر" یکجا گرد آورده‌یم.

در اینجا، قصد ما از شعر نو، گونه‌ای شعر است که در آن، میزان کوتاهی و بلندی مصراحتاً بستگی به بیان مضمون و سخن‌آرایی ویژه در هر قطعه شعر دارد.

رضا در میدان ترک‌تازی شعر نو، شاید بتوان ادعا کرد که قانونمندترین و زیباترین قطعات شعری را سروده است.

شکل و قالبی که رضا برای شعر نو انتخاب می‌کند، بسیار جالب است. او، از تمام تجربه‌های نخستین شعرنوسرایان فارسی و ترکی در قالب‌های چهارپاره، تا اشکال نوین شبه‌هنجاری و حتی شعر سپید بهره می‌جوید.

در فارسی، ظاهراً نخستین بار محمدحسین صفائی اصفهانی (۱۲۶۹ - ۱۳۲۳ ه.) توانست ایيات چهارپاره‌ای بسراید که هر قسمت آن‌ها وزن جداگانه دارد و هر قسمت بیت با همان قسمت ایيات دیگر، بر یک وزن و آهنگ بود. اغلب آن‌ها دارای ایيات طولانی و وزن سنگین جا افتاده‌ای است و می‌توان گفت که بعضی از این اوزان، ابتکاری و در شعر فارسی نادر بود.^۱ غزل معروف زیر از اوست:

دل بردى از من به یغما،

۱. آرین پور، یحیی. از صبا تا نیما، تهران: زوار، ۱۳۸۲، ج. ۲، ص. ۱۴.

ای ترک غارتگر من!
دیدی چه آورده ای دوست!
از دست دل بر سر من؟

دیگر، محمد تقی بهار و دهخدا بودند که هم در مضمون و هم در قالب، در شعرسرایی، دگرگونی ایجاد کردند. محمد تقی بهار در قصیده‌ای که در سال ۱۳۲۹ هـ. در تقطیح تسلط صمدخان شجاع‌الدوله بر تبریز سرود، چکامه‌سرایی روایی را در فارسی بنیان گذاشت. چند بیت از این چکامه چنین است:

صبا شبگیر کن از خاورستان،
به آذربایجان شو بامدادان.
گذر کن از بر کوه سهندش،
عیبرآمیز کن پست و بلندش.
بچم بر ساحل سرخاب رودش،
بده از چشم مشتاقان درودش.
... کنون از بازی شاه و وزیرش،
به چنگ یاغیان بینم اسیرش.
فرو پیچیده دست زورمندش،
به خاک افتاده بالای بلندش.
زده دست خیانت بر زمینش،
به خون آغشته چشم نازنینش.
شده دانشورانش زینت دار،
پلنگانش زیون گرگ و کفتر.

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۳۹ ۶۰

به یک ره کنده شد چنگال تیزش،
سترون گشت خاک مردخیزش.
به جز خون جوانان رسیدش،
نروید لاله از خاک امیدش.
به جز خونابه‌ی قلب حزینش،
نبینی نقش غیرت بر زمینش.
... بدرّد کوه اگر جای پلنگی،
به سنگی بر جهد رواه لنگی.
بسوزد باع اگر جای تذروی،
نشیند خربطی بر شاخ سروی.
... اگر ایران شود باع جنانی،
نبیند همچو آذربایجانی.
شما این ملک را معیوب کردید،
خداتان اجر بخشد، خوب کردید!^۱

این‌ها، آغاز نوآوری‌ها در شعر فارسی بود تا آن‌که نوبت به شمس کسمایی،
تقی رفعت و شاگرد او حبیب ساهر رسید که هر سه تن از آذربایجان بودند و
تحت تأثیر عمیق از نوگرایی شعر ترکی عثمانی، در شعر فارسی نیز
دگرگونی‌های ایجاد کردند. به چینش قافیه‌ها در شعر زیر از خانم شمس
کسمایی دقت کنیم:

۱. این نمونه و نمونه‌های شعری دیگر از شمس کسمایی و تقی رفعت را از کتاب از صبا تا نیما (ج. ۱) در این کتاب ذکر کردیم.

ما در این پنج روز نوبت خویش،
چه بسا کشت زارها دیدیم،
نیک بختانه خوش‌های چیدیم،
که ز جان کاشتند مردم پیش.

زارعین گذشته ما بودیم،
باز ما راست کشت آینده،
گاه گیرنده، گاه بخشندۀ،
گاه مظلوم، گهی درخشندۀ،
گرچه جمعیم و گر پراکنده،
در طبیعت که هست پاینده،
گر دمی محو، باز موجودیم.

در این شعر، در بند دوم، مصraع اول با مصraع آخر هم قافیه است، مصraع دوم با مصraع ماقبل آخر، مصraع سوم با مصraع چهارم، و قافیه‌ی مصraع پنجم حالت خوش‌گریزی به مصraع ششم را دارد.

و یا در این شعر از تقی رفعت:
عنوان تو زهره، ماه، خورشید،
دوری تو از این جهان سیّار.
خواری تو در این دیار خونخوار،
دلسرد ز خود، ز غیر نومید.

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۴۱ ۶۰

آن که ترا همی به زانو،
در سجده‌ی عشق می‌پرستند،
مانند وحش دشت هستند،
اندر پی صید در تکاپو.

که قافیه در مصraigاهای اول و چهارم هر بند آمده و مصraigاهای دوم و سوم
قافیه‌ی مستقل دارند.

و حبیب ساهر بعد از تقدی رفعت این شیوه را ادامه داد:
تاك‌ها گیسو فشانده،
رنگ خورشید سحرگه.
در دل شبنم بمانده،
روی سبزه،
ژاله‌ای سبز و زرین می‌درخشد،
چرخ ریسک بر سر آب روان،
می‌خرامد.^۱

حتی او، بی‌رحمانه به تخطئه‌ی کهنه‌گرایان و مضمون‌سازان پوچگرا پرداخته
است:

نخست قافیه‌ها را به رشته کش، زان پس،
بساز شعر پریشان، ز روی عشق و هوش.

۱. م. صدیق، ح. دیدی از نوآوری‌های حبیب ساهر، تبریز: ساوالان، ۱۳۵۶، ص. ۱۸.

نویس فی المثل ارمن، چمن به دفتر خویش،

و یا: پریش نویس و حشیش و کیش و سریش.

... چو شاعران سلف با تصعّد و اغراق،

گهی ز چرخ بگو، گه ز انفس و آفاق.

ز رنج و محنت مردم همیشه غافل شو،

ز حق کناره بگیر و مرید باطل شو.

همیشه کهنه پرست و مدیحه گو می باش،

که پایدار بماند هماره کاسه و آش!^۱

شمس کسمایی، تقی رفعت و حبیب ساهر، هر سه دگرگون‌سازی شکل و قالب در شعر را از شعرای "ثروت فنون" و شیوه‌ی معروف به "تنظيمات" که در قرن گذشته در ممالک عثمانی رخ داد، یاد گرفته بودند. از میان سه تن شاعر تبریزی، تقی رفعت و حبیب ساهر اصلًا تحصیل کرده و سال‌ها مقیم استانبول بودند و هر سه تن به زبان‌های ترکی، فارسی و فرانسه شعر می‌سرودند. تقی رفعت فرزند آقا محمد چند سال نیز مدیر مدرسه‌ی ناصری در استانبول بود و پس از رجوع به تبریز در سال ۱۳۳۵ هـ. معلم زبان فرانسه شد و روزنامه‌ی تجدد را انتشار داد که موضوع مقالات اصلی آن پیکار کهنه و نو در شعر بود. ساهر نیز که تخلص خود را از نام جلال ساهر، شاعر نوپرداز عثمانی اخذ کرده بود، انقلابی در شعر ترکی و فارسی ایجاد کرد. او را پژوهشگران تاریخ شعر نو در آذربایجان "پدر شعر نوین ترکی" نام داده‌اند. وی در نیما یوشیج نیز تأثیر

۱. همان، ص ۹.

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۴۳ ۶۰

عمیقی بر جای نهاد، به گونه‌ای که نیما جسارت پیش‌فراولی در ساختارشکنی قالب‌های شعری را از او یافت و بدون آن که پیوند خود را با قواعد و هنجارهای عروض بشکند، منظومه‌ی بلند افسانه را سرود.

پدر حبیب ساهر اصلاً از روستای ترک در اطراف شهر میانه بود. وی از مادری ایلاتی متولد شده بود و آن گونه که خود گوید، مادرش بهره از شعر و شاعری داشت.

منیم آنام اورتا بؤیلو بیر خانیم،
سیاه ساچلی بایات سؤیلو بیر خانیم،
دئیهر - گوئلر، چایلی - هویلو بیر خانیم،
آللی پوللو کولله‌جهلر گئیه‌ردی،
نوش آفرین ناغلپنی دئیه‌ردی.^۱

موج "ادبیات جدیده" در امپراتوری عثمانی از سال ۱۸۹۵ تا ۱۹۰۱ راه افتاده

شاعرانی مانند توفیق فکرت، جناب شهاب‌الدین، جلال ساهر از پیشتازان این موج بودند. اینان قالب شعر در ترکی را بتمامی در هم ریختند. از عروض سنتی، فقط "مستزاد" را پسندیدند و با دگرگونی‌هایی آن را نگه داشتند، و ظهور قالب‌های جدید و مضمون‌های متفاوت در شعر را تحقق بخشیدند.

توفیق فکرت اندیشه‌ی تجددخواهانه داشت. و برای بیان این اندیشه‌ها و دفاع از حقوق ستمدیدگان، قالب‌های شعری ابداعی جدید خود را مناسب می‌دید:

۱. ساهر، حبیب. کوشن (مجموعه‌ی شعر)، تهران: [بی‌نا]، ۱۳۴۳، خاطرات.

حق سیزليگین انواعبئي گوردوک، بومو قانون؟
ان غملى سفالتلاره دوشدوک، بومو قانون؟
دولت سده، قانون سادا، آرتق يئتر اولسون،
آرتق يئتر اولسون بو دنى ظلم و جهالت.
ملت يولودور، حق يولودور توتوجوموز يول،
ای حق! ياشا، اى سئوگيلى ملت ياشا، وار اول!^۱

از سال ۱۹۰۹ تا ۱۹۲۳ در تاریخ کشور ترکیه، دوره‌ی مشروطیت نامیده شده است. در این سال‌ها، به دنبال موج "ادبیات جدیده"، جریانی با عنوان "فجر آتی" شکل گرفت. نسل جوانی که می‌خواست با موج "ادبیات جدیده"، جریانی در دگرگون‌سازی کامل و پرداام در زبان شعر، قالب بیان و ماندگارسازی آن و نیز، رهاسازی شاعر از تکرار مضامین کهن شعری راه اندازه، غوغایی در میدان سرایندگی به پا کردند. جلال ساھر، یکی از اعضای گروه "فجر آتی" به نظریه‌پردازی در باب شعر نوین پرداخت. به نظر او اینک زمان آن فرا رسیده بود که شاعر از آزادی، دادگری، خردورزی و انسان‌گرایی سخن گوید، از حقوق ستمدیدگان دفاع کند. در نمونه‌ای از شعر او، در زیر می‌بینیم که او ضمن مضمون‌پردازی اجتماعی جدید، هم در مضمون و هم چیش قافیه و نیز در ترکیب مصraigاه، در روزگار خود، کار بی‌سابقه‌ای انجام داده است:

۱. این نمونه و نمونه‌های شعری دیگر از جلال ساھر را از کتاب زیر برداشتیم:
Ali İhsan kolcu. *Tanzimat Edebiyatı*, Erzurum: Salkimsöğül Yaynevi, ۲۰۰۸.

تحفه‌ی تقدیس

منیم قادینلارا افراط حُرمتیم واردپر،
بۇتون بو عالمه منسوب اولان گۆزەللىکلر،
منیم گۆزۈمده قادین سېز لىالدپر يىكسىر،
قادین بو ظلمتى نورويلا هېرىبالار، داغبدار.

شفيق بىر قادىنپن سينه‌ی نزىھىندە،
ياتارسا بىر گئچەجىك، هانگى اضطراب اويمماز؟
اۇنون گۆزۈندەن اوچان ان كىچىك تېسىم راز،
خىال و فكرى ياشىل بىر جهان امىّدە،
سياحت ائتدىرەجك مستريح و مستثنا.
دقىقەلر ياشادپر بعضى كىمسەسىزلىگىنى،
بولور زواللەلارپن بىر تمايلى ايلە دور.

قادىن بو آننەدىر، آغوش شفقتىنده بىزى،
داها چوجوقىن ائدەر تسلیت رحيمانە،
و سوسدوراندا اۇدور ان بىرىنجى نالەمىزى.^۱

این گونه ساختارشکنى قالبى در شعر، در آذربایجان نىز، سال‌ها با فراز و
نشىب‌های خود ادامه يافت تا به دست رضا غفارى رسید. شعر در دست او
خميرمايه‌اي است نرم، به راحتى سخن گفتن عادي هر فرد، اما زىبا و روان:

۱. ساهر، جلال. بياض كولكىتلر، استانبول: [بىنا]، ۱۹۰۹.

ياغېش ياغېر،

ايلىر بويو خمار قالان،

تۈرىاق بۇ گۈن،

بوغازپىي ايسلاداراق،

دېلىن چكىر دۇداغىنا.

يئنه بېرداد داماغىندا شاققىلدايپر.^۱

در قطعه‌ی زیر، نشانه‌های زیادی از نوآوری‌های شاعران "فجر آتی" و "ثروت فنون" وجود دارد:

نه بير كىپرىيك وفراڭ نه قاناد چالان،

نه بير پىچىلتىوار، نه سىس، نه سمير.

چىگىنلر ياماقلى ياخالار سۆكۈك،

هر كيمين قارنى آج اللرى خمير،

كردىلر ائشىلى بوداقلار سېنىق.

آغاج دىبلرىنده كيمىسى دؤشەمیر،

مىن ايل لىك تور آتىپ بوردا هۇرۇمچىك.^۲

ويىڭى مەمم سرایىندىگى شعر نو (= سربىست شعر) در ترکى عدم رعایت كوتاهى و بلندى مصraعها، زوج و يا فرد بودن شمارەھى هجاھا در هر مصraع است؛ يعنى اگر در يك قطعه شعر نو كه هر يك از مصraعها مضربى از يك

۱. همین كتاب، ص. ۸۳.

۲. همین كتاب، ص. ۷۷.

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۴۷ ۶۰

عدد زوج را تشکیل می‌دهد، اگر مصraigی با شمارش هجای فرد آورده شود،
ریتم و آهنگ حاکم بر قطعه، ناموزون خواهد بود. مثلاً در قطعه‌ی "اونون آدبی"
تعداد هجایی بلندترین و کوتاه‌ترین مصraigاه، مضربی از چهار است:

مین ایللرین + آغبرلپغی + سینه‌سینده + یوک اولموشدو

۴ + ۴ + ۴ + ۴

پیرغاند‌بچجا

۴

قورخولوبیر + سس‌سیزلیگین

۴ + ۴

درینیندن

۴

زمان‌سیسین + هارایلا پیر

۴ + ۴

بو شهه‌رده^۱

۴

۴. دانش ادبی

رضا غفاری گرچه تحصیلات رسمی دانشگاهی نداشته است، اما دارای دانش
ادبی سرشاری بود. در کارهای پژوهشی بسیار وسواس داشت، به فیشنبرداری،
تنظیم مستندات، تدوین ارجاعات، تبییب استنباطات، آرایش استدلالات منطقی

۱. همین کتاب، صص. ۹۵-۹۷.

و جز آن بها می‌داد و در شاعری به ریزترین آرایه‌های بدیعی و هنر سخن‌آرایی مسلط بود.

امتیاز رضا غفاری با بسیاری از شاعران ترکی‌سرای معاصر، در دانش ادبی قابل قبول او است. وی از ظرایف شعری و دقایق هنر سخن‌آرایی از واج‌آرایی، هجا‌آرایی، واژه‌آرایی، چینش‌آرایی، بیت‌آرایی، همخوانی‌های آوایی – معنایی، شیوه‌گردانی، مشاکله، چند معنایی و چند وزنی و غیره با خبر بود و با ابداعات شعری خود نشان داده است که به همه‌ی دقایق سخن‌آرایی شعر واقف است. و گذشته از آن، زبان شعر را می‌شناسد، از کاربرد مخزن واژگان در شعر نیز خبر دارد. من به برخی از مظاهر تجلی دانش ادبی رضا در پایین اشاره‌هایی می‌کنم:

۱ - ۴. واج‌آرایی

"واجب‌آرایی" در ترکی، گسترده‌ترین گونه‌ی آرایه‌ی سخن است. این هنر چنان است که شاعر در آن، از راه تکرار واکه (= صائت) و یا واجه (= صامت) در جای یگانه‌ای از چند واژه و یا در جاهای چندگانه از آن‌ها، سخن خود را گوش‌نواز و دلنشیں سازد و به آن‌ها هاله‌ای از موزیک و موسیقی ببخشد. مانند: واج /s/ در

بیت زیر:

وصال پرده‌سینده کؤکله‌نمیش سازی،
گؤتۆر باغرپوا باس دیللندیر یننه.^۱

و یا واج /z/ در:

۱. همین کتاب، ص. ۶۸.

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۴۹ ۶۰

گۆزۆمۆزدە يئر ساخلایاق اۆزۆمۆزه،
بىسى داها.^۱

و ياج / d / در:
آدېنلا ياشادېم، آدېنلا قالدېم.^۲

۲ - ۴. هجا آرایی

"هجا آرایی" در معنای آرایش سخن از راه کاربرد ویژه‌ی هجاهای است که گاه با تکرار چندباره‌ی یک هجا و گاه با همنشین‌سازی چند هجای هم‌ساخت و همگون تحقّق می‌یابد. مانند:

وار ائل غمی سينه‌مده بؤيوڭ وار كيمى دير بو،
هاردان بىلەسەن ثروت ايچىنده قالپرام من.^۳

و ياب:
باخېشىن جانلار آلىرى، جان سنه قربان مارالېم،
قويموسان حسنۇن ايلە عالمى حىران مارالېم.^۴

۱. همین كتاب، ص. ۷۲.

۲. همین كتاب، ص. ۱۰۴.

۳. همین كتاب، ص. ۱۶۴.

۴. همین كتاب، ص. ۱۵۴.

۳ - ۴. واژه‌آرایی

"واژه‌آرایی" در واقع کاربرد چندباره‌ی یک واژه و گاه همنشینی چند واژه است که گاه در یک جای از یک عبارت یا مصراع و بیت و یا در یک جای از چند عبارت یا چند مصراع و چند بیت می‌آید. مانند:

مین یولدا بیچیلمیشسنه، دیدیلمیشسنه مین یول،
مین یول گوئیره‌ن دیر یئنه تارلا منه بنزر.^۱

و یا:

ناموس‌دان سؤز دئین، عاردان دانپشان،
ایلقاردان سؤز وئرن، یاردان دانپشان.
گوللرین بؤیروونده خاردان دانپشان.^۲

و یا:

یامانلار وار یاخشی - یاخشی آد قازانیب.
اینانمپرام یاخشی لاردا یاخشی لپغا،
یامانلپغا، یامانلاردا،
اینانمپرام.^۳

۱. همین کتاب، ص. ۱۳۴.

۲. همین کتاب، ص. ۱۸۳.

۳. همین کتاب، ص. ۸۵.

۴ - چینش آرایی

"چینش آرایی" یعنی این که چند واژه یا عبارت در کلام موزون به ترتیب خاصی چیده شود. مانند:

سئللر ▲ آپرماسپن.

↓ ↓ ↓

آپرماسپن.^۱ يتللر

يانان ▲ دويار مني.

↓ ↓ ↓ ↓

آنان وارسا دويار مني.^۲

يامان ▲ او لماق نهده راحات.

↓ ↓ ↓ ↓

يا خشبي او لماق نتجه چتين.^۳

۵ - مصراع آرایی

"مصراع آرایی" در آثار شاعران سلف نیز دیده شده است، در دیوان‌های نسیمی، فضولی، نباتی و دیگران فراوان به این هنر سخن‌آرایی برمی‌خوریم. در گذشته آن را ردّالمطلع می‌گفتند.

۱. همین کتاب، ص. ۷۲.

۲. همین کتاب، ص. ۱۲۴.

۳. همین کتاب، ص. ۸۵.

رضا در خلاقىت بدیع خود گاه مصraig را بى هېچ گونه دگرگونى تكرار مى كند
و گاه با اندك دگرگونى و يا کم و بىشى مى آورد. مانند:

هله سنى ياشايپرام،
فېرتېنالار دئنگەسیندە.
دۆشكوب قالان يارپاقلاربىن،
نفسىنده.

هله سنى ياشايپرام،
آغبولودلو اوزايلاربىن.^۱

و در قطعه‌ى زير يك مصraig را در آغاز و سپس عيناً در پایان قطعه نقل
مى كند:

گۈزلىيم آسىلېب ياناقلاربىدان،
بىر ماتم ئويينين آستاناسىندا.
حسرتلە بويلانان فانپىس لار كىمى،
ايشىقسىز، بوياسىز، جانسېز فانپىس لار.
بوجاقلاردا ايتىن اولدوزلار كىمى،
يالپىز كەچميشلەرین نيسكىلى اولور.
گۈزلىيم آسىلېب ياناقلاربىدان.^۲

۱. همین كتاب، ص. ۸۱.

۲. همین كتاب، ص. ۱۰۱.

۶ - ۴. بیت‌آرایی

"بیت‌آرایی" در واقع تکرار یک یا چند بیت است. در یک قطعه شعر که گاهی در ساختار آن بیت یا ابیات، هیچ تغییر و دگرگونی ایجاد نمی‌شود و یا این تغییر بسیار اندک است. مانند قطعه‌ی چوره ک سؤزو^۱ (سریست/۲۸) دو مصراج زیر را عیناً یک بار در آغاز و بار دیگر در انجام قطعه آورده است:

چوره ک سؤزو^۲،
قورتلولوشون قاپیسیدر.

گاهی نیز ساختار بیت یا ابیات تکرار شده یکسان است، اما در پاره‌ای از واژه‌ها دگرگونی وجود دارد. مانند:

منه خاطرلادبرسان،
سحرین ائرکن چاغلارپندا،
دمیر یؤللاری نبن دارپخمامسپنی.
حسرت باخیشلارپندا تؤپلانان،
اووزون – اووزون یؤللارپن،
تۈزلۇ آنلارپنی خاطرلادبرسان منه.

۱. همین کتاب، ص. ۹۳.

۲. همین کتاب، ص. ۹۸.

۷ - ۴. ازدواج

"ازدواج" در معنای آن است که واژه‌های همگون (متجانس)، هماهنگ (مسجع) و همخوان (متناسب) از پی هم آورده شوند. مانند موارد زیر که در اشعار رضا آورده شده است:

جفا ← وفا

عصا ← ردا

اسکندر ← دارا

جور ← دور

۸ - ۴. خوشپایانی

"خوشپایانی" یا "حسن مقطع" گونه‌ای بیان پایانی نغز و نازک است که خواننده بویژه در غزل احساس کند که به پایانه‌ای نیکو رسیده است و از آن شکفته و ذوق زده شود. مانند:

سنی گُئردوکجه رضا واله اولور تؤرپاغِنا،

نه گُوزه‌للر یتیریر آذریاچان مارالِبم.^۱

۹ - ۴. خوشآغازی

"خوشآغازی" یا "حسن مطلع" خواه در شعر سنتی و خواه در شعر نو، به گونه‌ای بیان اطلاق می‌کنیم که خواننده را بر سر شوق آورد و ذوق او را برای خواندن تمام شعر برانگیزد. مانند:

۱. همین کتاب، ص. ۱۵۴.

عارض یارده مُصَحَّف اوخونور آیه به آیه،
گوئش آردینجا هله گلمه‌دهدیر سایه به سایه.^۱

۱۰ - ۴. ردیف‌آرایی و قافیه‌آرایی

استاد ردیف‌آرایی و قافیه‌آرایی در شعر ترکی و فارسی، فضولی و صائب هستند. هر دو برای ایجاد تصویرهای خیالی و انجذاب معنا از لفظ، غزل‌های ردیف‌دار سروده‌اند. گاهی این ردیف‌ها مرکب و پیچیده است، مانند:

محاج وصال تو که باشد که نباشد؟
مشتاق جمال تو که باشد که نباشد؟^۲

رضا هم در ردیف‌هایی مانند: منه بنزر، الله قویسا، کؤنولسوز، قالمبشپق‌سا، بیر - بیر، گؤرۆرم من، نه بیلئیدیم، خنجر ایلن من، اولا بیلمز، قېلېنجېما، ائتدى فلک، باخ - باخ، و جز آن مضمون پردازی می‌کند.

در غزل: "قالدېقجا هله حیرت ایچیندە قالپرام من، / نیسگیللی درین حسرت ایچیندە قالپرام من".^۳ از کلمات مصراع‌های دوم را ردیف صاحب شده است. گاهی نیز وی غزل‌هایی بدون ردیف می‌سراید، در اینجا نیز، قافیه‌ها ناب و خودویژه است. مانند: تله‌سین، الهسین، هله‌سین، بله‌سین و ... و یا: سایاغی، بولاغی، آیاغی، یاناغی، قولاغی، دایاغی و ...

۱. همین کتاب، ص. ۱۷۱.

۲. ملا محمد فضولی. غزللر، چئویرنلر: علی آقا واحد و ...، تصحیح: دکتر ح. م. صدیق، تهران: تکدرخت، ۱۳۸۸، ص. ۲۸.

۳. همین کتاب، ص. ۱۶۳.

اما در مجموع باید گفت که غزل بدون ردیف‌وی، بسیار اندک است. و او شاعری است که با ردیف‌های مرکب می‌تواند غزل‌های پرمضمون بسراید. در گزینش قافیه در غزل‌ها گذشته از قوافی مشترک فارسی و ترکی، مانند: دوران، توفان، انسان، ایمان، پیمان، عرفان و جز آن، از قوافی ناب ترکی آذری بهره می‌جوید و این خود، البته در غزل‌سرایی نادر است و شاید بتوان این کار او را از این جهت نیز گونه‌ای دگرگون‌سازی و نگرش نوین به غزل‌پردازی دانست. قافیه‌هایی مانند: "قالاق، سالاق، چالاق، آلاق"^۱؛ "باش، یاداش، قاش، آش"^۲؛ "آتان، یاتان، توتان، قاتان، باتان، چاتان"^۳؛ "داندیم، یاندیم، قالاندیم، جالاندیم، بولاندیم، دیاندیم، ایناندیم، آندیم"^۴؛ "یانماق، دانماق، اینانماق، دیانماق، اویانماق، یوبانماق، بوبانماق"^۵ حکایت از این دارد که سراینده‌ی این شعرها در قافیه‌پردازی بسیار ماهر و توانا است. اغلب قطعات شعری او سرشار از قافیه‌های آشکار و پنهان، بیرونی و درونی و ریتم‌ساز و گوش‌نواز است. و در قطعه‌ای شش بندی که همه‌ی قافیه‌های آن جابه‌جا و درست و زیبا آورده شده، می‌گوید:

قافیه‌نی بؤشلا سؤزؤن‌وار دانپشن،
ایندی داها قافیه آختار میرام!^۶

۱. ر.ک. به غزل ش. ۳۷، ص. ۱۶۵.

۲. ر. ک. به غزل ش. ۳۲، ص. ۱۶۱.

۳. ر. ک. به غزل ش. ۳۱، ص. ۱۶۶.

۴. ر. ک. به غزل ش. ۴، ص. ۱۳۳.

۵. ر. ک. به غزل ش. ۱۰، ص. ۱۳۸.

۶. همین کتاب، ص. ۱۲۱.

۱۱ - ۴. ترادف آرایی

چنان است که دو کلمه‌ی هم‌معنا در یک مصراع یا بیت آورده شود. مانند:

نغمه‌لر قوشولوب آذربایجانا.

اوچماقدېر بو تۈرپاق جىڭت باغىدېر.^۱

در این بیت، "اوچماق" و "جىڭت" هر دو به یک معنا است. و از سوی دیگر، میان دو کلمه‌ی "تۈرپاق" و "باغ" تناسب و مراعات نظیر وجود دارد. و نیز کلمه‌ی "تۈرپاق" علاوه بر معنای خاک و دشت و غیره، معنای "سرزمین" نیز می‌دهد.

در سخن از دانش ادبی رضا دومان، نمی‌توان به مهارت وی در تصویرسازی ناتورالیستی اشاره نکرد. برخی از این تصویرها براستی خواننده را در فضایی که خواست شاعر است، قرار می‌دهد. بهره‌جویی شاعر از این مهارت در انتقال تصویرهای ملموس عینی به تصاویر ذهنی، برای یک منتقد شعر بسیار جالب جلوه می‌کند:

بولوت - بولوت ماوی لشدیم قارالدېم،

اورمان - اورمان ياشىللېغا بۇرۇندۇم.

سەپىلدىكچە قارا يئرین اوْزۇنە،

سېيركلهنىب قار ياغدىپا دۇندۇم من.^۲

۱. همین کتاب، ص. ۷۸.

۲. همین کتاب، ص. ۷۹.

شاعر در بیت زیر زیباترین و مؤثرترین تصویر عینی و ذهنی را آفریده است:
هانسی تارلاارپن ساورو وغوندا،
آلپزپن قېرىشى تر آرخى اولوب؟^۱

و در بیت پایین تشبیه‌ی بدیع و دلنواز آورده است:
هانسی چايخانادا حسرت توستوسو،
بۇرۇيۇندۇر شیرین آرزپلارپزى.^۲

۵. برخی از مضامین شعری

۱ - ۵. وطن‌دوستی

وطن‌دوستی جانمایه‌ی آفرینش شعری رضا است. در این دفتر، شعری از او یافت نمی‌شود که در آن، مهر وطن و دلدادگی‌های میهن‌دوستانه به گونه‌ای به تموج درنیاید. او، شاعر جبهه‌های جنگ، قهرمانی‌ها و دفاع از میهن است:
ایگیتلر گره ک،
جانلارپن وطنە قربان ائتسینلر.^۳

او، شعری را که در آن دردمدانه از مردم و میهن صحبت نشود، ولو مطمن
و پرطمطراق هم باشد، شعر نمی‌شناسد. معتقد است که شعر باید در خدمت
جهه‌های جنگ سروده شود:

۱. همین کتاب، ص. ۹۱.

۲. همین کتاب، ص. ۹۱.

۳. همین کتاب، ص. ۱۹۰.

شعریمده وطن دردی گره ک، ائل غمی اولسون،
درد اولماسا، شعر اولسا مطنطن، نه یه لازم؟^۱

او باور دارد و خواننده خود را تشویق می کند که پس از ویرانی ها، همت به
خرج دهد و میهن خویش را آباد سازد، و تبدیل به گل و گلشن کند:
بالاجا همت ایله دئنده ره ریک گولشنه بیز،
بو بؤیوک اولکه نی باشدان باشا الله قویسا.^۲

۲ - ۵. بیگانه گریزی

بیگانه گریزی و عدم اعتماد به اجنبی از مضامینی است که هاله‌ی نوری بر
اشعار رضا انداخته است. او، معتقد است که بیگانه، حتی اگر ادعای تیمارخواری
ما را داشته باشد، دل بر ما نخواهد سوزاند و به هر تقدیر، ضربه بر ما خواهد زد:
کؤنلۆم، غمینه يانمالی اولساندا اوژۇن يان،
يانسا ياناجاقدېر سنه بیگانه كۈنۈلسۈز.^۳

مخاطب خود را اندرز می دهد و می گوید که: «بارها گفتم اسرار ما را به هر
بیگانه‌ای فاش مکن!» و او را مذمّت می کند که چرا به اغیار اعتماد کرده است:
مین يول دئدیم گىزلىن سۋۇزۇ آچمازلا هر بیگانه يە،
اما يئنه فاش ائيلەدين اسرار بېمى اغیارەسەن.^۴

۱. همین کتاب، ص. ۱۵۳.

۲. همین کتاب، ص. ۱۳۲.

۳. همین کتاب، ص. ۱۴۵.

۴. همین کتاب، ص. ۱۶۲.

و خود را در برابر یار و دلدار خویش، سپیدرو می‌شناسد.

۳ - ۵. آذربایجانستایی

رضا غفاری فرزند لایقی از سرزمین آذربایجان است. او، به این سرزمین و مردم آن عشق می‌ورزد، عشقی بی‌انتها و وصفناپذیر. آذربایجان را سرزمین جوانمردان و سرداران می‌داند و غبار پای آنان را توتیای چشم خود می‌کند؛
مرد افغان‌لار وطنی آذربایجان ائلی دیر،
جوهریندن‌دی بو تورپاق بئله انسان تؤره‌دیر.^۱

در این میان، شهر تبریز را مانند تمامی شاعران تبریزی، از جان عزیزتر می‌داند. یک قوشما در چهار بند به تعریف از تبریز اختصاص داده است:

ای منیم اوره‌گیم، جانپیم تبریزیم،
عزّتیم، شوکیم، شانپیم تبریزیم.^۲

۴ - ۵. مناعت طبع

شاعر، قهرمان تنزلی خود را به حفظ غرور مثبت دعوت می‌کند. و او را اندرز می‌دهد و بلکه، بر او تازیانه می‌نوازد که از رذالت و پستی احساس‌گهتری احتراز کند و پیش هر کس و ناکسی خود را خوار ندارد و مناعت طبع را بها دهد:
گۆزۆمۆزدە يئر ساخلاياق اۆزۆمۆزه،
بسدی داها.

۱. همین کتاب، ص. ۱۴۰.

۲. همین کتاب، ص. ۱۰۴.

اۆزگەلرین قاپسېندا بؤيۇن آگىك،
آلچاقلىقلا كىچىنەمك دە،
يازېلىقدا، بىسى دادا.^۱

۵ - سرافرازى

سرافراز زندگى کردن از مضامينى است که شاعر بارها آن را در لابه‌لای اشعار خود، اندرزگونه به زبان مى‌آورد. از جمله در شعرى که خطاب به دخترش با عنوان "دعا - نصيحت" سروده، او را اندرز مى‌دهد که چگونه سرافراز زندگى کند. و در جاي ديگر مى‌گويد:

اوجالدىن باشېنى طايغانىن ئەلين،
ياشادىن اۆزلۈيۇن، قورويون ديلين.^۲

و يا:

دئدىم آرزېم بودور دار آياغىندا،
باشېم اوجا اولسون، دارسېزلاماسېن.^۳

۶ - اندىشەھاى فلسفى

در غزل‌های رضا به غزل‌هایی با مضامين و اندىشەھاى فلسفى و عرفانى برمى خوريم. در غزلی به مطلع:

۱. همین كتاب، ص. ۷۲.

۲. همین كتاب، ص. ۱۱۲.

۳. همین كتاب، ص. ۱۱۲.

واختی چاتمپشیدپر کی من نیرنگ جامپن سپندپرام،
كورشانام جمله جهانپن ننگ و نامپن سپندپرام.^۱

تعبیرهایی نظیر: سرباز زدن بند عقل، به آتش کشیدن خرقه و سجاده، پوج
انگاشتن اهتمام مرید و مراد، تاباندن نور حقیقت به قلب، مست و مدهوش
بادهی عشق بودن و فانی ساختن منیت و خودبینی، نشان می‌دهد که شاعر
دارای اندیشه‌های پیشتاز فلسفی نیز بوده است.

مضامین عرفانی در غزل "لنگ لنگ لنگم" نیز فراوان است. این غزل‌سروده
در اقتفاری یکی از غزل‌های عارفانه‌ی حکیم ابوالقاسم نباتی سروده شده است.
در همین غزل‌سروده که ما به اعتبار وزن هجایی‌اش، آن را در ذیل عنوان
"گرایلپلار" آورديم، تلمیح بسیار زیبایی به داستان فولکلوریک "سارا و سیل" و
تخلص نباتی دارد:

نه خبر گلپر موغاندان، نه سویملى خان چوباندان،
من اوzac او نکته‌داندان، هله لنگ لنگ لنگم.

نه مرید تار و چنگم، نه سراغ نام و ننگم،
نه اسیر بوی و رنگم، هله لنگ لنگ لنگم.
نه خرابه‌یم، نه آباد، نه بوخولویام، نه آزاد.

وار اوره کده گیزلى بیر زاد، هله لنگ لنگ لنگم.

یئنه‌ده گوژرم داشبیدی، سئل اولوب منی آشبیدی.
اولومۇم ياخېنلاشبیدی، هله لنگ لنگ لنگم.^۲

۱. همین کتاب، ص. ۱۴۹.

۲. همین کتاب، ص. ۱۳۷.

۷ - ۵. دانش‌دوستی

رضا غفاری، شاعر شیفته‌ی علم و دانش است. در هر فرصتی، مخاطب خود را به خردورزی و اندیشه‌پویی فرا می‌خواند. در غزلی با ردیف "اویرن" دانش‌اندوزی و علم‌جویی را تبلیغ می‌کند و می‌گوید:

علم ایله جهان مشعلی یانمادادپر اویرن،
جهال‌لر اوونو با خماکی دانمادادپر اویرن.
بیلگی ایله، بو گون گویلری سئیر ائیله‌ییر انسان،
باخ اونلارا گور هاردا دولا نمادادپر، اویرن.^۱

۶. مجموعه‌ی اشعار

۱ - ۶. گردآوری اشعار

رضا غفاری (دومان) از شاعران ناکام ماست که در اوج باروری ادبی و هنری، چشم بر این جهان فانی بست. اجل به او مجال نداد که خود مجموعه اشعارش را گرد آورده، انتشار دهد.

آنچه اینک در دست خواننده است، نخستین مجموعه‌ای به شمار می‌رود که از گونه‌های شعری بر جای مانده از وی تدوین می‌یابد. زحمت مراجعه به دستنویس‌های بازمانده از شاعر، گردآوری، گزینش و تدوین اشعار را آقای حسین عطایی، داماد غیرتمند او، زیر نظر این جانب انجام داده، در اختیارم

۱. همین کتاب، ص. ۱۶۳.

گذاشته است. در واقع زحمت اصلی تدوین مجموعه‌ی حاضر را ایشان کشیده است و اگر همت ایشان نبود، یقیناً این مجموعه انتشار نمی‌یافتد.

۲ - ۶. آماده‌سازی برای انتشار

پس از گردآوری اشعار پراکنده‌ی شاعر، به گونه‌بندی اشعار و آماده‌سازی آن برای انتشار پرداختیم. با توجه به این‌که رضا را شاعری نوپرداز می‌شناسیم، در آغاز مجموعه، شعرهایی را آورديم که در اوزان بومی هجایی سروده است و قبل از همه "سربست شعرلر" و به دیگر سخن "شعر نو"‌های او را قرار داديم و اشعار سروده شده در قالب‌های عروض را که اغلب غزل هستند، به انتها برديم. در آغاز هر غزل، وزن و بحر و تقطیع عروضی هر یک را نیز تعیین کردیم.

رضا به اغلب قطعات شعری خود، نام و عنوان داده است. قطعاتی را نیز که فاقد عنوان بود، ما خود نام نهادیم و آن را داخل دو چنگ [] قرار دادیم. جای آنچه را هم که قادر به خواندن آن نبودیم و یا در دستنویس موجود زایل شده بود، چند نقطه (...) گذاشتیم.

در شیوه‌گزینی املاء، گرچه اهتمام ما بر این است که صورت‌های املایی کلمات دخیل عربی را حتی‌الإمكان مانند اصل مبدأ آن‌ها حفظ کنیم، اما در برخی جاهای مجبور شدیم بعضی تغییرات در اشکال نوشتاری آن‌ها بدھیم. مانند: عوّمّور (عُمر) که در دو هجا تلفظ می‌شود. اماً به هر انجام، در شیوه‌گزینی املاء جدول آسان‌خوانی را معیار گزینش صور و اشکال املایی قرار داده‌ایم.

از میان نگاشته‌هایی که درباره‌ی شاعر تاکنون در مطبوعات چاپ شده است، چند قطعه نثر و تعدادی شعر نیز برگزیدیم و در بخش سوم مجموعه آورديم. و

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۶۵ ۶۳

برای راحتی مراجعه به مجموعه، فهرست تفصیلی و نیز پیشگفتاری بر آن افزودیم که امیدواریم هدیه‌ای ناچیز برای پویندگان شعر نوین و پربار معاصر آذربایجان تلقی گردد و باعث شادی روح شاعر نستوه، ستمدیده و زجرکشیده‌ی ما شود.

در به ثمر رسیدن همه‌ی زحمت‌هایی که برای این کار کشیدیم، گذشته از آقای حسین عطایی، از خانم معصومه غلامرثاد بازکیائی نیز باید سپاسگزار بود که حروفنگاری، صفحه‌آرایی و ویرایش کتاب را بر عهده گرفتند؛ و نیز، مدیر محترم انتشارات تکدرخت که کمر همت به انتشار آن بستند.

سخن آخر این‌که بهتر می‌بود مقدمه‌ی این کتاب نیز به زبان خود شاعر نگاشته می‌شد، اما، من این بار به مصدقاق "تو سر عشق بیان کن به هر زبان که توانی" عمل کردم؛ ولی وظیفه‌ی خود را در کار تدوین و تحلیل آثار بازمانده از این شاعر برجسته‌ی معاصر پایان یافته نمی‌دانم.

دکتر حسین محمدزاده صدیق

تبریز - تهران

مهرماه ۱۳۸۹

ایکینجی بؤلۈم:

اسعار

۱. سربست شعرلر

- ۱ -

سۆزۈن وار دانىش

غىم دئىسن كۆكسۆمده قالاخ - قالاخ وار،
گۇرۇرسن اىگىيمىدە ياس گىيىملرىن.
شىنىڭىز ئېلىكىن ئەپتەن ئەپتەن،
شەنلىكىن ئېلىكىن ئەپتەن ئەپتەن،

منىمەدە باغېمى سارالدىب خزان،
منى دە تىترەدىر قېشىن شاختاسى.
آيرېلىق اودونا من دە يانېرام،
منه بىر نغىمە قۇش بىر شكل يارالت.
ائشىدىم قۇشلارپىن قايىپتىماق سىسىن،
اوردا گۆزلىرىمە باهارى گۇرۇم.

وصال پىردىسىنە كۆكىلەنمىش سازى،
گۇئىتۈر باغرېبا باس دىللەندىر يئنە.
يئنى بىر هاواچال يئنى بىر هاوا،
گۇرۇرسن اولۇم لە ال بە ياخايام.
ياشايىشدان سۆز آج حىياتدان سۆز آج
شىنىڭىز ئېلىكىن ئەپتەن ئەپتەن.

- ۲ -

[بیر عالم]

آلپنی دایادی بئلین ساپینا،
سوپووق تر بورودو اونون جانپنی.
دریندن بیر نفس آلا بیلمه‌دی،
بۇغازدا بېرقىسا سېزېلتى سىسى،
دولانىب لىتله جانپنا اوتدو،
ديكىيلدى گۆزلىرى كندىن يولونا.

نئجه اوزون يۈلدۈر، نئجه‌ده اوذاق،
اسىردى دىزىلەرى، اسىردى آلى.
قوروموش آغاچىن يارپاگى كىمى،
يئنه‌ده گۆچۈنۈ پېغدى قولونا.

باخىادى جانپىن سوپوقولوغونا،
ايىتى باخېشلارپن تۈرپاغا يايدى.
آرخىن قېراغىنما چىكدى اوزۇنۇ،
بئللەددى، بئللەددى گۇنده كى كىمى.

سوپيون قاباغىنى آچدى بىرتەھەر،
بئل سۆزۈب اليىندى سويا قاتېلىدې.
پېخېلىپ تۈرپاغا سؤيكتى اودا،

لذتلى بير آجي بۇرۇددۇ جانىن.
دۇداغىي تىترەدى گۈزۈ دانېشدى،
نىسگىلى باخېشىندا، اۆزۈ دانېشدى،
... اولدوزلار بو گئىجە نىچە سايىرپىشىر.
اولدوزلار هەرسى بىر عالم ايمىش،
هر گئىجە اوتوروب باخايدىم اونا.
ايىشقلى گئيلرىن گۈزۈلىيگىنە،
عەمۈرده بىر دفعە گۈزۈ ساتاشدى.

- ٣ -

[دۆشۈنچەلر]

انسانى ترپەدن دۆشۈنچەلردىر،
اۇنون اۆرەكىدە كى آرزو لارپىنا.
ايىتەر كىچىك - بؤيۈك ايىتكىلىرىنە،
ال تاپماق اوامودو اولورسا بئلە.
ايىشق يىول گؤستەرن دۆشۈنچەسىدىر،
چېلىپاق گىزلىرىن سىزلىيگىنە.

دۆشۈنچە چىراقىي باتىدقجا سۈنۈر،
ايىتكىلر - اوامودلار ناغېلا دۈنۈر.
قارانلىق افنالارى باسپىر باغرېنا.

- ۴ -

[دالغا کیمی]

زمان نئجه اوئنوب گندير،

ييرمى عصير دالغاکىمې باشدان آشېب.

زمان بۇتون فورمالارى دىكىشدىرير،

انسانلاربن آرزىسىنى، ايستەگىنى دىكىشدىرير.

انسانلارى دىكىشدىرير،

ياشايىشدا يازى كىمى،

دنسيزلىگە اينامدان،

سادەلەشېر، دورولاشېر.

دانېشېقلار، افادەلر،

اسكىلىيگە بۇييون اىگىمير.

دولاشېقلار تن لىكلەدە يئرين آلىرى،

عصيرلرین اوتمەسىنە دوشۇنمەدن.

ھلەسىنин گۈزلىرىندە قورو موشام،

يئنه اسكى ايستەگىمە دوشۇنۇرم.

- ۵ -

گل قايداق

گل كىچميشى ييرده تاپاق،

دؤيۇنلەنيب هۇرۇكلهنىك.

دinizلره دؤنورسەدە،
سئللر بىزى آيېرماسپىن.
فېرتىنایا دؤنورسەدە،
يئللر بىزى آيېرماسپىن.
گل قايىداق،
گل قوووشوب بىرده تاپاق اۋزومۇزۇ.
كىچىميشىلدەن باشلاياراتق،
آيىق گۈزلە،
گۈزۈمۇزدە يئر ساخلاياق اۋزومۇزە.
بىسى داها،
اۋزگەلرىن قاپىسىندا بۇيون آىگىمك.
آلچاقلىقلار كىچىنىمىكدى،
يازېلىق دا بىسى داها!
گل قايىداق بىرده دئنك اۋزومۇزە.

- ٦ -

[قاراباغپن قافىھىسى]

يئردىن - گۈيدىن اۋد الھىير،
قانلىي وطن تورپاغېنىي.
تۇردا - تۇردا داشېپىرلار،
يئر آغلايېر.

بولوت - بولوت درد‌الهییر،

باخپش - باخپش قَهْرَ یاغبر.

بۇغاز لاردا دؤیونله‌نیب هۇئىكۈرتۈلر،

نفرت چكىب اوْز باشپىنى.

اۆرە كلىرىن قېنلاربىندا گىزلەنيدىر،

گۆز ياشلارى.

قورخولارا چولغا لانمېش،

حىران قالان.

سېنىق - سېنىق باخپىشلاربىن،

قايناغىبىندا قۆرۈمۈشىدۇر.

- قاراباغپىن هر ائويىنده،

تالانماغان تجربىسىن قازانمېشىق.

آتالاربىن - بابالاربىن،

آت بئلىنده، داغ دؤشۈنده.

تۇرپاقلارى گۆدە - گۆدە،

وجدان سىسىن دويا - دويا.

قازاندېغى غىرتى بىز،

او دوزاندا.

من وطنىن شاعرى بىم،

تۇرپاغىمېن شاعرى بىم.

يازدېغىما اوپۇنورم، گۇوهنىرم،

يئمك گۇنۇ اورتادىايم،

دؤپۈش گۇنۇ قېراقلاрадا - بوجاقلاردا.

توفىگىمى تۆز باسېبدېر،

قاراباغىن قافىهسىن آختارپرام،

ايىرىدىگىم قاراباغا دوشۇنمهدن.

- آجي - آجي گولۇمسەيير،

تۇرپاق منه باش تۇۋلايپر.

اۋشاقلاربىن گۆز ياشلارى،

تاپدالانان قاراباغىن كۆچەلرى،

آجي - آجي باخېب منه،

گولۇمسەيير.

تۆز باسېبدېر غېرىتىمى،

اوتابىرام وطنىمدىن.

اوتابىرام تۇرپاغېمدان،

شاعر بو گۇن قاراباغىن قافىهسىن،

قاراباغىن جىھەسىندە آختاراجاق،

شاعر بو گۇن قاراباغىن شعرىنىدە،

قاراباغدا،

قاراباغدا، يازاجاقدېر.

- ۷ -

[هله ...]

سینيله يۇغرولموش اۋرەگىم منىم،

سنه وۇرولموشام سنى گۈرمەدن.

سنى تانپىمادان سنى بىلمەدن،

هله اوپىرنەمىش سىنин آدېنى.

هله بال سۇرۇلۇن دوداقلارپىن،

دادا بىلمەمىشىم من كى دادېنى.

بىر جە شكىلىنىه تاپىش اۇلموشام،

دۇيغۇم گۆزلىرىنىن شعرىن اۇخويوب.

سۇزۇبدۇر كۈنلۈمە سئوگى ماھنېسى،

دئميرم دىيانپىن تانرىسى سىنسن.

دئميرم بىر سنى يەتىرىپ زمان،

بۇتۇن گۆزلەرىن گۆزەلى سىنسن.

من سنى نه آيا نەدە گۈنشه،

نەدە بنزەدىرم گۈلە - چىچەگىدە.

قۇى سنى اۇزگە يە بنزەتمەيدىلىم،

سن بؤيۈك بىر عشقىن حقيقىتى سن.

سنسىز من اۋلەرم دئميرم آنجاق،

سنسىز ياشاماغا دوشۇننمىرم.

- ٨ -

[بىزىمىدىر وطن]

يئل اسىر تۇز قۇپۇر داغىن دۇشۇندە،
گىرىپ سؤىكىنىشىم اوچا بىر داشا.
گۆنش سۈنمكىدەدىر بۆتۈن وارلىغا،
قارانلىق آستاجا چۈكۈر داراشا.
بولودلار سالالانېب سئل وۇرموش ئىلىن،
قۇنوب گۆزلىرىنده دۇنوب ياغىشا.
اورەگىيم دارېخېر بۇ منظرەدن،

ھەرن بويلاڭاراق داشىن دالىندان،
باخېرام گۈرۈنور شهر اۋزاقدان.
تۇرپاقلار اوستۇنده بۆزۈشۈب ياتېب،
يۈرۈعون امكىچىدىر دۇشۇب آياقدان.
چۈخ چىكىز دئىيرىن گۆزلىدىن ايتىر،
ايىشىق يايپىلماسا سۈنۈك چېراقدان.

بىر نفر آيېلىپ كېرىت چىكمەسە.
آى چېخېب بولوددان پارلايان زمان،
يئىنەدە كۈلگەلر دوواردا اسىر.
چۈخ چىكىز بىر سالخېم قارانلىق بولوت،

دايانپر ايشىغىن قاباغىن كسىر.

اوره‌گىم دارتىپر آرتىق قىزىشىر،

گۆزلرىن قاپىسا تىكىلر كىمى.

ناودانلاردا شىپىر پالچىقلى سويو،

ديره‌كلر اىسلامپر، دووار سۈكۈلۈر.

بىر يانى سئل باسېب بىريان سوسوزدور،

چايلاarda نظامىپىز آخىر تۈركۈلۈر.

يادىپر كى چكىلىر اوخدور آتېلپر،

اوره‌كدىر داپانپر بىلدېر بۈكۈلۈر.

يوردومن گۈركى بودور اوزاقدان،

شاخەلر تارلادا دالغالاندا.

يئىنه بۇللاشاردى بوغدا، اون، چۈرەك،

سۇنبۇللر قول – بۇييون اولوب گۆلردى.

لالەنپىن ياخاسىن آچاردى كۆلک،

چال چاغپر دۇشىرىدى دان سۈكۈلۈنجه.

نه بىركىپرىيك وۇران نه قاناد چالان،

نه بىر پىچىلتىوار، نه سىس، نه سمير.

چىيگىنلر ياماقلى، ياخالار سۈكۈك،

هر كىيمىن قارنى آج اللرى خمير،

كردىلر ائشىلى، بوداقلار سېنىق.

آغاج دىبلرىنده كىمسە دؤشەمیر،
مىن ايل لىك تور آتىپ بوردا هئرۇمچىك.

نغمەلر قۇشولوب آذربايجان،
اوچماقدىر بۇ تۈرپاق، جىنت باغىدېر.
ھر زمان سۇروشىدوم ياشايىشىندان،
دئىدiler بۇ ئەلين شىلىك چاغىدېر.
پارلاق بىر گۆنش دىر ظلمتى ياربىر،
پولاد زنجىرلىرى قېرىپ داغىدېر.
يۇخدور بۇ ئەللەرەد غم نشانەسى.

ياخېشىپن آلتىندان داشپىن دىيىىندىن،
غىمىلى باخېشلاربىم ئەلىمېزدەدىر.
بىلىرم دىيانپىن شىرىينلىكلەرى،
آنامېز اوئيرەدن دىلىمېزدەدىر.
آماڭ گۈرەندەكى ظلمتىن اوخو،
يای كىمىي اىگىلىميش بئلىمېزدەدىر.
من نىجە اۋرۇمۇ آلدادا بىللىم.

نه سىنىن، نه منىم، بىزىمدىر وطن،
ھامېمېز باغلىيىپق آذربايجان،
ائىللە سعادتلە ياشامالىدېر.

- ۹ -

[يئر آچدېم]

بولوت - بولوت ماوى لشدىم، قارالدېم،
اورمان - اورمان ياشىللىغا بۇرۇندۇم.
سەپىلدىكىجە قارا يېرىن اۆزۈنە،
سېيركىلەنىب قار ياغدىپا دئۇندۇم من.
آچىلدېقجا باخچالاردا آياغىم،
بوداق - بوداق اووجوم بئله آچىلدى.
زمان كىچىب ياشىم اوئۇب گىتدىكىجە،
خزل - خزل آچىلقلار سۇولالامېش.
بالىلا را اورە گىمەدە يئر آچدېم.

- ۱۰ -

[گله جە گىيم]

عُمرۇمۇن قاپىسىن آچىق دا قۇيدۇم،
blkه اوشاقلېغىم بلکه گنجلىگىم،
بىر جە يېل قايپىدىب يۇخلاسپىن منى،
اما كىچمىشىمدىن دئۇن اولمادى.
ھر گۈن دە بىر گۈنۈم چىخدى الىمدىن،
نه افغان قورتولدو نەدە گۈز ياشى.
آنچاق قارالسادا عُمرۇمۇن قاشى،

قۇجالىپ آياقدان دۆنسىمەدە بو گۈن.

عۈمرۆمۇن قاپىسى باغانلىپسادا،

گۈزۆمۇن قاپىسى آچقىدىپ ھله.

كۈنلۈمۇن آرزىسبىن آپارپىر تىكىر،

گۈنشلى، اولدورزلو، گلەجه گىيمە.

- ۱۱ -

[اۆرەك ائوييم]

ھله كۈرپە كىيمى،

اۆز بئشىيگىمەدە.

عالىم ياراتمىشام اۆزۈم اۆزۈمە،

يۈزلىجە اولاپىن اورتاسىندايام.

بئشىيگىم امنىت ياردىپ منه.

ناغىلداڭان ھۆرمۆشىم ياشايىش ائوين،

ايپىك دن يوموشاق،

خىالدار اوجا.

ياخېنلاشما منىم اۆرەك ائوييمە،

بۇيانلما آلچاقدىپ منىم دووارپىم.

باخېشىنلا منى آلاتاما بئله،

گۈزلىيەم يولووا دىكىلى قالار.

- ۱۲ -

بیر سحر آیپلېب گۈررسن يۇخام

بیر سحر آیپلېب گۈررسن يۇخام،

گىزلىن قارالىتىك يانېب سۆنهرم.

دومانلى داغ كىيمىن گۈزدىن ايتەرم،

سوسغۇن شلالەتك جوموب باتارام.

سمىرسىز ياشايان درىن لىكلەر،

قاراتال تك سۆزەرم بولۇتلار اىچرە.

بیر سحر آیپلېب گۈررسن يۇخام،

بیر سحر كۈچەرم باخېشلاربىنان.

بولوت تك أرىيىب ياغېشا دۆننم،

بىر اووجوج تۈرپىغا قاتىللام يئنە.

بیر سحر آیپلېب گۈررسن يۇخام.

- ۱۳ -

سنى ياشايپرام

ھله سنى ياشايپرام،

فېرتىنالار دۈنگەسىندە.

دۆشۈب قالان يارپاقلاربىن،

نفسيىنده.

ھله سنى ياشايپرام،

آغبولودلو اوزایلاربىن.

گۇنىش سىزلىك ياغموروندا،

بولودلانان اوره گىمى.

گۈزلىرىمىن گۈيلىغۇندە داشىپيرام،

اومودلاربىن قوزايپىندا.

آرزىلاربىن اوزايپىندا،

ھله سنى ياشايپيرام.

- ۱۴ -

[**گۈيرتى**]

پارچالانمىش قورو يئردىن،

بىر گۈيرتى بويالانپىردى،

اوره گىيندە بولوتلاربىن دۆيىنتۈسۈ،

اوزاي لاربىن بوشلۇغۇندا سۆزىن بولوت،

ايىرمىشدى گۈيرتىنى.

يئنه دومان،

كىندىن اوچوق دام - داشېنى،

سېخىپ داغېن دۆشلەرىنده،

اريدىردى.

- ۱۵ -

ياغيش ياغير

ياغيش ياغير،

ايللر بويو خمار قالان،

توريق بو گون،

بوغازپني ايسلاداراق،

ديلين چكير دوزاغينا.

يئنه بيرداد داماغىندا شاقىلداپر.

ياغيش ياغير،

اكينچىنин باخشلارى،

بولوت كيمى گؤيدن يئره آخر گلير.

ايثيردىيگى بولوت لارا،

سئويچىلى بير گيلئى ساتپر،

ياغيش ياغير.

سئوگيليمين باخشلارى،

پنجره يه دويونله نيب،

قا fasپندا شبەھلى بير،

دوشونجهوار ...

اوره گىنه ياغماقدادپر.

ياغيش ياغير،

بو گۆن يىئه دىز چىمير.

اورمان چېخېب ذروهەلدن،

اۇنو گۇدۇر.

چىگىننەدەكى اۇرتۇيۇنۇن آرخاسىندان،

ھەردىن اۇزۇن بىلىنىدىرىر.

ياغېش ياغېر،

اۇرەگىمەن الىن توپ،

ياغېش - ياغېش دۇلاندېران.

بىر ماھنى وار اۇرەگىمەدە،

ياغېش ياغېر ...

- ١٦ -

نه بىليم

گۈزلۈگۈندە دامان نىسگىل،

ھانسى سۇيوق اۇركلەر،

قان دامېزپە؟

باخشىلارپىن،

گىزلىلىگە دۆيىنلەنېب،

نفترت اودو،

گۈزلىرىنەدە چېرىپىناجاق ...

- ۱۷ -

[تلەسیرم]

بۇنو اوېرىنىشىم،

بۇنو آنمىشام.

تارىخدن مېن ايللر قاباقجا هله،
صاباحىن يولودا بو گۆندن كىچىر.
بو گۆن دۆن كىمى تارىخە دۈئور،
صاباحىن گۈرمە گە تلەسیرم من.
يۇلون آيرېمىندا دايابىن بىر آز.

- ۱۸ -

سندە درىن فكىلىش؟!

يامان اولماق نەدە راحت،

ياخشى اولماق نىجە چتىن.

نەدە چتىن ياخشى - يامان سەچىلمەسى،
ياخشىلار وار يامانلارين بەتاتىندا.

ايىتىب، باتىپ،

يامانلار وار ياخشى - ياخشى آد قازانپ.

اينانمېرام ياخشى لاردا ياخشى لېغا،

يامانلېغا، يامانلاردا،

اينانمېرام.

- ۱۹ -

خیال دنیاسی

من ده خیال‌مدا اوچا بىله‌رم،
با خام يئر اوزونه آى با جاسپندان.
بئشىكىدن بويلانان كۈرپەلر كىمى،
گلىن دنيامېزى ائله ياراداق،
كىمسە يە بير خيال يئرى قالماسىن،
حقيقىتىن يئرين خيال آلماسىن.

- ۲۰ -

يئنەدە تورپاق

أويميزين اونودولموش بوجاغىندا،
ايتب باتمىش بير تاقچانى گۈرددۇم يئنە.
بىرچۆت باخېش آسلانىپرىدى گۆل مېخىندا،
تۈزلو كتاب.
پاسلىپى چراق،
جان اوستۇنده قالىپ هله.
سس سىزلىكىدە بۇغولوردو،
تۆستۈ باسمىش تاقچامېزىن.
قورخا - قورخا پىنجرەسىن آچدىم او گۇن،
تورپاق يئنە.

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۸۷ ۶۰

آغاچلارى گۇتۇرمۇشىدۇ،
ياشېلىغا داشېپىرىدى.

- ۲۱ -

[جان آتبرام]

داياز - داياز گۆللر ايچره،
ياشايشا جان آتبرام.
جايناقلاربن كۆلگەسینى،
باشىم اوسته گوره - گوره.
سودان چېخماق،
بالقلارا اوڭۇم اولدۇ.
ازل گۆندن،
اولمە ديريل كىچىنمهلى،
يازغىپى كىمى منىمسىنى.
گۈي اوزۇنده پارلا ياراق،
آرزى - اوەمود اولدوزلارى،
ھردن منى آلاتىماغا چالپىشىدا،
جايناغىنېن كۆلگەسینىدە ياشامېشام،
تانېمىشام اوئو داها،
اوېرنىمىشىم پارېلدايان گۆزلىرىنى.

- ۴۲ -

سېنېق يوللار

سېنېق يوللار،
دۆشۆب قالمبىش آغا جلارى بن.
بىر قورو موش بوداغى تك،
اوندولموش دووارلار بين آرخاسىندا آتىلمىشدىپر.
اوردان سۆزەن كۆلگەلرین شومالماسى،
سىسىزلىكىه تۇخونمۇردو.
سېنېق يوللار،
بىر قورو موش بوداق كىمى،
سىسىزلىكىه اوزانمىشدىپر.

- ۴۳ -

[ياغىش]

آغ بولوتون قۇينوندا،
يئر آچمىشام اوزومە.
سېخىرى منى جانپىنا،
گۆزلىرىمەدە آرىپىر.
بىز ياغىشا دئۇرۇڭ.

- ۲۴ -

[قورو گۆلۈش]

كۈلگەلرین يۇرۇشۇنە گۈزلىلە دۇشۇنەرک،
دېزلىنین آرخاسىندا چادپۇر قوروب گىرەلندى.
ال لرى نىن دىل آچماسىن گۈزله يېردى،
خېمىن چىن دالدالا نېب كۆھنە سوواق دووارلارىن دالداسىنا.
قارانلىقدان،
بوغۇنتۇ سىسى گلىر ھله،
دۇيۇن سىسى ياس غىمىنە ھۆرۈكلىھەنېب.
گۈزگۈلدە پارچا - پارچا،
قورو گۆلۈش قازىلېپ دېر.

- ۲۵ -

[جىيلر]

ساتىلمىشلار!
ئىچە او جوز ساتىلدېنىز.
يۇلدان يئتن آلب سىزى،
جىبلرىنinde گىزدىرىھەجك.

- ۲۶ -

[دۆیون کىمى]

هامى ئۆزدە گۈرۈنۈر،
گىزلىنىنده ياشايپر.
قارانلىق بولوت كىمى،
اۆزدە گۈرۈن ئۆزلەر،
اۇرتۇك كىمى سالىپر،
قالدىم سوبون اۆزۈندە.
آغاج كىمى ياشادىم،
حياتىمدا بىر بوجاق ساخلامادىم اۆزۈمە،
منىم گىزلىنىم اولسون.

بۇغولان منى توتوب،
قورتولان اعتناسىپر.
حياتىم سو اۆزۈندە،
دۆيون كىمى دۇلاشىپر.

- ۴۷ -

ارمنان

اوره‌گیم چیرپینیر بودار قفسده،
ئىنەدە دىزلىرىم قوجاغىمىدادپر.
قارانلىق بوجاغا سېخلىمىشام من،
بۇتۇن آرزىلاربىم، او مودلا رېمدا،
عُمرۇمۇن گۈرۈنمز بوجاغىنىدادرپر.
باغرېم قانا دۆنۈب، ياربىلان زمان،
يئىنه خىال قوشوم يئتىرير اۆزۈن،
منەدە يئر وئرير قانادلارپىدا.
بولولو گۈيلىردى گىزدىرىر ... آنجاق،
يئتىرير خزرىن اورتالارپىنا.
ايىدى من بىلمىرم هاردا سېنىز سىز؟
هانسىپى فابىپكادا چالېشىرسېنىز؟
هانسىپى تارلا لاربىن ساوروغۇندا،
آلنىزىن قېرىشى تر آرخى اولوب.
بىلمىرم هانسىپى اوتاقدا،
باسېسىپىز باغرېزا، غم دىزلىرىزى.
هانسىپى چايخانادا حىرىت توستۇسۇ،
بۇرۇيوبىدۇر شىرىين آرزىلارپىزى.

بیلمیرم آرازین هایانپنداسېز،
 هانسي گؤى دنیزین قېراغېنداسېز.
 دالغا لۇتكەلرلى گۇتۇرۇب منى،
 گۈزدۈرير سولارپىن، داغپىن، درەسین.
 باخېرام ھرياندان ايشلەدىكىجە گۆز،
 دنیزین اته گى چكىلىپ گىدىپ.
 اوزاق نقطەلرده قۇووشوب گۆيە،
 اسىدىكىجە سازاقلۇپى سرین كۆلكلەر.
 دالغالار باش آلبىپ ھە بېرىانا،
 دؤشەنېر ساحلين آياقلارپىنا.
 گۈئىلەرین قوخوسون آلبىپ قايدىپ،
 ارمغان گىتىرير وطندن منه.
 اورەگىيم سېخچېلىپ دارېخسادا،
 بوغولسامدا بو گۆن غە دنیزىنە.
 دۇداغى نۇمەلى، قوجاغىپ گۆللۇ،
 دالغالار گىتىرير ارمغان منه.

- ٢٨ -

[ايىدېرېملى گئچەلر]

اوت گئيردى گۆزلىيمدە،
 كىيمىن يئنه باخېشپىنا گۆزلىرىنى گۆلدۈرۈرسىن؟

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۶۵ ۹۳

پېچېلتى لار،

دۇداغىمدا قورو يوبدور.

اوجاق قوروپ اوّره گىمدە،

داغ دؤشۈنە بوراخېلىپ قالان كىمى،

دىزلىيمىن آرخاسىندا،

يۇل چكىرم وارلىغىما.

سسىزلىكىيم دىكىسىندىرىر اۇزۇمۇدە،

سنلى، سن سىز.

اينان بىرگۈن مئشەلىگە دئنهرم من،

اپلەپرپىلى گىچەلەرە قۇزووشارام.

- ٢٩ -

چۈرەك سۆزۈ

چۈرەك سۆزۈ،

قورتولوشون قاپىسىپى دېر.

بىر يۇل باغېر چۈرەك اوّچۇن،

مىن - مىن قورشون يئر ائلهسىن اوّره گىيندە.

گۈر بى قاپى نىجە آغېر آچىلارمېش!

تۇرپاغىمېن چۈرەگىنى يېئىن لرە،

تۇرپاغىمەدان سۆز آچان دا،

گۈزلىينە كۆل الله نير.

يىئىه دورسام چۈرەگىيمە،
وارلىغىمى قۇروموشام ...
قورتولوشو قازانارام.
چۈرەك سۈزۈ،
قورتولوشون قاپىسى دېرى.

- ۳۰ -

يوللار، گۈزلر، باخېشلار

بولود آرخاسىندا قالماق نه اۋچۇن،
هامى اوْز قېنىندا گىزىلنه بىلىر.
يۈللار،
اووزون - اووزون چكىلىپ گىدىب.
جالانىب زمانپىن گله جەگىنە،
گۈزلر،
دان يئرينه آسېلىپ قالىپ.
باخېشلار،
يۈللارا بۇيىلانپىر هەردىن.
سيزه دۆشۈنۈرم سىزه چاتماغا،
آنjacق چاتماسادا اللرييم بىر گۈن.
سيزه دۆشۈندۈگۈم اونودولماسىن،
يۈلۈن آيرېمېندا دايىنپىن بىر آز.

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۹۵ ۶۰

اونۆمده بۇرانوار، قاروار، دومانوار،
سېلدىرىيم قايوا، داغوار، تېكانوار.
يۈلورام،
قېربرام،
يارېب كىچىرم.

- ۳۱ -

[اونون آدى]

دكتىر زهتابىنىن خاطرسىينە

مین ايللىرىن آغېلېغى سىنهسىنە يۆك اولموشدو،
حقىقتى قارانلىغا بۇرۇينلر،
كىچمىشلىرى اونودماغا چاغېرىدى،
بىز تارىخىن كروانىنا،
يارىي يۈلدان قاتېلىرىدېق.
كۈكۈمۆز يۇخ، آدېمىز يۇخ،
سۈزۈمۆز يۇخ، ايزىمىز يۇخ،
بىز يۇخ كىمى تانپىرىدېق.

مین ايللىرىن قارانلىغى،
گئرچكلرى ايتىرمە گە چالىشىرىدى.
ووردو اووزون قارانلىغىن دىزىينە،

گنجه‌لرین قارا با غربن يارا - يارا.

اونلوگيونو آراشدېرېب،
حقيقىنин چلنگى تك،
اوز خلقينه تحفه ائتدى،
قارانلېقدا ايتىرسەدە اوز جانپى،
اولدوز كيمى ائل يۈلوندا ماياق اولدو،
دنيالارى گزىب گلىپ،
قۇوووشدو اوز سئوگىلىسى،
دۇغما وطن تۈرپاغىنا.
آذربايچان ياشادېقجا،
اونون آدى ياشا ياجاق.

- ٣٢ -

[باشى اوجا]

اوزلەمۆشىدۇ آياقلارى،
ھميشه لىك يئر اوزۇندىن،
بىر ساھاتپىن پاندولو تك.
پېرغاندېقجا.
قۇرخولو بىر سىسىزلىكىن،
درىينىدىن.

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۹۷ ۶۰

زمان سسین هارایلاپر،

بو شَهَرَدَه.

بو شَهَرَين اورتاسِندا،

باشی اوجا ياشاماقدا اولا بيلر.

- ۳۳ -

[بُوشلوق]

يئنه گۆزلريمين ياشىندا سۆزۈر،

قوروموش گىلهدىر آخىر اۆزۈمە،

يېخىلپر داغلىپر ياناقلارپما،

دنيانپن وارلىغى اوچور گۆزۈمە.

كىپرييك چالىندىقجا ايچى سىللەنير،

بۇتون بُوشلوغونو باشىما چالپر.

- ۳۴ -

[باغىش]

أغ بولوتون قويىندا،

يئر آچمىشام اۆزۈمە.

سېخىر منى جانپنا،

گۆزلريمىدە آرىسىر.

بىز ياغىشا دئۇرۇڭ.

- ٣٥ -

خاطرلاڈپرسان

منه خاطرلاڈپرسان،
سحرین ائرکن چاغلاربندا،
دمیر يۈللارىپىن دارېخماپىنى.
حسرت باخېشلاربنداد تۇپلانان،
اوزون - اووزون يۈللارىپىن،
تۆزلو آنلاربىنى خاطرلاڈپرسان منه.

منه خاطرلاڈپرسان،
ايىك باخېشىپىندا چېرىپىنان،
كۈنۈل ماھنىسىپن.
ايىك بىر گۈرۈشە يۈل آچا بىلن،
دېگىشىك قاپىلارپىن،
نگران گۈزلىرىندهكى اضطرابلاربىنى،
اوەمەدلا، اوەمەدسوزلوغون،
داياندېغى بىر نقطەنин ھىجانپىنى.
و بو آندا ايىك گۈرۈشۈن،
بىر يوخو كىمىي - يۇخ، بىر يوخو كىپرىيگى تك وورولدوغونو،
خاطرلاڈپرسان منه.

- ٣٦ -

قار ياغېنجا

قار ياغېنجا،

گؤى يۈزۈنده چىچكلىن،

بىاض قارپىن اوزايالاردان،

اولدوز كىمى منه دۇغرو،

آخىنلارپىن كۆچەلردى آرايىرام.

قار ياغېنجا،

بولوت - بولوت

ياغمور باخىر گۆزلىرىمە،

آيرېلىرىم بۇ ... دنيادان،

قارلار كىمى اوچا - اوچا،

دوينولاردا ارىيىرمە،

قار ياغېنجا.

ال چاتمايان غريبە بىر سئوگى كىمى.

دئيپۈنۈرسىن اۆرە گىيمىدە،

يئنه سنى اۋزلەيىرمە،

قار ياغېنجا.

- ۳۷ -

[بو گون کیمی]

من دن سورا يئل اسه جك،
خاطره لر كۆچه سينده.

هر گون سحردان سؤکۈلۈب،
قارانلىغىن گۈزلىرىنه آغ سالاجاق.

ھۈرۈكلىرين آچىپ گۈنىش،
سرىپ داغىن ذروه سينه.

گۈزلىرىنى يياوش - يياوش،
اورдан آچىپ بۇيلانا جاق.

اكل سىلەجك گۈزلىرىنى،
دۆنن كىمى، بو گون كىمى.

- ۳۸ -

[ياشاپىر]

اولدوزلاردا اكيردى،
دارې خمىش مئشەلىگىن،

گۈئيرميش ياناغىندا،
سېزلايان دؤيۈتۈنۈ.

اورەگىنىن سسىندە،
آغا جالار دىكىسىنيردى.

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۱۰۱ ۶۵

چىچك لىن گۈزۈندە،
اولدوز گىلەلەنيردى.
اورمان ھۆۋوشقىنى،
ياخاسىندا ياشايپر.

- ۳۹ -

[تۇز الندى]

باخېشلاربىم گۈنده يۈز يۈل،
سېخدى سنى اورەگىنە.
گۈزلىريمدە گىلەلەندىن،
يۈللاربنا باخا قالدىبىم.
تۇز قۇپاران آتلې كىمى،
جوموب قالدىن گۈزلىريمدە.
باخېشلاربىم سۆرۈنۈكجە،
تۇز الندى اورەگىمە.

- ۴۰ -

[ياناقلارپىمان]

گۈزلىيم آسىلىپ ياناقلارپىمان،
بىر ماتم ئويىنин آستاناسىندا.
حىستە بۇيلانان فانپىس لاركىمى،

ایشپق‌سیز، بؤیاسپز، جانسپز فانپس‌لار.
بوجاقلاردا ايتن اولدوزارکىمى،
يالنېز كىچميشلىرىن نىسىكىلى اولور.
گۈزلىيم آسىلېب ياناقلاربىمان.

- ٤١ -

گرەكدىر چئويىرە قارا توپراغى

ازلدن رسمدىر باهار گۈنلرى،
طبيعت، توپراغى چئويىر بۇتون.
كايىنات جان آلار بو دىكىشىمەدن،
يئنىلىك يارانار، شادلىق دوغولار.

يۇخسا اسگى توپراق تزەلنەسە،
تاپدانان كردىلر آلت - اوست اولماسا.
ايلدېرىم اوڈ توتوپ اوڈلاتا بىلمز،
بولودلار گۈزۈنۈ اىسلامدا بىلمز.

بولود ترپنەسە، باهاربىن آلى،
بىر دستە گۆل توتوپ گتىرە بىلمز.
آنجاق ... كىيم ايستەسە گۈرسۈن باهارى،
گرەكدىر چئويىرە قارا توپراغى.

- ۴۲ -

نه ياخشى گلدين

طبععت نه ياخشى يارالدېب سنى،
نه ياخشى دنيادا وارسان گۆزەلىم.
دنىز خيالپندا ياغمور كيمىسن،
ساحل دۈيغۇسوندا قارسان گۆزەلىم.
نه ياخشى دنيادا وارسان گۆزەلىم

۲. قوشمالار

- ۱ -

جانیم تبریزیم

۱ آدېنلا ياشادېم آدېنلا قالدېم،

شعريمين سرینى آدېندان آلدىم.

من سنينله سمالارا اوچالدىم،

ای منيم اوره گييم، جانېم تبريزيم،

عڑتيم، شوكتيم، شانېم تبريزيم.

۲ سنينله ياشايير ديله گييم منيم،

سن منيم گوزومسون، بيه گييم منيم.

سنينله چيرپينير اوره گييم منيم،

اوره گييم، جانېمسان، قانېم تبريزيم،

عڑتيم، شوكتيم، شانېم تبريزيم.

۳ اوره گييمده قانېم سنين اوچوندور،

منيم هر بير آنېم سنين اوچوندور.

بىلىسنى كى جانېم سنين اوچوندور،

اوره گييم، جانېمسان، قانېم تبريزيم،

عڑتيم، شوكتيم، شانېم تبريزيم.

۴ بو گۆزل طبیعت، سئوگیلى آنا،

گۆزللر بیریانا، سنده بیر یانا.

سنی وئرمیش بزک، آذربایجانا،

ای منیم اوّره گیم، جانیم تبریزیم،

عزّتیم، شوکتیم، شانیم تبریزیم.

- ۲ -

باخپش

۱ آستاجا گۆئیلرده آخېر بولوتلار،

يئنه قانادلانپر ياغمور قوشلارى.

دارېخمىش كؤنلۈمە باخېر بولوتلار،

قۇنور پنجرەمە شن ياغېشلارى.

۲ ايپك بولوتلاردان الوان دۇر سۆزۈر،

بو گۆن علاقەسىن گۆئیلردن اوزۇر.

ايىجە گۆمۈشلىرى نظامەدۇزۇر،

قازېلپىر جام اوستە گۆل ناخېشلارى.

۳ گۈرن آيرېلېغىن يۇخدورمو سۇنو؟

ھر بىر گۆمۈش جامدا گۈرۈرەم اونو.

بلوردو اندامى قېزېلدى دۇنو،

ياندېرېر جانىمى يار باخېشلارى.

- ۳ -

قېزپما دعا - نصيحت

۱ سعادت ائوينه يۈللانان قېزبىم،
كۈنۈلدە سئوگىدىن چىراغىن اولسون.
چالپىش بو دىيانپىن عۆمۈر ائويندە،
سعادت هر زمان قۇناغىن اولسون.

۲ سنه آرخالانپىر آنا اوّرەگىي،
چالپىش زاي اولماسىپن اونون آمەگىي.
ايتيرمه هئچ زمان دوزو - چۈرەگىي،
صداقت هر زمان داياغىن اولسون.

۳ سئوگىدىير حياتىن تامى - تمەلى،
سنه معنا ائدىر آرزمى - املى.
سئوگىلى يارىپىن محبّت الى،
كۈنۈل تىللرىنىدە داراغىن اولسون.

- ۴ -

قار

۱ يئنه پاپىز گلىب، باخچالار باغلار،
تاپشىرپر يئللەر گۆئى گىيىملىرىن.
سانكى ئۆز ياشىپى دېر زىنە بولاقلار،

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۱۰۷ ۶۵

آخر داغ دؤشوندن دوم — دورو سرین.

۲ طبیعت کؤکله بیر آیاق پرده‌نی،
کۈلک سېزپلداپىر تئللى ساز كىمى.
بولوتلار قارالپ، شىمىشكىلر چاخپ،
اوزىالدىپ دۇيغۇمو، گۆللۇ ياز كىمى.

۳ چايلارا قوشولوب قورو يارپاقلار،
باش آلب گئديرلر هەر بىر يانا.
دسته — دسته كۈچۈر كۈچۈرى قوشلار،
اولما قار آگىله‌شىب آذربايجانا؟

- ۵ -

كىمین حكمودور

قارانلىق بۇرۇددۇ يئنە كۈنلۈم،
آز قالدىي اوّرەگىيم دايانسپن منىم.
بىلمىرم هارانپ كىمین حكمىددۇر،
بو غملر سينەمە قالانسپن منىم.

- ۶ -

سئوگيليم

۱ اولدوز اوللام سحر واختى گۈرۈننم،

سەند اوللام چن دومانا بۇرۇننم.

سۇرمە اوللام يار گۈزۈندە سۇرۇننم،

بئل باغلاسا ايلغارپىنا سئوگيليم.

۲ وسمە اوللام قاشلارپىنا ياخېلام،

سۇنگۇ اوللام چىركىن قلبە تاخېلام.

باخېش اوللام ائل گۈزۈندەن باخېلام،

گۈزەللرىن دىارپىنا سئوگيليم.

۳ كروانلارپىن گىزلى يۈلون بىلەرم،

كىپرىيگىمەلە يۈلەلارپىنى سىلەرم.

گۈز ياشىمىي اوووج - اوووج چىلەرم،

لالەللىن عۇذارپىنا سئوگيليم.

۴ كىيم اونودسا، تۈرپاغېنىي ائلىنى،

دۆشمانلارا گىدىب آچار الينى.

ياواش - ياواش دوندەررلر دىلىنى،

گلمز اونون هئىج عارپىنا سئوگيليم.

- ٧ -

اوەدلۇ خاطرەلرим

١ سعادت چېراغىن، اوغور ئويىندە،
دائم يانار اۋلسون بىر لالە كىمى.
شىرىئىن لىك گۆنلەرى بخت ايلە ياشا،
بختىن آخار اۋلسون شلالە كىمى.

٢ دىلىمىن اوجوندا قالسادا سۈزىلر،
ھەسىز دىل اۋلون، قولاق اولوم من.
يۇل اوستۇندا بىتن چىچك اۋلون سىز،
سېزه أخېب گلن بولاق اولوم من.

٣ بىرىنە آد گۆنۆ، بىرىنە بايرام،
بىرىنە تۈى كىمى، بىرىنە دۆيۈن.
بىرىنىن نەيىوار دۆنەنيدىدىر،
بىرى اوز صاباحىن آختارىپ بۇيۇن.

٤ اورەگىيم نه بىلىم ھانسى دىل ايلە،
آچېب اىستەگىنى سۈيلىھىسين سنه.
سۈزلى سېرا - سېرا گىزلى سۇزووشۇر،
ھەندهوھرىم تانپىنمبىر منه.

۵ خېردا اوشاق كىمى دار كوچه لىدە،

آتامىن اليىدىن اليم اۆزۈلۈب.

آرزىلىي - او مودۇلۇ خاطىھەلىم،

گۈزۈمۈن اونۇنە يئنە دۆزۈلۈب.

۶ آليمىن چېراغى اۋلا بىلەسنى،

وورارام اۆزۈمۈ قارانلىقلارا.

بىلىدىرىز ذروھىيە ال تاپماق اۆچۈن،

آياق قويىمالىي بېق دومانلىقلارا.

۷ اليىدىن نە گلىير آرزىدان سوواى،

آرزىلار يېرىنى آلسا نە غىميم.

هرنەيىم اليىدىن گىتسىسىدە بو گۈن،

منه آرزىلاربىم قالسا نە غىميم.

- ۸ -

دلى جىرانىم

۱ صىدفىلى سازلاربىن اينجە تىلى يەم،

داغېلىمېش تىللرپىن داراغىي يام من.

گۈنئىلردىن اسن صبا يىئلى يەم،

ايىگىن دۆشىنلىرىن سوراغىي يام من.

۲ مهربان ائلرین شیرین دیلىيەم،

آلاولار مسكنى آذر ائلىيەم.

قوجامان داغلارپن چىلى بئلىيەم،

قوچاق كور اوغلونون ياراغىي يام من.

۳ آلا گۈزلۇ ياربىم دلى جىرانېم،

سنه فخر ائيلەيير آذربايجانېم.

عشقىنин اودوندا قۇمى آلا ولانىم،

قارانلىق يۈللارپن چىراغىي يام من.

۴ تئلى سازدان سوواى يۇخدو بىر زادېم،

اوخلانمىش قوش كىمى سېنېب قانادېم.

اولىندىن ده سۇرا قالماسىن آدېم،

دنىادا بئش گۈنۈن قوناغىي يام من.

- ۹ -

اوجا باش

۱ كۈنلۈم اود ايچىنده يانسىن ياخېلسىن،

آيرېلىق گۈرمەسىن يارسېزلاماسىن.

سۈنگۈلر كۈكسۈمە قۇشا تاخېلسىن،

بىزدىن اينجىك دۆشۈب يارسېزلاماسىن.

۲ اوجالدین باشپى طايغانپىن ئايلين،
ياشادپن اوزلۇگيون، قۇرويوون دىلىن.
اصل موسىقىنىن قدرىنى بىلىن،
كامان سېزلا ماسىن، تارسېزلا ماسىن.

۳ چېخاردىن كيمسه نين اوپيون گۆزۈن،
آتسا اوزلۇگيون، ساتسا اوزرۇن.
وئرمە يىين يىتىنه اوّرهك سۆزۈن،
چېخېب ئىل اىچىنinde عارسېزلا ماسىن.

۴ گۆللر ذليل اولموش خار آياغىندا،
پولاد زنجىر گۈرددىم يار آياغىندا.
دئدىم آرزىم بودور دار آياغىندا،
باشىم اوجا اولسۇن، دارسېزلا ماسىن.

- ۱۰ -

دايانپىر كۈچور

۱ ياشېل اورمانلارдан دومان قالخاراق،
داغلارپىن باشپىنا دۇلانپىر كۈچور.
اوزون يۈللار چكىر آلا گۆز بولاق،
انتظار گۆزلرى سولانپىر كۈچور.

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۱۱۳ ۶۰

۲ يىنه غم لشکرى ياتېب كىينه،

كىيمسه آه چكىرسە اۋدلانپر سينه.

قان اولموش كۈنلۈنە، يانېق قلبىنە،

بىر عمرۇن غصەسى، قالانپر كۈچۈر.

۳ كىيمسه سفرهسينى آل - الوان بزر،

كىيمسه آج دۇلانپب دنيادان بئزر.

كىيمسه يئيب - ايچىب دنيانى گز،

كىيمسه قېزېل قانا، بويانپر كۈچۈر.

۴ بىرگۈن زنگىن لشىب شهرتە چاتېب،

بىر زمان دنياپىن مختىن آتېب.

بىر عۆمۈر خستەدىر يېخېلىپ ياتېب،

اونداكىي يۇخودان اويانپر كۈچۈر.

۵ باشدا مىن سئودا وار، كۈنلۈدە دىلەك،

يالانچى دنيادا آرزي نە گەركى؟

بىر عۆمۈر سينه دە چېرىپىنان اوّرەك،

بىرگۈز قېرىپىمندا دايانپر كۈچۈر.

- ۱۱ -

وجدان مەحکمەسى

۱ سویو بۇلاندېردىن بالىق توتماغا،

بالېغىن حُرمتىن باشا دۆشىمەدىن.

اوزۇنە كىيم گۈلدө اگىرى دۆشۇندۇن،

اونون دۆز نىتىن باشا دۆشىمەدىن.

۲ پامبىق چى بازارى اوەد توتسۇن دىئدىن،

بلكەدە بىر دىستمال چېخاجاق منه.

بىلەمەدىن حُرمتىن ايتىندىن سۇرا،

نه لازم دىيانى وئرسەلر سىنە.

۳ قورد دومانلىق سئور ياخشى بىلىرم،

بىرین آپارماغا، اونون يارالاار.

دوماندا، داغلاردا قالاسى دىگىل،

بو داغدا آج قالىب گۈزۈن قارالاار.

۴ چېخېبدېر قوردوندا آدى يامان،

قورد گلر سۆرۈيە بۆلکۈلر كىمى.

ھر زمان دۆشۇندۇن حىلەيە - آلا،

عُمرۇنۇ ياشادىن تۆلکۈلر كىمى.

۵ سوپو بولاندېران بىلەيدىن گەرەك،
بولانسا بىرگۈندە دورولار يقىن.
ھەنج نىيە، ھەنج نىيە ايناماساندا،
وجدان مەحكمەسى قۇرولار يقىن.

- ۱۲ -

ياشىل گۈزلەرىن

۱ هرياندا صحبتىن سۆزۈن وار سنىن،
دۆشۈبدۈر دىللەر ياشىل گۈزلىرىن.
ايىشىقلى شافاقلى گۈزۈن وار سنىن،
سالىپىدىر چۆللەر ياشىل گۈزلىرىن.

۲ جئيران باخېشلارىن كىيمە ساتاشىپ،
گۈنىش اوپورسادا گۈزو قاماшиپ.
اولدوز تك دنيزە گۈزل ياراشىپ،
او قېزىل تىللەر ياشىل گۈزلىرىن.

۳ ياندېرېب كۈنلۈمۇ دۈندەرىپ قانا،
كىيمىسى تاپىلمادى دردىمى قانا.
خُمار باخېشلارلا بؤيۈك فېرتانا،
سالىپىدىر ئىللەر ياشىل گۈزلىرىن.

۴ نىنسە آخشاملار غەمە چولغانپىر،
شىج قۇنور ياناغى گۈل تك ايسلانپىر.
سانكى ظلم اوذونا بىر مظلوم يانپىر،
دۆشۈبدۈر سئللەر ياشېل گۈزلىرىن.

۵ دنيا گۈلۈمسە بىر اۆزۈن گۈلندە،
كۈنلۈم فرحلەنير آدېن گىلدە.
رضانپىن عُمرۇنۇ سنى گۈرنىدە،
وئرىيىدىر يئللەر ياشېل گۈزلىرىن.

- ۱۳ -

خيال باهارى

۱ خيال باهارپىندا چىچكلىر آچپىر،
كۈنلۈم غنچەلنير وطن باغپىندا.
پارلاق اولدوزكىمى قۇنوب يئر سالپىر،
غىلى اوركلىرىن قان بايراغپىندا.

۲ مجنون لىلى دئيه گزىر چۆللرى،
منىم دە سئوگىلىم آنر ائللرى.
كۈنلۈمۇن ماھنې سې گزىر دىللرى،
او مود نغمەسىيدىر ائل دۇداغپىندا.

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۱۱۷ ۶۰

۳ قارا قاشقا اولور بابک ائلینده،
مصرى قېلىنج اولور روشن بئلينده.
دومانلى داغلارپىن چىنى بئلينده،
قېزبل قورشون اولور ائل ياراغىندا.

۴ گلنده جولانا كەھر كىمىدىر،
سنگرلى، جبهەلى شەھر كىمىدىر.
اوزاقدان گۈرۈن ظفر كىمىدىر،
غىلى آخشاملاپىن قان چاناڭىندا.

- ۱۴ -

[اوتابىم يېرىنە]

شاهمار اكىزىدەنин عزيز خاطرهسى اوچون

۱ سۆزۈن ماهنىلاشپىر دىللەرى گۈزىر،
هر ائودن آلماقلى سىسىن اۇجالىپ.
آچىب هر سۆزۈن تو أچقى دىسندە،
ھله دئىيلەمەميش سۆزلىرىن قالىپ.

۲ سئوگىدىن، وصالىدان سۆز دۆشىن زمان،
خزانلى ئۇمرۇمۇز يىئە يازلاشپىر.
«مزاردان مزара گلىين كۆچنە،
جاويدىن مزارىي مشكناز لاشپىر.»

۳ ئۇرمۇنۇ اۆزگەيە، ياشايار انسان،
اۆزگەنى اۆزۈندىن پۇزا بىلەسە.
انسان اۆز باشىنە، يئىه دورانماز،
اۆزۈ اۆز آلنېنى يازا بىلەسە.

۴ سى دىنلەيەجك جان قۇلاغىمېز،
ھلهسىن سىزلىگە جومما مالپىسان.
سنسن گله جەگى گۈرن گۆزۈمۈز،
گۆزۈن تو بىزلىرە يومما مالپىسان.

۵ «اوتابىم يئرىنە» بئلە دىنابىن،
اولدۇرۇب آپارپر اولىمەمەلىنى.
اورەگى جانبىدان آىرىپ ياشادپر،
بئلۇب پارچالا يېر بئلەمەمەلىنى.

۶ دامارىندا گىزنى اىستى قان كىمى،
تۇرپاغا تىكمىشدىن آچق گۆزۈنۈ.
سن ھەچ اينانمادپن هيچالانماغا،
ھر زمان يازپردىن وطن سۈزۈنۈ.

۷ ائلىمىن غىرتلى كۈلگەسى كىمى،
آشىپ سرحدلىرى كىچە بىلدىن.

اۆرەگین هر يئرده آلاو چكىردى،
وطنinin سويوندان ايچە بىلىرىدىن.

٨ اما سوسماغاندان گيلئى يئرى وار،
بئلە سوسماغاننى گۈزله ميرىك بىز.
هله گۈز دۈلۈسو گۈرە بىلمە يىب،
سنه كۈنۈل وئرن بۇ قوجا تېرىز.

٩ يۈلۈنو گۈزله بىر خزر بابامېز،
هارپوت دان يۈلۈنو سال آخشام چاغى.
ياشاداق شعرىلە وصال دنياسېن،
بىزىمەلە بىر كۈنۈل قال آخشام چاغى.

- ١٥ -

گۈنشىن اۋجاغى سؤنمز

١ مين دىوار ھۆرۈلسە، چپر چكىلسى،
گۈنشىن بولاغى توتولان دىگىل.
محبّت دىيزدىر، او جسوز بوجاقسىز،
چكىب بوشالتماقلا، قورتولان دىگىل.

٢ قۇى بۇنو آنلاسېن، آلچاق ياراماز،
فلک فېرلانماقدان، دايامىياجاق.

دېز بولودلاردان الهام آلمالى،
بولودلار دېزه باغلى قالا جاق.

۳ باهارىن شوكتى كەنهلن دىگىل،
باغچالار سارالسا، گۆللر سۈلسادا.
گۆنشىن اوجاغى سۈئىمە يەجكدىر،
كۆلكلر قۇپسادا، طوفان اولسادا.

۴ من دە آل گۆنشىن الهام آلاراق،
كۈنلۈمە بىلىرم باھار نۇمەسىن.
چىلى بىل ياتاغىم، قىيرات يولداشىم،
گىزدىرم ائل آراڭكار نۇمەسىن.

- ۱۶ -

قافىيە آختارمیرام

۱ ايستەميشىك هاردا دېيك ياز گله،
تىز تاپىلپىر قافىيەسى ناز گله.
ايستەمیرم، قافىيە قوى آز گله،
ايىندى داها قافىيە آختارمېرام.

۲ شعر بوراخمىش داها اوز ميدانىن،
يېنچام ائديب باغلادى گۆز ميدانىن.

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۱۲۱ ۶۰

قافیه تنگ ائیله‌دی سؤز میدانپن،
ایندی داها قافیه آختارمپرام.

۳ شعر خیال عالمینه باتمادی؟
شعر، دئمک يوخلامادی یاتمادی؟
ایسته‌میرم شعر ایشه باش قاتمادی،
ایندی داها قافیه آختارمپرام.

۴ چوخلاری شاهنامه‌لره باش قاتېب،
شاعر اولان شاهلارا خلقین ساتېب.
قافیه دۇردوچا بو ملىت یاتېب،
ایندی داها قافیه آختارمپرام.

۵ سؤز آراییب بیر - بیرینه باغلادپن،
هاردا اوړه ک گوردون اونو داغلادپن.
ایندییه‌دک بسدى منى ياغلادپن،
ایندی داها قافیه آختارمپرام.

۶ سەھودىر عُمرۇن باشا باش آلدانپىش،
هامى نې بۇردا دئدیيم اۋزگە تانپىش.
قافىه‌نى بۇشلا، سۆزۈن وار دانپىش،
ایندی داها قافیه آختارمپرام!

- ۱۷ -

حسرت ياشى

۱ سنسىز گونلريمى نئجه ياشادىم،
اولدو زدان خبر آل، آيدان خبر آل.
گؤزلرىمدن آخان حسرت ياشېنى،
دنىزدىن خبر آل، چايدان خبر آل.

۲ بير گوندە مىن رنگە دوشن روزگار،
منىم ساچلاربما ياغدىپىدى قار.
منىملە رقىيىن حالېمىزى يار،
پايىزدىن خبر آل، يайдان خبر آل.

۳ بؤلۈنۈب هركىسە وئريلىيىدى پاي،
يئرلى آج دۇلانىرى، يئرسىزلىرىدى باى.
بو يئرده ئەمەرۆمۈز نئجه اولدو زاي،
پاي بؤلەندىن سوروش پايدان خبر آل.

- ۱۸ -

وار نېشانى

۱ ساوالان داغىنېن ذروھلىيندە،
يايبىن اورتاسېندا قار نشانى وار.
اۆزۈن ايللر بۇييو اود اىچىنده دىر،

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۱۲۳ ۶۷

آلاولو كؤكسوندە وار، نشانىوار.

۲ خزان آتشېنده بولبۇل اوදلانار،
آيرېلىق اودوندا بىر عۆمۈر يانار.
بلىدىرىن گۇردۇكچە غىمە چولغانار،
غىنچەنин باغرېندا خار نشانىوار.

۳ كۈنلۈم قانادلانىپ اوچسا هرييانا،
بو تۈرپاقدىر اونا مەربان آنا.
قويماز خور باخېلسىن آذربايجانا،
كىيىدە غىرت، ناموس، عار نشانىوار.

٣. گرایلەلار

- ١ -

آذربایجان تۇرپاغى

١ سىسىز - سىسىز آغلاماقدان،

گۆز - گۆز اولدو اوره گىمىز.

بخت اولدوزون ايتىرمىشمى؟

دومان گۈرمۈش دىلە گىمىز.

٢ سىسىز - سىسىز يانېر جانېم،

يانان وارسا دويار منى.

گىزلى يانار آلاولارى،

آنان وارسا دويار منى.

٣ آذربایجان تۇرپاغىبىام،

من قىبرىسە جالانمېشام.

اورمان - اورمان، آغاچ - آغاچ،

التابى لارا قالانمېشام.

٤ منىم كۈنلۈم چىچكىلەنىر،

خىزىلرین دالgasپىندا.

حىران گىزىر دۇيغۇلارىم،

مجموعه اشعار رضا غفاری (دومان) ۱۲۵ ۶۰
با خپشلارین تارلا سېندا.

۵ با خاما منه كۆل ياخېلىپ،
كۆل آلتىندا يانار اودام.
تۆرك آغزېنى ترپتىگىلن،
دىلىنده گىزلىن دادام.

۶ گۇتۇر منى باغرىنا باس،
قۇروبارام قلىنى من.
تۇرماقلاشاق، قوجاقلاشاق،
اوردا گۇنىش دۇغۇسون وطن.

- ۲ -
لنگ لنگ لنگم

۱ اوّرهىيىمەمین غەميموار،
ھله لنگ لنگم.
غەمە اوپيغۇن اوز دەميموار،
ھله لنگ لنگم.

۲ ھله باغلىپىر قانادېم،
نه آچىلماغا عنادېم.
نەدە بىلىدىر مەرادېم،
ھله لنگ لنگم.

۳ نە چىچكلى بىر ياز اوّلدوم،
نە صىدللى بىر ساز اوّلدوم.
نە اوّنونلا دەمساز اوّلدوم،

هله لنگ لنگ لنگم.

۴ ایتیب اوْزلۇيۇم دوماندا،
قالېرام اوْزۇم بو آندا.
نه يقین ده، نه گۆماندا،
هله لنگ لنگ لنگم.

۵ بىرى عشقى چىلى بىلدە،
بىرى تاپدى قانلى سئلەدە.
منه باخماپىن بو ائلەدە،
هله لنگ لنگ لنگم.

۶ نه كمانچە، نه دف اوْلۇم،
نه ذليل، نه اشرف اوْلۇم.
نه قدح، نه قرقف اوْلۇم،
هله لنگ لنگ لنگم.

۷ كىيمە نغمەنى قوشام من؟
ايچى معنادان بوشام من.
نه آييق، نه سرخوشام من،
هله لنگ لنگ لنگم.

۸ نه خبر گلېر موغان دان،

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۱۲۷ ۶۰

نه سئويملى خان چوباندان،
من اوzac او نكته‌داندان،
هله لنگ لنگ لنگم.

۹ نه مرید تار و چنگم،
نه سراغ نام و ننگم،
نه اسیر بوی و رنگم،
هله لنگ لنگ لنگم.

۱۰ نه خرابه‌یم، نه آباد،
نه بوخولویام، نه آزاد.
وار اوزه کده گيزلى بير زاد،
هله لنگ لنگ لنگم.

۱۱ يئنده‌ده گۆزۈم داشېبدى،
سئل اولوب منى آشېبدى.
أولۇمۇم ياخېنلاشېبدى،
هله لنگ لنگ لنگم.

۱۲ نه پاپىزدانام، نه يايidan،
نه گۆنشده‌نم، نه آى دان.
نه دنيزده‌نم، نه چاي دان،

هله لنگ لنگم.

۱۳ اوره گیم یانپرسا یانسپن،
منى ائل دانپرسا دانسپن.
او فقط منى اینانسپن،
هله لنگ لنگم.

۱۴ اوزوم دوتوب سمايه،
دئیرم سؤزوم خدايه،
دئمه بین نولوب رصاييه،
هله لنگ لنگم.

٤. غزللر

- ١ -

قويما يالقىزمنى

فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعاراتن (-.-/-.../-.../-.../-)

- ١ كۈنلۈمۈز غەلى دۇيۇن مەكىدە دىر آل قان آراسپىندا،
آيرېلىق دۆشىدۇ ھله جان ايلە جانان آراسپىندا.
داغ كىمىن قلىبىمىزە داغ چكىلىپ غەم قالانىپ دېر،
اود تو توب يانمادا دېر گۆئى نىچە وولقان آراسپىندا.
بىزە سنسىز داها دنيا دىدىيگىن غەمى - كدردى،
داماجاق ياش كىميدىر دىدەي گريان آراسپىندا.
«دور گل امدادىمە رەحم ائىلە» دىدىيم، جانپىمي قورتار،
قويما يالقىز منى سن بىر بئلە دشمان آراسپىندا.
- ٥ بىر سېنىق لۇتكە كىمىن دىر اوّرە گىيم غەم دىزىنە،
آشېرىپ دېر دلى طوفان اونو عەمان آراسپىندا.
مین شىرىن دىللە منه وئەرىسىدە درمان سۆزۈن آنجاق،
أجىلىقلار تۈرەدىب دىر يئنە درمان آراسپىندا.
بو مارال گۆزلۈنۈ تانزېم بئلە تايىسېز يارادېبىمپىش،
اودو گىندىن سەچىلىپ بىر سۆرۈ جىران آراسپىندا.
عشقىنىن چۈللەرىنى گۈرمەدە مەجنۇن تك آدېم گۆر،

لیلی آردېنجا گزیر ایندی ده دستان آراسپىندا.

گىزلى بىر دردىله چېرىپىنما دادپر سينه ده كۈنلۈم،

دئىهسەن داره چكىرلە اونو ميدان آراسپىندا.

۱۵ كۈچرى قوش كىمى يىك بىزدە رضا، قالسادا بىر اىز،

قالاجاقدىپر آدېمپىز دفتر و ديوان آراسپىندا.

- ۲ -

قالمېشىقسا

مستفعلن مقاعيل مستفعلن مقاعيل (---/---/---/---/---)

۱ وصلە دۆشۈندۈك آنجاق فرقىت ده قالمېشىقسا،

سونسوز سئونىجە دۈلۈق مەحتى ده قالمېشىقسا.

امكان يوخ اورتامېزدان بىر قىل كىچە بىلئىدى.

بىرجه گۈرۈشدن اوئرۇ حىرىت ده قالمېشىقسا.

ھەمت لە قۇيىساڭ آددىم ميدانە سۆز بىزىمىدىر،

ميدانە گىردىك آنجاق ھەمت ده قالمېشىقسا.

مىن يېل سۆزۈن دانىشىدق بىر يېل دئىه تاپىلسىن،

مىن آرزويا يېل آچدىق، صحبت ده قالمېشىقسا!

۵ گۈز آچمادق نىنسە اوئر بىرىمېز ده قالدىق،

ساندېق آيېق مىشىق بىز غفلت ده قالمېشىقسا.

أرتىق غمىن چكىردىك اوندان اۋزاڭلاشاندا،

اولدوق وطن اسىرى غربىت ده قالمېشىقسا.

گیردیک قارانلېق ایچره دوتدوق گۆنش سۈراغىن،
 آز - چوخ اوْمىدىمىز وار ئىلمىتىدە قالمىشىقسا.
 طوفان سۇوووشدو گىتىدى يىئل قالدى باغرېمىزدا،
 بىز گۈرمەدىك دىز وار مىتىدە قالمىشىقسا.
 دائم آغ اوزلۇ اولدوق اوز يارېمىز اوْنۇندە،
 اغياره قۇشمادىق باش تەھمتىدە قالمىشىقسا.
 ۱۵ عشقىن وصالە قىمت جان نقدىنى يازېبىدپ،
 بىزدە گىريشىدىك عشقە قىمتىدە قالمىشىقسا.
 بىر نقطە ايلە دنيا باخدېم او يان بو يان دى،
 رحمت اوْمىدى واردپر زەممەتىدە قالمىشىقسا.
 بىزدىن دە باش قوتارماق بىر آز چتىن دى گۈرددۇن،
 قۇيدۇق جەھانى حىران حىرتىدە قالمىشىقسا.

- ۳ -

آل الله قويسا

(...) فعالاتن فعلاتن فعلاتن فع لىن (-/-/-/-/-/-/-/-)

۱ آيرېلېقلار چاتاجاقدىر باشا الله قويسا،
 گۈزۈمۈز دۈلماياجاقدىر ياشا الله قويسا.
 هر وفاسېز گۈزلى گۈرجەگىن آلداندى كۈنۈل،
 قويىمارام بىرده يۈلۈندان چاشا الله قويسا.

ياخشي پيسدن ده بير آد قالمالدېر، عمرۇمۇزۇ،

ياخشي لېقلا وئەرىك بىز باشا الله قويسا.

قاپغىسېن چكمەدى اوز تورپاغىنا دشمن اۋلان،

دېڭەجىدىر باشى بىر گۈن داشا الله قويسا.

٥ پۇزارېق آيرېلىغىن حۇممۇنۇ عشق اولسا اگر،

گۈھرىك بىزدە بىش اوچ گۈن قوشما الله قويسا.

ھىيم بىر اولدوق يارېمىزلا داها اغياربىن إلى،

اوەمۇدوموار چېخاجاقدېر بۇشا الله قويسا.

باخما سىسىزلىگىنە يۆرددۇمۇن ائل قاپداسى دېر،

سىسىز اول، گۈر نىجە گللىك جۇشا الله قويسا.

بالاجا هەمت ايلە دۇندەرەرىك گۆلشنە بىز،

بو بؤيۈك اولكەنى باشدان باشا الله قويسا.

خالقىوين دردىنى ياز، سىن ياشا خالقىيندن اۋتر،

سەنە خالقىن دئىيەجىك مىن ياشا الله قويسا.

- ٤ -

داياندېم قىلينجىما

مستفعل مستفعل مستفعل فعل (-.../-/-/-/-)

١ عمرۇم بۇيونجا نىسگىل لرى داندېم قېلىنجىما،

ياندېم يانېق اوّره کلره، ياندېم قېلىنجىما.
محنتلى، غملى كىچمىشىمین خاطراتى بىم،
قالدىقجا، سېخىلدېقجا قالاندېم قېلىنجىما.
من اوّج داما لارېنداكى مختار قانىندانام،
دوردو قجا، اوياندېقجا، جالاندېم قېلىنجىما.
دشمن قېلىنجى قانېما يۈز يۈل بۇيانسادا،
يۇخ قورخوم، آلىشدېقجا بوباندېم قېلىنجىما.
۵ سۆيىكىنمەدىم كى غىرە زمان گۆز گۆسوندە باخ،
گۆر، من اوپىام ھمىشە دايىاندېم قېلىنجىما.
مىن يۈل ھجومو سېندېرا بىلمىز اينان منه،
دشمنلىرىن اوّنۇنده ايناندېم قېلىنجىما.
ھر گۆن ايشىم اىگىلسەدە، بختىم دۆنۈرسەدە،
دۆنۈزدى عەدىم عشقىمە، آندېم قېلىنجىما.

- ۵ -

باخ - باخ

مست فعلن فولىن مست فعلن فولىن (-.-/-.-/-.-/-.-/-.-)

- ۱ سيل اشك انتظارى بايرامدى آيه باخ - باخ،
تىترىك او بىر بوجاقدان، ائمكىدە چايدە باخ - باخ.
اغيار ايلە ندن دىر آل قاتمىسان نشاطە،
سنسيز اوّره ک دۆنۈبدۈر ماتەسرايدە باخ - باخ.

سینەم دئدیم سپردى هر اوخ گليرسه گلسين،
مژگانىپن خدنگين تىز آسى يايىه، باخ - باخ.
كۈنلۈم، دئدیم او مەرو، گلمز، بىزى اونوتىو،
چېرىپىندى كىيم دوشۇبدۇر، ديواره سايىه، باخ - باخ.

٥ هر گون ايشىم نىگاربىن كويىن دۈلانماق اولدو،
گئىدىن باخان پىچىلدار بو عمر زايىه، باخ - باخ.
اومىد وصلىن ايلە هجران آلا ولا رېندا،
يانسامدامان رضايم، دؤن بىر رضايه، باخ - باخ.

- ٦ -

منه بنزىر

مستفعل مستفعل مستفعل فع لىن (-.../-.../-.../-.../-...)

- ١ ايستكلى اورە كلردهكى سئودا منه بنزىر،
ال چاتماسا هر آرزاپىلى رؤبا منه بنزىر.
ساحدىدە كىلر گۆز قېجىدبىپ گىزلى فيكىرلە،
گىزلىن لرى چكمىش اوّزە درىيا منه بنزىر.
هر ياندان آخپن ائيلەدىلر آخشام اولونجا،
اويدوم، كى بو وحشت، بئلە غوغما منه بنزىر.
آشدېقجا دوروب باشدان آچار يۈللارى بىر - بىر،
بىلمىزكى دايىنماق نەدى، دالغا منه بنزىر.
- ٥ مىن يۈل دا بىچىلىمىشىسە، دىدىلىمىشىسە دە مىن يۈل،

مین یول گوئیره‌ن دیر یئنه تارلا منه بنزرا.
بیر لحظه اوچون اسگی لیگه یول وئره بیلمز،
هر گون‌ده بیشیلەمکەدە دنیا منه بنزرا.
هر یئرده کى اوڈلار قالاتپب کۆل قالېب اوزادا،
نه اوڈ، نه ده کۆل، من دىگىل آما منه بنزرا.

- ٧ -

نه دئىيرلرسە دئسىنلر

مستفعل مستفعل مستفعل فعل (- - - / - - - / - - -)

- ١ من جانپىي داندېم نه دئىيرلرسە دئسىنلر،
جانانه ايناندېم نه دئىيرلرسە دئسىنلر.
«جىتدى مکانپىم» دئدىم ال چىكمەدىم اوزادان،
كويىنده دۇلاندېم، نه دئىيرلرسە دئسىنلر.
ذكرينله ياتېب عمرۆمۆ رؤياندا ياشاتدېم،
فكترينله اوياندېم، نه دئىيرلرسە دئسىنلر.
بىر دۇندا، دۇلانسېن دئىيە كۈنلۈم دە بۇياقىسىز،
عشقىنلە بۇياندېم نه دئىيرلرسە دئسىنلر.
- ٥ عمرۆمە سنى گۈرمە گە، تك بىرجە باخېش چۇن،
مین دفعه تالاندېم نه دئىيرلرسە دئسىنلر.
دېللرده نه واردېرسا، باخېشلار درىينىندىن،
من هر سۈزۈ آندېم، نه دئىيرلرسە دئسىنلر.

دار گۆزلىين آلچاق باخېشى گۆزگۇدە سېنىدى،
حىدىن اونو ساندېم نه دئىيرلسە دئىسينلر.
بىر ائل سۈزۈ واردىپ كې بۇلانمازسا دۇرولماز،
بۇلدوقجا بۇلاندىم نه دئىيرلسە دئىسينلر.
آلچاقلارا باش أكىمەمىشىم أكىمەرم اصلاح،
اۋندان اۋجالاندىم، نه دئىيرلسە دئىسينلر.

- ٨ -

چېخىر بىگانەلر

مفاعىل مفاعىل مفاعىل مفاعىل (---/---/---/---/---)

- ١ آلاولي شمع طوافىندا يانپىر پروانەلر بىر - بىر،
بو عشقىن اوڭلو بايراغىن چكىر دُرداڭلار بىر - بىر.
ريا ايله بو زاهدلر چېخارىدېب جامىي اللردىن،
آياقدان دۆشمۆشۈك ايندى آچېرى مىخانەلر بىر - بىر.
ئىچە عاقىل دوتوب محكم ال اوْزمۇر فانى دنيادان،
آياقدان باغلىلىق بىندىن آچېرى ديوانەلر بىر - بىر.
كىيم ايله باغلادېق پىمان دۇنۇب پىمانى سېندېرى،
بۇشالدىقجا او دور ايندى سېنپىر پىمانەلر بىر - بىر.
٥ گزىر عشقىن سوراغىندا بوراخىمېش دينى - دينى،
داها عقلىن داشىن باشدان آتېر فرزانەلر بىر - بىر.
دۇلاندىپ جامى اى ساقى گلىرسىس آشىنالردىن،

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۱۳۷ ۶۰
اولوب رسوا بو مجلس دن چېخېر بیگانه‌لر بیر - بیر.

- ٩ -

آدی گیزلين دير اونون

فاعلاتن فعالتن فعالتن فعلن (---/---/---/---/---)

۱ عشقین ای شوخ منیم جانېمې ياندېرماداپ،
نالله‌لی نعره‌لریم، خلقی اویاندېرماداپ.
گۆز قالېب يۇلدا، قولاق سىسە تلسىكىدە اوْرەك،
اودا ايلىردى بىزى بئيلە يوباندېرماداپ.

بو فلكىدە من ايلە آيدى بير آن دۆز دئمەدی،
قارا هجران گئجه‌سىن گۈرنە اوزاندېرماداپ.
گئدېب اغيار ايلە گىزىن دە، ايشيم يۇخ دئمىشىم،
قلېبىمى هجر اوذو آنجاق بىل اوساندېرماداپ.

۵ داغېدېر زۆلفۇنو يئللر، گۆنش اوْزلىم، گۆنلى،
يئنه چېخدېقجا حجاپىندان اوتناندېرماداپ.

آدی گیزلين دير اونون گۆيدەكى اولدوز ساياغى،
گۆز وېرېب هردن اوْز عشقين منه آندېرماداپ.
جانپىن اووجوندا گتىرمىش وطن اوغرۇندا رضا،
دئىهسەن خلقىنە اوْز عشقين ايناندېرماداپ.

- ۱۰ -

نه دئمکدیر

مستفعل مستفعل مستفعل فعلن (-.../-.../-.../-.../-)

- ۱ ای جان بوقدر اوّدلارا یانماق نه دئمکدیر،
یاندېقدا دوننوب بیر داها دانماق نه دئمکدیر.
آل چك سنى آخر سالاجاق محتت آياقدان،
غىر ايله گولن ياره اينانماق نه دئمکدیر.
غم سؤيلەديگىن الده گرەك موم كىمى اولسون،
يۇخسا بو چتىنلىكىن دن اوسانماق نه دئمکدیر.
گۈرددۈن سئل آخر سينه گرېب، دور قاباغىندا،
باشدان آشا بىلەمىشىسە، دايىنماق نه دئمکدیر.
- ۵ مىن يۈل يوخونون ڈللىنى تجربىه ائتدىن،
تامسىپن دادېنى بير گۆر اوپيانماق نه دئمکدیر.
عشقىن غمى آزادەلىگىن قايىناغى اولموش،
سۆز بوردا اوجالماقىدى، قالانماق نه دئمکدیر.
عاشق جانپىن اووجوندا تلسىميش گىتىرىيدىر،
جان آلماق ايشىندىرسە، يوبانماق نه دئمکدیر.
قوى هانسى طبىعت اوّرهىيىنجە اولور اولسون،
هر فصل ده بير زنگە بۇيانماق نه دئمکدیر.
عاشىقسىن الين اوّزمه نىكارپىن اته گىيندن،

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۱۳۹ ۶۰ سوْز میدانېن، آواره دۇلانماق نەدئىمكىدىر.

- ۱۱ -

بلكه ...

مستفعل مستفعل مستفعل فعل (---/...-/.../-/-)

- ۱ بير گون يئنه‌ده بلكه اوّره كلر آخاجاقدىر،
اىل ماھنېسىي دىللرده، بولوتلار شاخجاقدىر.
داغلارداكى سۆنۈللىرە هردن سوچىلىرىن،
صحرادە دىكىن ُمرۇنە هردن ياغاجاقدىر.
آخشام چاغبىلار سئوگىلى جانلار سارپلاندا،
گىزلىنجە گۆنش بلكه افقىن باخجاقدىر.
بىرده نه بىلىم بلكه طبىعت اۋياناندا،
يوردوم دؤشۈنە قىرمىزى گۈللر تاخجاقدىر.
- ۵ بير سېخ마다 اولدوز سېھجى خاطريمىزچۇن،
آغ سوت كىمى اكمىلرە قاييماق ياخجاقدىر.
دوست - دوستو يانپىدا اوجادان فىر ائدەجكىدىر،
سۇزىلدە اوّره كدىن دىلە، بال تك آخاجاقدىر.

- ۱۲ -

جانان تۈرەدىر

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعيلن^۱ (---/---/---/---/-)

- ۱ نَفْسِيْنِ عَيْنِ مَسِيْحَا دَمِيْ دِيرِ جَانِ تَوْرَهِ دِيرِ،
باخېشىن دىلده گىرىكىن يئنە دستان تۈرەدىر.
آيرېلىق دردى منىم قلبىمە داغ لار قالا يېب،
وصلىن آما يئنەدە اوزگە يە درمان تۈرەدىر.
گىزلىجە سۆزمەدەدىر كۈنلۈمۈزە غصە كدر،
يئر سالاندان سۇرا، بو دريادا طوفان تۈرەدىر.
زۆلғۇ كفر اوزدوسو تك غارت ائدىرسە اينابىم،
باخېشىلە يئنە يۈز گۈستىرىر ايمان تۈرەدىر.
- ۵ سُؤندۈرۈب طالعېمبىن غملە آخان اولدو زونو،
بىلمىرمىم هاردا ايشېق ساچىمادا بىر دان تۈرەدىر.
مرد اوغوللار وطنى آذربايچان ائلى دير،
جوھرىيندن دى بو تورپاق بئلە انسان تۈرەدىر.
باخما اورمان كىمى بى تورپاغا چۆكمۈشىۋ سكوت،
دشمنىن قارشى سىنى آلماغا اصلاح تۈرەدىر.
جان فدا ائيلە رضا كىسمە گۈزلى ياردان او مود،
سئوگىنى، عشقى، كۈنلۈلدە او جانان تۈرەدىر.

- ۱۳ -

دیریدیر

مفاعلن فعالن مفاعلن فعلن^۱ (---/---/---/---/-)

- ۱ دۆزۆملو بیر ائلیمیز وار وقار ایلن دیریدیر،
دەپنە سینەسی گىزلىنده، وار ایلن دیریدیر.
طېيىتىن دە، بو تۈرپاق گۆونجى تك سانپىر،
زمان - زمان قازانان اعتبار ایلن دیریدیر.
دئشىلسە سینەسی مىن يۈل دا سرو تك دايىنار،
باش آگىز اوزگەلرە افتخار ایلن دیریدير.
دئمك اوّره كىدە كى منصورى، سرّ وار ياشادپر،
اۇنوتماماق بودا واردپىرى دار ایلن دیريدير.
- ۵ منىم آياغىمىي الدن اوّتر آلبىدىي فلک،
و ليكىن آيدىن اوّره كىلر نىڭار ایلن دیريدير.
راحاتدى شاعرە اولمك وطندن ائلدن اوّتر،
چتىن ياشار ائله كىم روزگار ایلن دیريدير.
بوشالدپرام اوّره گىن ساغرىن اوّره كىن اوّتر،
اوّره كىدە، اوّندا اوّره كىدە كى يار ایلن دیريدير.
ياشار بو آذر ائلى دنيا وار ايكن اميىن،
كى سۆز خزىنه سىدىر شەھرىار ایلن دیريدير.
منىلمە اولماغا عار ائيلە يىب ساغىنما گىلن،

طبعىتىن ايشىدىرى، گۆلەدە خار ايلن دىرىيدىرى.

- ۱۴ -

يوڭسۇك ھنر

مستفعل مستفعل مستفعل فعل (-.../-.../-.../-.../-...)

۱ ھر باغدا گۆلۈم، سىن كىمى بىر غنچە تر اولماز،
ھر غنچەدە بو غمزە و ناز و نظر اولماز.
سۆز اىستر، اوّرەكىن دىلە قايماق كىمى آخسپىن،
سۆزسۆزكى گۆلۈشلەدە دوداقدا شىكرا اولماز.
گۆز ياشلارى خلق اىچەرە منى ئىلەدە روسا،
اسرارى آچان اولماسا، عالىم خبر اولماز.
گىزلىنىدە وورون بادەنى مىخانە قاپانمېش،
ویران اولا، مىخانەسىز الله شهر اولماز.

۵ ھريان بۇرۇنوب گزمەگىه سنسيزلىك اىچىندە،
گاھدان يئتىشن وارسادا، سىن دىر ثمر اولماز.
حال اھلى دوشۇب آيرېلىغېن ياندىي غىمىندە،
عشق اھلىنە اوڈ سۆيىلەمە بوندان بىر اولماز.
انسان دئىيگىن سئوگى، محبّت لە تانپىنمېش،
ھر قىلدە كىيم سئوگىسىز اولسا، دەگىر اولماز.
دنيادە ياشار ھر كىيم اوّرەكلىردە ياشارسا،
بونداندا داها بلىدى يوڭسۇك ھنر اولماز.

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۱۴۳ ۶۰

جان مۆلکۈنە دۇستلار ھامى صاحبنظر اۇلموش،
كۈنلۈمە رضا ھېچ بىرى صاحبنظر اۇلماز.

- ۱۵ -

اولا بىلmez

مستفعل مستفعل مستفعل فعل (-/-/-/-/-/-)

- ۱ کۈنلۈم سنه بو دەردە غەخوار اولا بىلmez،
كىمسە بئله خستە، بئله بىمار اولا بىلmez.
يازدېرمى گلىپ گۆل دىلەيير بؤىلە بوداقدان؟
قېش فصلى آغاڭلادرا يقين بار اولا بىلmez.
مین يۈل دئمىشىم ھر يئتهنە سرىنى وئرمە،
ھركس ديل آچىپ، دىل دئدى، دلدار اولا بىلmez.
طعن ائيلەيير ائللەمنە ديوانەلىيگىمدەن،
ديوانەلىك عشقىن يولودور، عار اولا بىلmez.
- ۵ مجنونو اونود، غم يۈكۈنۈ من چكىرم، من،
مجنون دا بو غم چكمەيە، اينجار اولا بىلmez.
اۇنلار گىئىب ايتىرلە ھم آواز اولوب اولسون،
كىچمىشىدە كىلە ايندىيە معيار اولا بىلmez.
ھجران چۈلۈنۈ چۈخلارى سرگىشتە گزىرلەر،
يۈل قۇرخولودور بلىدىر، ھموار اولا بىلmez.
بو سينەمى پىكان غمە ائيلەدىم آماج،

هر کیمسه غم عشقه، خریدار اوّلا بیلمز.

هر یاندا جفا سونگولری حربه کسیرلر،

بیر لحظه اوچون یار ایله دیدار اوّلا بیلمز.

١٥ چکمیشسے هجوم اوستومه غم، لشگری غم یوخ،

غم لشگرینه من کیمی سردار اوّلا بیلمز.

گولزارین اگر سئوگیلی باغانی اولورسا،

باخرپندا بو سئودالی گولون خار اوّلا بیلمز.

سپر ایله بو اصلاحنلار ائلین گور نه گوزلدير،

اونداندا گوزل سؤیلەسە کیمیوار، اوّلا بیلمز.

من ده بو ائلین دردلىسىم، غملە رضاپم،

گىزلىن چكىرم غىمرىيم، آشكار اوّلا بیلمز.

- ١٦ -

کۈنۈلسۆز

(---/-/-/-/-/-/-/-)

١ ووردوم اوْزومۇ من دلى طوفانە كۈنۈلسۆز،

ئئيلر دلى طوفان داها انسانە كۈنۈلسۆز.

عشقىنلە آلېشماقلار، آلا ولا نماق اوچون دۆر،

شمعىن اودونا يانمادى پروانە كۈنۈلسۆز.

كۈنلۈم سنه ايمان گتىريپ وورغون اولوبموش،

اونداندېر اولوب دين ايله ايمانە كۈنۈلسۆز.

سن دردی کۆنۆللەدە اویالتماقدا کۆنۆللە،
من درد آرایان جان کیمی درمانه کۆنۆلسۆز.
٥ هر حلقه‌سینه باغلىدې مین عاقل اوړه کلى،
زنجيري چکير آردیجا دیوانه کۆنۆلسۆز.
یوخ مى ده اثر، بوردا آيېق لار گزير ايندى،
باخدیقجا قالېر بونلارا میخانه کۆنۆلسۆز.
ذوق اهلى دوروب مجلسى مى دن گئدر اولسا،
آيدىن دى گزر مجلسى پىمانه کۆنۆلسۆز.
اولسون کى گۈيىرمىكىدە دىير آنجاق نىه لازم،
تۇرپاقلارا قويلانسادا بىر دانه کۆنۆلسۆز.
صوفى منى تزویر ايله آلداتماغا گلمىش،
من ده بو يالان حىلهلى عرفانه کۆنۆلسۆز.
١٠ كۆنلۆم، غمىنه يانمالى اولساندا اۋزۇن يان،
يانسا ياناجاقدىر سنه بىگانه کۆنۆلسۆز.
بوندان سۇرا مندن ده رخالېق نه اومورسان،
دوشىدۇك ھامىلىقجا بئلە دورانه کۆنۆلسۆز.

- ۱۷ -

شمع

مستفعلن مستفعلن مستفعلن فعلن (-.-/-.-/-.-/-.)

۱ جانانه بۆرۆنمۆش اربیهەن گیزلى جاندى شمع،

جانانپلە ...

ياندېقجا اوّرهەكىلدەكى مەختلى دىلكلەر،

نيسگىلدى كى حىرىت باخېشىندان رواندى شمع.

يانماقچىن احتمالىي اونون يوخ ايشېقلىغا،

دائم ايشېق سالپىسا، قارانلىقدا ياندى شمع.

قلبى گۆنش تۈرەتسەدە هەر سئوگى بزمىنه،

توتقۇن اوزايلى ذروھسى دائىم دوماندى شمع.

۵ اويدورسا عالمى ئىلمىت يوبانماپىپ بىر آن،

دىللەندى، شعلەندى، آلبىشدى اوياندى شمع.

مین يئرده ائىلەميسىسە قارانلىق ھجوم اونا،

مین يئرده اونون دوردو اۋۇندا دايىندى شمع.

يانماق جانپىدا سئوگى لى لىت باغېشلادى،

ياندېقجا ياندى، يانماغا هەر آن، ايناندى شمع.

حىرىتلى كۈنلۈمۆزدە جۇشان تىپەنىش قانى،

ماتەلى، غەمىلى گۆزلىيمىزدىن داماندى شمع.

-۱۸-

فلک

فاعلاتن فعالاتن فعلاتن فعلنْ (-.-/-.-/-.-/-.-/-)

- ۱ تا سنین قدّینی بیر سرو چمان ائتدی فلک،
تیرتک قامتپی، بۆکدو کمان ائتدی فلک.
بیر بوجاقدا دئدیم اوزگیزلى غمیم وار چکەرم،
ائل ایچیندە اونو دا آچدی عیان ائتدی فلک.
او قوجالدېب هامېنى بیر - بیر آيقادان سالاجاق،
دوندھریب گئر بیرینى بيرده جوان ائتدی فلک؟
سنی بیزدن آپرېب اوزگەلرە يار ائلهدى،
بیزى ده بیرجه گئرۈش چۈن آلامان ائتدی فلک.
- ۵ دار دنیاده منیم وصلت يار آرزبىم ایدى،
ياندېرېب هجر اوذونا باغرېمى قان ائتدی فلک.
بیر كسيك نى كىمى صحرالار ایچيندە بوراخېب،
گئجه - گۈندۈز ايشىمىمى آه و فغان ائتدی فلک.
آبرو ايله دئدیك قوى كىچىنك بىزدە گۈلۈم،
آبرو يېخ، منى رسواى جهان ائتدی فلک.
قوزونون آرزېسپىنا داغدا يئل اسدىردى مدام،
قورد اوچۇن ھر چۈلۈ بير چىنى دومان ائتدی فلک.
سن جهان مۆلکۈنە جانا دئىهرم جان كىمى سن،

منی بیر جسم کیمی حسرت جان ائتدی فلک.
 ۱۵ عشق سلطانی پم آنجاق کی رضا ذره‌لی یه،
 گؤركى درويشى ندن دير ساوالان ائتدی فلک.

- ۱۹ -

كۈنول

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلنْ (-.-/-.-/-.-/-.-/-.-/-)

۱ مین جانپن اولسادا قربان ائله جانانه كۈنۈل،
 يۇخسا جانانى بوراخ قېيماسان أر جانه كۈنۈل.
 عاشقپن كۈنلۈنۈ آباد ائلهين سئوگى ايمىش،
 سئوگى سىز چئورىلەجك گوشەى ويرانه كۈنۈل.
 آيرىلىق دردى يامان ياندېرىجى اۋد اولسا،
 دايانپى يانمالى يېق اۋدلارا مردانه كۈنۈل.
 بىزدىن اوېرىندى بو گۆن يانماگى عشق آتشىنه،
 يۇخسا سۆزدۇر دۇلانپى شمعىلە پروانە، كۈنۈل.
 ۵ عقلين اولسون دئمىشىم هر سارى تىللى گۈزلە،
 قۇلوشوب ائيلەمە رسوا منى، ديوانه كۈنۈل.
 آل ياناقدا گۈرۈسنى زۇلغۇ سارىنمېش خالبىنا،
 بىل يقين دام آچېلىپ اورداكى وار دانه كۈنۈل.
 هەرە مجنون كىمى بىر لىلى نىن عشقىنده گزىر،
 من ده وورغۇن كىمى يېم آذربايغانه كۈنۈل.

- ۴۰ -

سیندیرام

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (-.-/-.-/-.-/-.-/-.-/-)

- ۱ واختی چاتمبشدبرکی من نیرنگ جامپن سیندیرام،
قورشانام جمله جهانبند ننگ و نامپن سیندیرام.
بیر اویالدیب جان وئرم سوندان اونو مدهوش ائدم،
کؤنلۆمۆن سرخوشلوغون، عیش مدامپن سیندیرام.
واختی چاتمبشدیر پۇزام میخانەنپن قانونلارین،
جان یاساقدان قورتارام وارلىق نظامپن سیندیرام.
بىللىدىرىكىيم چىكمەگە جانان آدپن بىشىمك گەرك،
دارتپرام من جانپن هر ذرە خامپن سیندیرام.
- ۵ واختی چاتمبشدیر داها عقلپن داشپن باشدان آتام،
دم به دم يۈل گۆستەرن منطق پیامپن سیندیرام.
اوڈ وورام بو خرقە و سجادە و تسبىحە من،
هم مرىدىن، هم مرادپن اهتمامپن سیندیرام.
نېتىيندن نور آلام سەھمانلایام بو قلبىمى،
گۈنە بير دعوى قىلان گىزلىن مرامپن سیندیرام.
باش آياقدان سئچمەيم، رقص ائيلەيم، اسروك دوشەم،
بادەن لېرىز اۋلام اندازە جامپن سیندیرام.
كىمدى ياجان، مۆلکۈنە حاكم اولوب فرمان سورەن؟

دورموشام من مۇلکۈمۈزدىن غم لجامىن سېندېرام.
 ۱۵ وورموشام قىدەن بۇتۇن دنيا و عقبى بحشىنىن،
 دين و ايمان سۆزلىرىن ووردوم تمامىن سېندېرام.
 واختى چاتىمىشىدېر كى مندى منلىگىھ يېز تاپام،
 واختى چاتىمىشىدېر رضا من - من كلامىن سېندېرام.

- ۲۱ -

دە گىشىللەم

مستفعل مستفعل مستفعل فعل (-.../-.../-.../-.../-)

۱ گۈددۈكجە سنىن دردىنە ياننامدە گىشىللەم،
 گىزلىن باخېسېندان اۇنو آنانامدە گىشىللەم.
 مىن يېزلا منى كۆسدۈرۈب اينجىتىسن اوزۇندىن،
 بىر سۆز بارېشىقىدان دى ايناننامدە گىشىللەم.
 بوندان بئله اغيارە گۈلۈمسىر اوزۇن اولسا،
 گۈللم اوزۇمە عشقىمى داننامدە گىشىللەم.
 ياننام آرىرم شام كىمى دۇلغۇنلاشارام من،
 بىر ائل غمىتكى مندە قالاننامدە گىشىللەم.

- ۴۲ -

سنسیز بوراخېلدېم

مستفعل مستفعل مستفعل فعل (-/-/-/-/-/-)

- ۱ بیر قارلى داغام کيم هله چنسیز بوراخېلدېم،
کۈكسۆمەدە بولاق جوشدو، چمنسیز بوراخېلدېم.
مین رنگە چالان دالغالى دريا باخېشىندان،
جانسېز، بوياسېز ساحله سنسیز بوراخېلدېم.
دوغۇم ياشاماق چىن سنى گىزلتىميش او ائودە،
يۇخسا ائشىگە من بئله منسىز بوراخېلدېم.
بیر بوغدا بۇيونجا گۈرۈش اولموشدو بەھانە،
سرگىشته بو دنیايدە ندىن سىز بوراخېلدېم.
- ۵ من بير ياهبىام يارە، دىلينىن دائىم دن آلاردېم،
دۆشىدۇممۇ گۈزۈندەن بئله دنسىز بوراخېلدېم.
واردېر بى مىل اوت كۈكۈ اوستۇندە گۈبرىمىش،
كۈكسۆز سانېلىپ يۇخسا وطن سىز بوراخېلدېم.
آز - چوخ ھەرنىن دنیادا شىلىك پايى اولموش،
من غم يۈكۈ اولدوم آخى شنسىز بوراخېلدېم.
باغلاندى كۈنۈل قالدى او سئودا آياغىندا،
باش توتسادا سودا يئنه سنسىز بوراخېلدېم.

- ۴۳ -

نه بىله يدىم

مستفعل مستفعل فعـل (---/---/---/-/-/-)

۱ ال چاتماز اوـلارمېش بئـله، جانـان نـه بـىـلـهـ يـدـىـمـ،
جانـانـهـ يـتـتـيـنـجـهـ چـېـخـاجـاقـ جـانـ، نـهـ بـىـلـهـ يـدـىـمـ.

عشـقـيـنـ، سـىـلـهـ جـكـ آـهـىـ دـئـىـرـدـىـمـ سـىـنـهـ مـىـزـدـنـ،
سـنـسـىـزـ اوـلـاـجـاقـمـېـشـ اـيـشـىـمـ اـفـغانـ نـهـ بـىـلـهـ يـدـىـمـ.

درـدـ اوـلـسـاـ دـئـىـرـلـرـ اوـنـاـ درـمـانـ دـاـ يـازـبـلـمـېـشـ،
يـوـخـ بـىـرـجـهـ مـنـىـمـ درـدـىـمـهـ درـمـانـ نـهـ بـىـلـهـ يـدـىـمـ.

قـصـدـىـنـ دـئـمـهـ دـىـنـ جـانـپـىـ آـلـاـقـادـىـ عـزـيزـىـمـ،
أـئـىـلـرـدـىـمـ اوـنـوـ منـ سـنـهـ قـربـانـ نـهـ بـىـلـهـ يـدـىـمـ.

۵ عـقـلـىـمـ دـنـ آـلـ اوـزـدـۆـمـ يـتـتـيـشـ وـادـىـ عـشـقـهـ،
الـدـنـ گـئـدـهـ جـكـ دـىـنـ اـيـلـهـ اـيمـانـ نـهـ بـىـلـهـ يـدـىـمـ.

زـحـمـتـلـهـ، چـتـىـنـ لـىـكـلـهـ تـاـپـپـرـ هـرـنـهـ بـىـ اـنـسـانـ،
الـدـنـ وـئـىـرـ آـنـجـاقـ اوـنـوـ آـسـانـ نـهـ بـىـلـهـ يـدـىـمـ.

بـىـرـدـامـلاـ كـىـمـىـ سـالـدـىـ فـلـكـ بـىـزـلـرـىـ گـۆـزـدـنـ،
آـخـىـرـدـهـ گـرـهـ كـسـىـزـلـشـىـرـ اـنـسـانـ نـهـ بـىـلـهـ يـدـىـمـ.

مـينـ آـرـزـىـ - اوـمـىـدـ اـيـلـهـ رـضـاـ تـىـكـدـىـگـىـمـىـزـ اـئـ،
آـخـرـ اوـلـاـجـاقـمـېـشـ بـىـزـهـ زـنـدـانـ، نـهـ بـىـلـهـ يـدـىـمـ.

- ۲۴ -

نیه لازم

مستفعل مستفعل مستفعل فعلن (-.../-.../-.../-.../-...)

- ۱ آچسان دیلینی سن داها سوسن نیه لازم،
کؤیلۆم قوشونا دانه یئتیر، دن نیه لازم.
من سندە قوتارسام داها سنسیزلىگىم اولماز،
بىر يئرده کى سن اولمالىسان، من نیه لازم.
كىمسە سوروشانمېر بو طبىعتە نە اىشدىر،
بۈلۈل دۆشەجك چۈللە، گۈلشن نیه لازم.
رۆحۆم سېخىلار دار قفس اىچرە سنى گۈرجك،
كويىنده گىز عاشقە، مىكىن نیه لازم.
- ۵ جانان ايلە جان مرزىنى پوزماقدا دۆشۈندۈم،
بو اورتادا قالمبىش ياراماز جان نیه لازم.
ساپالاندى دئىيرىسن نىيە بىس بالتا آغاچدان،
دوست آنلامادېقجا داها دشمن نیه لازم.
آچ نىيىتىنى، باشدا دۇلاندېرما بو خلقى،
يۇخسا بو قىدر وعدهى خىمن نیه لازم.
شعرىمە وطن دردى گىرەك ائل غمى اولسون،
درد اولماسا شعر اولسما مطنطن نیه لازم؟
دۇنمۇش سينەمىن غم بولودو، ياغمورا گۈزدە،

غم اولکه‌سی‌دیر، بوردا دومان چن نیه لازم؟
 ۱۵ دنیايه بیزى اویرەدن اوز منليگي‌ميزدیر،
 منليك‌ده ايتندن سورا من - من نيه لازم.

- ۲۵ -

ماراليم

فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن (-.-/-.-/-.-/-.-)

- ۱ باخېشپن جانلار آلېر، جان سنه قربان ماراليم،
 قويوموسان حسنون ايله عالمى حيران ماراليم.
 هر سحر سئيره چېخېب باغدا خرامان گزيسن،
 سانكى صحراده گزير بيردى جيران ماراليم.
 اولماسايدى كى سنين وصلينه كۈنلۈمده اومىد،
 ياندېراردى منى بو آتش هجران ماراليم.
 شام هجران چاتاجاق باشه يقينىم دى منيم،
 دان سۆكۈلمىكده، بيزىمدىر يئنى دوران ماراليم.
 ۵ سنين عشقين منى رسوا اىدەجىدىر بىلىرم،
 نىيە لازمىدىر اىدم عشقىمى پنهان ماراليم.
 منه قېقاچى باخاندا بونو آندېم، آندېم،
 وئريلىبدىر دئىه سن قتىلمە فرمان ماراليم.
 سنى گۈرددۈكجه رضا واله اوئور تۈرپاغىنا،
 نه گۈزەللر يئتىرىر آذربايجان ماراليم.

- ۲۶ -

وطن تورپاغى

مفاعيلن مفاعيلن مفاعيلن مفاعيلن (---/---/---/---/---)

- ۱ طبيييم مبتلاي درد عشقهم، خسته‌دار جانپيم،
سيزيلدار جسم نالانپيم چيخار افلاكه افغانپيم.
آلاگؤزلر سالېبدېر بير باخېشلا جانپيم درده،
بو دردى ساخلاپار كۈنلۈم منيم درديمىدى درمانپيم.
اگر رسو اولام خلق ايچره باكېم يۇخدو دانلاقدان،
منه قلبىيم وئريپ فتوا اليمده واردې فرمانپيم.
دلېبدير تير مژگانپين بو داغلى قلبى مىن يېردن،
آماندېر تىز علاج ائيلە ناحق يېرده گىدىر قانپيم.
- ۵ يايپن تىرلتىم، ال ساخلا، گۆنش سينەمدە گىزلىنىپش،
چىركى دىيانى اوڈلارە سۆكۈلسە گر، گرىيانپيم.
سو آخديقجا آياغىندان اوجالدار قامتنىن سروپىن،
اودوركىيم آغلادقىجا من گۆلر سرو خرامانپيم.
سنه حدىقىز گۆزه‌لىكىلار وطن تورپاغى بخش ائتمىش،
بو آسلانلار ئىليندىن دير منىمده شهرتىم شانپيم.
چالپىش اى جان جانانپيم سئويندىر خسته‌لار جانپيم،
باشاردقىجا فرحلنىدىر وورولموشلارى جىرانپيم.

- ٤٧ -

وطنيم

مستفعلن مفاعيل مستفعلن مفاعيل (-.-./.-.-/-.-.-.)

۱ سئوگىلىيمىن منىم اى سئوگىلىي جانان وطنىم،
جانپىم اولدوقجا سنه من دئىهرم جان وطنىم.

قارا ظلمت گئجهنىن رنگى سۈلوبدور گۈرۈرم،
آل گۈشىش چېرتلاپا جاقدىپ سۈكۈلۈر دان وطنىم،
دۆشىسە كۈنلۈم قوشۇ اوْز يار و ديارپىدان اوْزاق،
نئيلەسىن ائيلەمەسىن نئى كىمى افغان وطنىم.
من سينىلە تانپىب، دنيادا آد ائيلەميسىم،

يۇخسا سىنىسىز نە گەردە كىدىر منه آد - سان وطنىم؟

۵ گۈرۈم آشفته اوْلا، بو ياراما زىسلەنى،
كى اندىب حالپى بىر بئيلە پريشان وطنىم.
هر يېتن بوردا منىم دير دئىه ميدان قوردو،
وطن اولادپىنا بىر دۆشمەدى ميدان وطنىم.
دۇغما اولموشدور اوْگىنى نازپىلە، نعمتله ياشار،
دۇغمالار دۆشىدۇ دىدەرگىن گىزىر عريان، وطنىم.
وورولوب اوْزگەيە كىم چىكمەدى ائل قاپغى سېنى،
دئمەرم من اونا يۆز ايل قالام، انسان وطنىم.
دورموشام من كىشىگىيندە گۈمانپى بىر جە گلىر،

سین اوغروندا اندیم جانپی قربان وطنیم.

۱۵ رضابن چو خدور اوره کده دئمه گه درد و غمی،
نئیله سین ائله ییر هردن بیرین عنوان وطنیم.

- ۲۸ -

قربان اولاپیم

فاعلاتن فعالتن فعالتن فعلن (-.-/-.../-.../-.../-)

۱ یارپمن عشوه سینه نازپنا قربان اولاپیم،

گیلپیم یوخ چوخونا، آزپنا قربان اولاپیم.

قیش کوچندن سپرا، یاندېقجا ائلین گور چبراغی،
تازا يولدان یتیشن یازپنا قربان اولاپیم.

قلبیمین هر بوجاغپدان او جالپر سئوگی سسی،
بو سئویملی گوزل آوازپنا قربان اولاپیم.

زخمه دیگدیکجه اونون هر تئلی بیر نغمه قوشور،
او عدالت هاوالی سازپنا قربان اولاپیم.

۵ قوى دوروم آيدپنی نبن، چنگیزی نین، یاسرپنن،
تارپنا، سازپنا، آوازپنا قربان اولاپیم.

هامی گئتمیشسه بو گون غم منه مونس دی رضا،
کؤنلۈمۇن سئوگىلى دمسازپنا قربان اولاپیم.

- ۴۹ -

باخېشىمدان

مستفعل مستفعل مستفعل فعل (-.../-.../-.../-.../-)

۱ ائل دويido ياغان كۈنلۈمۇ قان ياش باخېشىمدان،

حىرانلىغىمى آنلادى چاش باش باخېشىمدان.

چكدىم آجيلار سؤيلىمەسىن اوومما دىلىمدىن،

سن دويماليسان دردىمىي قارداش باخېشىمدان.

يومدوم گۆزۈمۇ گىزلهدىم اوز باشپىمىي قاردا،

قوى اينجىمەسىن بلکە قالمقاش باخېشىمدان.

چېخسپىن بو گۆزۈم گۈرددۈگۈمۇ باغرىما باسدېم،

توش گلدى باشپىم داشلارا قىلاش باخېشىمدان.

۵ سردىم گۆزۈمۇ بوللارينا فرش ائلهدىم من،

تاپداندى اوزهك مىن دفعه فراش باخېشىمدان.

قلبيم سېخىلپىر بيرتىكە ايندى بولودام من،

سس سىز اريدىكىجە تۆكۈلۈر ياش باخېشىمدان.

سن بىر غم اولوب سئل كىمى سينەمە يول آچدىن،

حسرتلە قۇووش ايندىدە قانياش باخېشىمدان.

هر بىر چىچەگىن نقشىنە باخدېم سنى گۈرددۇم،

نقشىن جان آلپى، دويغولو نقاش باخېشىمدان.

اونلاركى قېنارمىش منى سرگىشىلەيىمىدىن،

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۱۵۹
آنلاردى اۆرەك درديمى اى کاش باخېشىمدان.

- ۳۰ -

نگار

مستفعل مستفعل مستفعل فعل (---/---/---/---)

- ۱ عشقىم، او مودوم، گۆللۇ - چىچكلى باهارپىمان،
چىخىم، فلكىم خوش گله جك روزگارپىمان.
چىخىم دولانىب ُمرؤمۇ آخشامه يئتىرسە،
من دن سۇرا دنياده منيم يادگارپىمان.
آى نازلى قېزىم قەرمان او دلار ديارپىدا،
دۆشمانلارا قارشى وطن او غروندا يارپىمان.
سن چىلى بئلين عشقى سن آى نازلى نگارپى،
روشن بابامىزدان يئتىشىن گل عذارپىمان.
- ۵ آذر ئىلينى دردى دومان چن بورويندە،
دنيا يە نشان وئركى، دلاور نگارپىمان.

- ۳۱ -

ماتان اوغلان

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن (---/---/---/---/-)

- ۱ اۆز ائلين، اۆز اوپاسپىن، طايما تېفاغىن آتانا اوغلان،
نه ياتېسان كى اوپاماق چاغى اولموش ياتانا اوغلان.
چوخ آغىر اولدو يوخون دىيانى يۈنگۈلچە گىچىرتىين،
سەھل سايدپىن هر ايشى، هرنەيى يۈنگۈل توتانا اوغلان.
سەچىمەدین ياخشىنى پىسدن، نەدە هەنج اۇلچۈنۈ بىلدىن،
دۇستو دۆشمانلارا، دۆشمانلارى دۇستا قاتانا اوغلان.
بىر قدم خىرە سارى آت گىيلە بئش گۆندۈ بو دنيا،
بۇشلا شىرىشلىرى دئەدىلى جەنانى توتانا اوغلان.
- ۵ وېرىدىن عارسىزلىغا، افسوس او لا! جومدون، هارا گىلدى،
چاره فكىينىدەدە اول، باتلاغا دۆشموش، باتانا اوغلان.
اونودوب وارلىغىنى، واز نە ايمىش سن اۇنۇ گىزدىن،
ايستەگىيىدىن نە قازاندىن اونا يۈز يېل چاتانا اوغلان.
عمر قورتارمادا بىر بىر كەھ اۇلمۇشسا دۆشۈن گۈر،
دنيادا كىيم كىيمەدیر، كىمىدى آلان كىيم ساتانا اوغلان؟
اوخو تارىيخىنى اۆز كىچمىشىنى آنلا، دۆشۈن، بىل،
گەلەجەك گۈنلەرىنى فكر ائله، بىر آن اوتانا اوغلان!
ساوالان تك، بو وطن دشمنى، قارشىندا دايىان دور،

گۆزلەيیر ائل سنى، ترپن منىن اوغلان، ماتان اوغلان.

- ۳۲ -

گۆزلەييمىزدىن

مستفعل مستفعل مستفعل فعل (-.../-.../-.../-...)

۱ گىزلىن باخېشىن سۆزدۇ يواش گۆزلەييمىزدىن،
شىلىك پاينى آلمېشدى شاباش گۆزلەييمىزدىن.
ياخديقجا يانېق گۈنلۈمۈزۈ سېخدى بى حىرت،
هر دم دامېر اونداندى كى ياش گۆزلەييمىزدىن.
سالمىشىدېر آياقدان منى مىن يۈل بى خطالار،
گۈرجىك اونو وورموش يئنه باش گۆزلەييمىزدىن.

بىرماوى دىنىز ساحلىنىن آخشام ئويىنده،
آسلامىش آغېر نالەلى ياش گۆزلەييمىزدىن.

۵ وولقانلى اوّرهك داغىبنا يۈل آختاران اولسان،
تايپ دوېغوموزون ذروھسىن آش گۆزلەييمىزدىن.
الدىن نە گلىير جلب ائله يەم لطفۇنۇ آنجاق،
آنماق سىينەمېزدىنى تلاش گۆزلەييمىزدىن.
بولدوق بى قىلار عشقى اوّرهكلىر اۇزوگۇندە،
سالدىق اوナ شاهد كىمى قاش گۆزلەييمىزدىن.

- ٤٣ -

مهپاره

مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن (-.-/-.-/-.-/-.-/-.-/-.)

١ گۈرجىك داغېتىدىن زۇلۇنۇ رخساربوا مەھپارەسنى،
بىلدىيم منىمەدە عمرۆمە چىكدىن سراسر قارەسنى.

مىن يۈل دىئىيم گىزلىن سۈزۈ آچمازلا هر بىگانەيدى،
اما يئنه فاش ائىلەدىن اسراربىمىي اغىارەسنى.

گۈردۈن سنىن عشقىن منى سالىمېش بو غىلى بىستە،
بىلدىين دواسىندا يئنه رحم ائتمەدىن بىمارەسنى.

شانلى وطن تۈرىپاڭىمىز گۆلدن ياراتمىشىدېرى سنى،
عشق ائلکەسىن باشدان باشادوندرمىسىن گۆلزارەسنى.

٥ مصر اھلى قىلماز اعتنا مىن لىردى يوسف توپلانا،
معلوم اولور غوغى قۇپار چېخسان اگر بازارەسنى.

«بىئىل باغلاما كۈنلۈم» دىئىيم: «يۇخدور گۈزىلرددە وفا،
سالما اۋزۇن بو ياندىران آتش لىرە بىچارەسنى!»
سىنەمېش اورە كىدىن دە رضا آنجاق اورەك اولماز سىنە،
ال اۆزىمەلىيىدىن اونداكى وئردىن كۈنۈل دلدارەسنى.

٣٤ -

اُئیرن

مستفعل مستفعل مستفعل فعلن (-.../-.../-.../-.../-)

- ١ علم ايله جهان مشعلى يانماقدادپر اُئيرن،
جاهل لر اوونو باخماكى دانماقدادپر اُئيرن.
بىلگىلە، بو گۆن گۈىلرى سير ائيلەيىر انسان،
باخ اونلارا گؤر هاردا دۇلانماقدادپر، اُئيرن.
جاهل اولاسان لىتى يوخ ثروتىن اولسون،
لۇت دئىدىيىن علم قازانماقدادپر اُئيرن.
آچ گۈزلىرىسى، دور بو جهالت يوخوسوندان،
ياتمىشلارى گۈر ايندى اويا تمامادادپر اُئيرن.
- ٥ دنياده سنين دير، گله جىكلرده سنين دير،
باخ چىخ فلك گۈر نه دۇلانماقدادپر اُئيرن.

٣٥ -

ائىل غمى

مستفعل مستفعل مستفعل فعلن (-.../-.../-.../-.../-)

- ١ قالدىقجا هله حىرت اىچىننە قالپرام من،
نيسگىلىلى درىن حسرت اىچىننە قالپرام من.
آخماقدا بولوتلار كىمى يۈلسۈزۈلۈغا دۈغرو،
ياغدىقجا يئنه غربت اىچىننە قالپرام من.

سۆز سىنه‌دە قايناشمادا اورمانلارا بىزىر،
سسىز هله‌دە صحبت اىچىنده قالپرام من.
ايستر گۆز آچىب بۇيالانا گىرچىكلىگىه شعرىم،
مېن لرجە يالان تهمت اىچىنده قالپرام من.
٥ بىر داملا سوپۇندان دادا بىلىسم نىيە لازم،
درىيا قەدرى مىنت اىچىنده قالپرام من.
بىر پىرە سېنىق پىنجىرىمەن چىكىنинە دۆشۈش،
گىزلىن تۈرەن ئىلمىت اىچىنده قالپرام من.
قلېيمى دىزىيمىن آركاھىپىنا دالدا ئىپدىپ،
سسىز آلبىشان مەحت اىچىنده قالپرام من.
وار ائل غمى سىنه‌مەدە بؤيۈك وار كىمى دىير بۇ،
هاردان بىلەسەن ثروت اىچىنده قالپرام من.

- ۳۶ -

گۈرۈرم من

مستفعل مستفعل مستفعل فعل (-.../-.../-.../-.../-)

۱ دىلبردە وفا مطلبينى آز، گۈرۈرم من،
اغيار ايلە هردهن اونو دمساز، گۈرۈرم من.
بىلەم نە داراقدا تۇخويورهاردا گىزىر بىس،
تىلەن - تىلە اويناقدى، اويناباز، گۈرۈرم من.
قوى ائل غمىنى چكمەين آتسېن منى، غم يۇخ،

بو غمله تابش دیر منه همراز، گۈرۈرم من.

با خىدەقجا پايىز يارپاغىنىن هر بىرىسىنده،

گىزلىنده طراوتلى قالان ياز، گۈرۈرم من.

۵ سن، زخمەدەگىر، ناله قۇپور، سىس ائشىدىرسن،

تئل - تئل قېرپىپ يانغىلىپىر ساز، گۈرۈرم من.

ھەمتلر او جالماقدادى ھەندىر بنا لار تك،

طوفانلار اونۇنداه او نو تايماز، گۈرۈرم من.

بىر سئل دى حقىقت كى داشىپ باشدان آشىپدى،

مېن مانعه راست گىلسە دايىنماز، گۈرۈرم من.

ممکۇندۇ قالىپ دير منه بىر آرزو اومىدى،

ممکۇن دىگىل اوندان دا كەچىم واز، گۈرۈرم من.

- ۳۷ -

خنجريلن من

مستفعل مستفعل مستفعل فعل (-.../-.../-.../-.../-)

۱ عهد ائيلەدىك اول گۈن كى قالاق خنجريلن من،

بو فىكى دۆشۈندۈك كى دالاق خنجريلن من.

بىر آرزو كىيمىن دير اليمىزدىن گئىن اورمان،

دوردوق كى او نو بلکە آلاق خنجريلن من.

باغرەمدان آيىرما او منىم سىرداشىم اولموش،

سۈز صحبتىمىز واركى سالاق خنجريلن من.

ماھىيەم دومانپىن تۆسۈتلەرنىدە قارالانمىش،
داشدان داشا، لازمدى چالاق خنجرىلەن من.

٥ آلچاقلىغى بىز تجربەلەر ائيلەدىك ايندى،
بىر يۈلە گەركىدىر اوجالاق خنجرىلەن من.
اغيار دئىين گئتمەگە سەھمانلاشا بىلسىن،
عەد ائيلەميشىك چۈنكى قالاق خنجرىلەن من.

- ۳۸ -

آپار پىر حوصلەسىن

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلان (---/---/---/---/-)

١ ائتىيگىز عەدە وفا ائيلەمە گىنىدە تلهسىن،
گۆز تىكىب يۇخسا اجل بىزلىرى دە چۈمچەلەسىن.
بو آغا جدا قالا بىلمىر يېتىشىلر تۈكۈلۈر،
هر يېتن دە چالپىشىر بىر آغا جى سىلەكەلىسىن.
هر گلن يۈلچو دۆرۈب ھندەورە دويدوقجا،
دۆشۈنۈر آزجا دايامپىر يېنە باغلەر شلەسىن.
هامى دىيادە گۈرۈر يۇخدۇ دايامقا اوامدو،
يېنە هر دۈنگەدە قورماقدادى ھركىس تلهسىن.
٥ آلچاق انسان آرایىرسا اوجا يېر، قىدى بىر دور،
باشپىنا تۈرپاڭى آنجاق اوجا يېردىن اللهسىن.
قوج اىگىتدىن قارا تۈرپاڭى اوجا گۈرسىنسە، گەركە

آنا ساچلارپنی یۇلدۇقجا گلىن لر مله‌سین.
کىيم اولا واى خبرىن يعقوبا چاتدېرماق اوچۇن،
يۈسف يىن كۆئىنەيىن آل قانە گر كىدير بلەسین.
دنىابىن ائل ھامى واقىدى بىش گونلوگىونە،
اماً حق سۆز يئنە خلقىن آپارپر حوصلەسین.

- ۳۹ -

ايکىميىزدە

مستفعل مستفعل مستفعل فعل (-.../-.../-.../-...)

- ١ بىر مىنت ايلە دردىلە ياندېق ايکىميىزدە،
ياندېق او قىدر ياندېق اوساندېق ايکىميىزدە.
بىر عمر، كۈنۈل آرزو لا رىلە ياشادېق بىز،
ايلغىم لارى گرچىك كىمىي ساندېق ايکىميىزدە.
سۆز دوشىدۇدە هەنج سۆيلەمەدىك اوزلۇگۇمۇزدىن،
بىز اوزگە يە آداندېق، ايناندېق ايکىميىزدە.
ماوى دىزىيىك، دالغامېزى الدى دومانلېق،
ساخىلرە چاتدېقجا تالاندېق ايکىميىزدە.
- ٥ بىز بىر كۆزەدەن آيرى آياقلاردا بوشالدېق،
سرخوش الى دىگىكچە جالاندېق ايکىميىزدە.
غىرت كۆكۈمۈز ياندى، بىزى يئللەدىلەدە،
اوھامە ھۈرۈلدۈك اوجالاندېق ايکىميىزدە.

دۆشگۈن ياشادىق ساختا گۈلۈشلر دۇداغىندا،
ニيسگىللى باخېشلاردا، دۇلاندىق ايكىمىزدە.

- ٤٠ -

اۆرەگىمە

مستفعل مستفعل مستفعل فعلن (- - - - - - - - - -)

- ١ يئر سالدى باخېشلارلا او جانان اۆرەگىمە،
گل گۈر نئجه چېرىپىنما داپر، جان اۆرەگىمە.
حڪمۇندە دايامىش بئله هر ذرە وجودوم،
گئتجىك قايدىپر سىدن اۋتر قان اۆرەگىمە.
مىن فكر و خيال ايله سنين قىيدىنە قاللام،
سنسن دۇلاتان قان كىمى هر آن اۆرەگىمە.
ولقانلى باخېش رعشە سالپر جان دنىزىيندە،
باخدىقجا قوپاردىپر دلى طوفان اۆرەگىمە.
- ٥ سن كى بو اۆرەك مۆلکۈن تو سخىر ائله يىبسن،
هر حكم سنين دىر ائله جولان اۆرەگىمە.
عشق ايله تانىشسانسا جهان مۆلکۈن بۇشلا،
عالىدى بورا سور گىلە فرمان اۆرەگىمە.
گۈرجىك سنى نطقىم كسىلىيپ سوسىوشام آنجاق،
مىن يۈل دئمىشىم من سنە قربان اۆرەگىمە.

- ۴۱ -

دانه‌ده من ده

مستفعل مستفعل مستفعل فعلن (-.../-.../-.../-.../-)

۱ زۆلفۆنده پریشان دۇلانپىر شانه‌ده من ده،

کوبۇنداكى، آوارەدى بىگانە‌ده من ده.

اۋدلاندېق آلاولاندېق اۇنون هر باخېشىندا،

ياندېقجا ياخېلدېق يئنه پروانە‌ده من ده.

غەم كۈنلۈمە دۇلدوقجا گۈزۈمدىن جۈشۈب آخدى،

دۇلدوقجا بۇشالماقدادى پىمانە‌ده من ده.

عاقىل لر ايچىنده داها باش ساخلاماق اۇلماز،

بىر زنجىرە كىيم باغلېدى دىوانە‌ده من ده.

۵ حكم اولدوکى اسىرۇك دۇلانانلار ياخالانسپىن،

چۇخدان برى حىرىت دەدى مىخانە‌ده من ده.

كۈنلۈم ائوينى كىيەدىر ائدىن بىردى مرمت،

قالدېق بىئەلىكىلە هله ويرانە‌ده من ده.

اغىyar اته گىيندە اوووج اولدوq سېھلىنىك،

گىزلىنىدە گۈردىك اۇزۇمۇز، دانە‌ده من ده.

- ٤٢ -

دنيا يه گوره

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلنْ (.....)

- ١ ياشما مجانون اوره گيم عشقينى ليلايي گوره،
بيزى دنيا ياشادير ايendi بو سئودايي گوره.
هانسي قدرتلە قلم حسنونۇ توصيف ائلهسىن،
نه دئسم باليدى كيم قطرهدى دريايي گوره.
قېرمېشام ساغرى مين توبه ايلن ايendi گرهك،
سېندېرام توبهمى بير ساغر صەبايي گوره.
گۆزلىيندن نه بىلىم اكسىلەجكدىر يۇخسا،
بىر نظر قىلسان اگر عاشق شىدايي گوره.
- ٥ مين عۆمۈر آزدى قويام يولاربىنى گۆزلەمەگە،
بىر نفس چۇخدۇ چكم دين ايله دنيايي گوره.
شىخە عشرتىكىدە دىر صحنهى دنيا آما،
گتىريپ تانرىپ بىزى سانكى تماشايي گوره.
اما رسوا اولاجاق رنگ و ريا اھلى يقين،
يئنە دنيا گۆلەجك عاشق رسوايي گوره.
بلكەدە گۈلمەيە دنيا بىزە تاريخ بۇيوجا،
ياشارپن گىزلىيچە، گىزلىيندە كى دنيايي گوره.
سۆزلۈيەمن، منى اۆزدن اوخويوب كىچمە بئله،

سۆزۆ دويدوقجا دوشۇن اونداکى معنايە گۈرە.

۱۵ منه جان وئردى رضا طبىعىمى جوشدوردو يئنه،
ياشا مجنون اوره گىيم عشقىنى ليلايىه گۈرە.

- ۴۳ -

يارى سۆز - يارى حسرت

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فulinْ (---/---/---/-)

۱ عارض يارده مُصحف اوخونور آيه به آيه،

گۈنش آردېنجا هله گلمەددىر سايىه به سايىه.

سەينىن عشقىن دى، سئوينجىن دى غەمین دىر بۇ سىئەمدە،
اوره گىيمدە قالانېب قالمالېدىپ لا يە به لا يە.

اغنیانېن غەمینى چۈخلارى چىكمىدەدىر آنجاق،
سەندە بىر گوشەى چشم اىلە نظر قىل فقرایە.

سن گەندىب خلوت ائديب اوزگەلر اىلە گۈلۈشىن دە،
عاشىقىن نالە و افغانى يئتر اوچ سمايە.

۵ سىئەم اىچىرە دؤيىونن گنجدى ويرانەيە دوشىمۇش،
وئرمەرم من اوئۇن هەر يولدان اوتن بىسىر و پايە.

ھرنە مندن دىسەلر اوزگەلر، اى شوخ اياناما،
يارى سۆزدۇر، يارى حسرت، يارى بەتان دى رضايە.

- ۴۴ -

اۆزۈنە؟

فاعلاتن فاعلاتن فعالتن فعلنْ (-.-./---/---/-)

۱ آچىلىپىر قاپىلار بۆسپۇتۇن اغيار اۆزۈنە،
سانكى حسرت قالا جاق گۆزلىيمىز يار اۆزۈنە.
كىمىسىنин كەنلۇ توتوشىمۇشسا بو عشقىن اودونا،
ھەدەجك ظلمت اونو بىر قارا دىوار اۆزۈنە.
مىن كره، سوچalarبىنى ساي، اۆزۈنە المايا جاق،
تۇزدا قوندورمايا جاق بللى دىير بىيار اۆزۈنە.
چىچە گىن عمرۇنە تك بىر آچىلىپىق واركى يئتر،
ھر سحر گۆزلىينى آچمالىپىر خار اۆزۈنە.

۵ آلدانېب آغ اۆزۈنە گۆزلىيمىز كور كىمىدىر،
گۆزۈمۈز سانكى دوشوب گۆزدە ياغان قار اۆزۈنە.
سىنهم ايچرە دؤيىنۇر بندە چكىلىميش اورهىيم،
قوروموش بىر درى دىير كىم چكىلىپ تار اۆزۈنە.
يۇخدوداندېر قۇوورور بىزلىرى بو غم آلاوو،
قاياناپىر يارما ياوان ياغ جالانېر وار اۆزۈنە.
ملىتىن آرپا بۇييو غىرتى اولسا قۇيىمار،
آپارېب تەرانا دشمن گله سردار اۆزۈنە.
اۆزۈنۈز آغدى آى اوئىرنىجى جوانلار ياشاپىن،

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۱۷۳ ۶۰

قارا چکدیز یاراما ز کینه‌لی اغیار اوْزونه.

۱۵ ائلينين دردینىد، شنليگينين شعرىنىد،

گۈرۈرمەن باخېرام هر دفعه شاهمار اوْزونه.

عشقىمین سرىنى قصدىم سنه آندېرماق ايدى،

بىر گولوش پردهسىچك سندە بو اسرار اوْزونه.

- ۴۵ -

[بتخانه‌دن بتخانه‌يە]

مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن (-.-/-.-/-.-/-.-/-.-)

۱ سالدېم بو سرخوش كۈنلۈم، مىخانه‌دن مىخانه‌يە،

آتدېم بو دىيانپۇن غمین، پىمانه‌دن پىمانه‌يە.

اۆز اۆزلۈگۈن تاپمىش ھامىوارلىقلارا ائتمىش عمل،

من اورتالىقدا قالمىشام، بىگانه‌دن بىگانه‌يە.

مندى سوروشساز سىزلىرە، من عشقى تكليف ائيلرم،

آخر نە تكليف اولمالى، ديوانه‌دن ديوانه‌يە.

باش اىگەرم ھركىس گلىب بيردىن ايلە، آيىن ايلە،

چكسيين منى بوندان سورا، بتخانه‌دن بتخانه‌يە.

۵ گىزلىن قالان گىجىنه‌يم مندى خبرسىزدىر ائلىم،

سالمىش منى آزغېن فلک، ويرانه‌دن ويرانه‌يە.

- ٤٦ -

[آلاو]

مفاعلن فعالن مفاعلن فعالن (.-.-./--.-./--.-)

- ١ صبا او لاله اۆزدن گۈتۈرددۇ چون نقاپى،
بولوت دالىندا گۈرددۈم سېخېلىمىش آفتايى.
بو فتنە گۈزلۇ ھاردان تاپىلدى گىلدى يارب!
كۈنۈلە بىر باخېشلا سالىپ بو انقلابى.
آچېلدى چىن زلفى داغېلدى غم سپاهى،
او دَم بۈتۈن ختايىه يايپىلدى مشك نابى.
ازل گۈنۈ بو اۋودان دئدەيم قوتارماق اولماز،
اوزاق گىزرا آلاودان اونون كى يۇخدۇ تابى.
٥ ساغىنما سن رضا اول اۆرەك يانېب آلىشىسىن،
كۈنۈل كى وئىدى عاشيق دۆز اولمالى حسابى.

- ٤٧ -

قىش گىچەسى

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن (.-.-./--.-./--.-)

- ١ يۇخسولون دۆشمانپىسان، دۆشمانپىسان قىش گىچەسى،
بۇنو هئىج گۈر دۇشۇنۇرسن، قانپىسان قىش گىچەسى؟
شاختا وورموش، سۇيپوق اۇلرده كى چىلىپاڭ چوجوغ،
ياناجاقسىزلارا هئىج بىر يانپىسان قىش گىچەسى؟

الى بوشلار بو فلاكتله اوlobe آل به ياخا،
سن بؤيوك بير دويوشون ميدانپسان قيش گئجهسى.
منيم عمرۆم سورولوب بؤيله فلاكتله يقين،
بونا باعث سن ايمىشىن، دانپسان قيش گئجهسى.
٥ قورودور شاختا سنى، چارەندىر، كۈرپە بالام،
سن ده يوخسوللوغومون قربانپسان قيش گئجهسى.
سورولوب سنه گئدرسن دۇلانېر چىخ فلك،
ھلهلىك وارلىلارپىن دورانپسان قيش گئجهسى.
گئجهلر وارلىلارپىن سن دارپخان دىقهسى نىن،
چالغىلى، شب چرهلى، درمانپسان قيش گئجهسى.
سوپىق اولدۇردو بىزى، سن نه اوزاندىن بو گئجه،
يوخسولون دوشمانپسان، دوشمانپسان، قيش گئجهسى!

- ٤٨ -

پروانه دۇلاندى

مستفعل مستفعل مستفعل فعل (-.../-.../-.../-.../-)

- ١ شمعين اودونا يانسادا پروانه دۇلاندى،
آنجاق تاپارام آل دئىه درمانه دۇلاندى.
ھر كيمسه كى بير قورتو ايچىب عشق مىينىن،
ھوش باشدان اوlobe باشپينا مىخانه دۇلاندى.
زۆلفۇن آچىلىپ، عطرينى يىئل آلدى سىپىلدى،

کوییندە گلیب چۇخلارى دیوانە دۇلاندى.

گۈزلى آسپىلى پنجرەدن صبح آچىلىرسا،

چېخدى او پرى بلکەدە ايوانە دۇلاندى.

٥ مجلس خمار اۇلموش، گىتجە افغان ايلە كىچدى،

نه ساقى تاپىلدى نەدە پىمامە دۇلاندى.

شەلا گۈزۈ افسون ايلە بىر مجلسە باخدى،

مىست ائىلەدى عاشقلىرى مىستانە دۇلاندى.

عشقىن منى افسون ائلەيىب چۆللەرە سالدى،

ائىل اىچىرە دۆشۈب بىر تازا افسانە دۇلاندى.

سەندىن نە جفا گلسە كۈنۈل جانلا رصادى،

شەمعىن اۇدونا يانسادا پروانە دۇلاندى.

- ٤٩ -

كاش اولايدى

مفاعىلن فعولن مفاعىلن فعولن (.-.-/-.-.-/-.-/-.-)

١ كاش كۈنلۈمۈ آلان بىر لالە ياناق اولايدى،

عُمرۈم قارانلىغىندا پارلاق چىراق اولايدى.

كاش كۈنلۈمۈ قاچىردىپ گىزلىتمك اىستەيندە،

گۈزدىن غىميم بۇشالدان سېزلىار بوجاق اولايدى.

سالدىن منى آياقدان، سرخوش گىزىرسن ايندى،

كاش آلە دردە قارشى يانغىن آياق اولايدى.

کاش يازغېمې يازاندا، تاڭرېمدا لطف ائدردى،
بىرگۇن اولايدى ئۇمرۇم، بختىم اوياق اولايدى.
۵ مىن يۈل منى ارىتىن من يانماغا آلىشىدېم،
اۇدلانماغا دئىريدىم قلبىمده ياغ اولايدى.

- ۵۰ -

سنى تارى

۱ دايامما ساقىقا قىرقق گتىر بارى سنى تارى،
بو سرمىست عاشقى قويىما هوش آپارى سنى تارى.
كۈنۈل بازاربىنى ايمدى داغېتىشلار قارا ساچلار،
سارى تىللەيىم پەريشان ائت بو بازارى سنى تارى.
يئنە كۆكدىن دوشۇب كۈنلۈم نە مدەتدىر چالان اولماز،
تۈزۈن سىل كۆكلاھ، دىللىندير سېنىق تارى سنى تارى.
منىم حسرتلى گۆز ياشىم بىر چۈللەرە آراز اولدو،
نه واختا دك بو قان ياشلار اولار جارى سنى تارى؟
۵ اگر هجرىنده اۇدلانسام كۈلۈم سۇورولسا گۈيىردىن،
اونوتىمام هەچ وطن آدلې بىر گۈلزارى، سنى تارى.

- ٥١ -

گیزلین محبت

مستفعلن فولون مستفعلن فولون (-.-/-.-.-/-.-/-.-)

- ١ عمرۆن خزانه يئتى، سۇلدون چىچك سايانىغى،
حىرىتلى گۈزلى اولموش هجرىنده قان بولاغى.
بىر آز سئوينجە سنله، گاهدان بىز آل تاپاردىق،
سنسىز كىسىلدى ئودن شىلىكلىرىن، آياغى.
آچدىقجا قول بوداغىن، فخر ائىلە بىر آغا جلا،
بىردىن قورورسا رىشە، نئيلر آجاج بوداغى.
بىرگۇن صبا سۆز آچدى عاشقلرىن كۈچۈندن،
غم غصە آلدى باغى، ايسلانىدى گۆل ياناغى.
- ٥ آخشامدى، قاش قارالدى يار گلمز اولدو، گۈنلۈن،
صُبُحو آغارما يېنجا سىس لىدەدىر قولاغى.
عشق اھلىنى گۈرۈشدن محروم ائدىرلر اولسۇن،
گیزلین محبت اولموش دۇستلوقلارپىن داياغى.
گاھ گۈيلىرىن اوْزۇندە گرمىكىدىر، بولودلار،
گاهدان گۈرۈرسىن اولموش درىالارپىن قوناغى.
گلزارى عشق اىچىنده نادر گۆلۈمىسىن، اى گۆل!
ۋئىمە رضا فراقېن غەمگىن ائدە بولاغى.

- ۵۲ -

اغیاره بىزتمە منى

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (-.-/-.-/-.-/-.-)

- ۱ من سنه يار اولموشام اغياره بىزتمە منى،
گۆل دىيىنده گىزلىن بير خاره، بىزتمە منى.
گۈنلۈمە آخذىم بولاقلاردان آخاركىن سو كىمى،
آريما يى ائيلەين ايلغاره بىزتمە منى.
گۈزلىن شەلاسې بىمار ائيلەيىبدىر عالمى،
سالما عالىدىن، بىلە بىماره بىزتمە منى.
من حقيقىت بادەسىن اىچدىم ازلىن، سرخوشام،
آتمېشام عقللىن داشپىن، هشىاره بىزتمە منى.
- ۵ آل گۆنشلى گۈيلىرى فتح ائيلەين بير قارتalam،
قارلىق داغلار مىكىنەم دىر، سارە بىزتمە منى.
قلب مەر اىلە منى نقش ائيلەدى عشقىن سنىن،
خالقىن اىچىرە الدەكى دىنارە بىزتمە منى.
هر نەيىمدىن كىچمىشىم داغلار منه قالسپىن دئىه،
داغلارپىمان كىچمەرم، بىعارة بىزتمە منى.
باغلانپىب قالدىم اوّرەكىدە سېنمايان پىمان كىمى،
هر وفاسىز باغلايان ايلقارە بىزتمە منى.

- ۵۳ -

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلنْ (---/---/---/---/---)

[تجلايه]

- ۱ گتيريب ناله يه سالميش يئنه غوغايىه منى،
بىزهدىپدىر يئنه بىر بولبول شىدايە منى.
كيم گوروب، كيم اشىدېپ، كيم بئله احواله دوشوب،
كيم نه بىلسىن كى سالېپ كيم بئله سئودايە منى.
دایم اغيار ايله گؤلمكده، گولوشمىكده دير او،
بىمرۇت نىجە گۈر قويىدو تماشايە منى.
سالما گۈزدن گۈزەلىم بىر گۈن اليندن گىئەرم،
كىمىدى، هاردان گتىرەر بىرده بو دنيايە منى.
- ۵ ساچلاربن ئىلمىتى آشقتە ئىدىبىر گۈنۈم،
گۈرنە هنگامەدى سالميش نىجە بلوايە منى.
چېرىپىنان، سىنەددە، وورغون اوەرەگىمىدىر گۆمانپىم،
دۆز دئسىهيدىن، هله ساخلاردى بى سرمائىه منى.
اوژ ياخامدېر، اوژ الېم، اوژ آمەگىم، اوژ چۈرەگىم،
اوژ لوگىمدور كى سالېپ اوژگە تمنايە منى.
سوسموشام اوزدە دئمە سىنەددە طوفان سۆزۈ وار،
تاني اوزدىن هلەلىك، ساخلا او معنaiيە منى.
بويلانىپ ساحلە بىر آن يئنه گىزلىتى اوزۇن،

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۱۸۱ ۵۷

دالغا گۇردۇم چاغبېر آستاجا درىايە منى.

۱۵ من ده ساحلده كىلردىن داهى اوزدۇم ئالىمى،

همتىم وار يئتىرەر طور تجلايە منى.

پوزان احوالىمې، پوزغۇن ئىلىمىن نالەسىدىر،

گتىرىپ نالەيە سالمېش يئنە غوغايە منى.

٥. ترکیب بند

- ١ -

آند ایچرم

١ گىزلىين سۆزلۈ اوّرەكلىرىن سېرداشى يام،

باخىشلاردا دالغانان گۆز ياشى يام.

اينان منه، چتىن يېلۇن يېلداشى يام،

گۆل ناخىشلى گۆزلىرىنه آند ایچرم،

آى باخىشلى گۆزلىرىنه آند ایچرم.

٢ داغلار دومان، اوّزو توتقۇن، هاوا آغىر،

بولوت - بولوت غم الەنير قەھر ياغىر.

گۆزلىيمە يالوارېرام منى چاغىر،

ائىل ماھنىلىپى دىللرىنىه آند ایچرم،

ائىلين آغىر ايللىرىنىه آند ایچرم.

٣ سىنەم اوستە آج تئىينى ساز اۇل بارى،

پايزىلى يام چىچك لەنib ياز اۇل بارى.

چۇخ دئميرم چۇخ اۇلمادىن، آز اۇل بارى،

اينانلارا، دۇيغۇلارا آند ایچرم،

سنله دۇلۇ اوپىغۇلارا آند ایچرم.

۴ بیر گئجه‌میز ایشیق اولا، آیلا دؤلا،

سالخیم - سالخیم گؤیلریمیز اولدوز اولا.

آی چېخاندا چاغېر منی چېخاق يۇلا،

دانلىپ سحر يۇللاربنا آند ایچرم،

گۆمۈش کىمى قوللاربنا آند ایچرم.

۵ اسدی سازاق قۇپدو كۆلك ائل دارېخېر،

درد اوجالى، كۈنلۈمۈزدن ناله چېخېر.

آيرېلېغىن بؤيۈك غىمى، منى سېخېر،

سنسيز اوتىن دەلرىمە آندايچرم،

اۆرەكده‌کى غەلرىمە آندايچرم.

- ۲ -

اۆزۈنە فکر - سۈزۈنە فکر

۱ دۇستو ووروشدوران آراني پوزان،

سۈزۈلرین چاشدېرېب يۈلۈنو آزان.

بىرلىكىن دانېشىپ ھەمتدىن يازان،

بىز آزادا اۆزۈنە فکر وئرئىدىن،

يازدېغىن سۈزۈنە فکر وئرئىدىن.

۲ ناموس دان سۈز دئىن عاردان دانېشان،

ايلاقاردان سۈز وئرن ياردان دانېشان.

گۆللىرىن بؤيرۇنده خاردان دانېشان،
قايغىدان، غوردان، غىرتدىن يازان.
بىر آزدا اۋزۇنە فكر وئرئىدىن،
يازدېغىن سۈزۈنە فكر وئرئىدىن.

٣ دوز سۈزۈن گىزىرىپ، چۈرەكدىن دئىن،
انسانا ياردېمان كۆمكدىن دئىن.
زەمىتدىن تلاش دان امكدىن دئىن
شرفدىن سۈز آچان، عزىزدىن يازان.
بىر آزدا اۋزۇنە فكر وئرئىدىن،
يازدېغىن سۈزۈنە فكر وئرئىدىن.

٤ دىلىين گۆزلىرىنه اوخومور سنىن،
كۈنۈلدەن الهامىن آلمېر قىمىن.
گۈرۈرسەن ھامېدان اۆزۈلوب الىن،
يالاندان، بېتاندان، تەمىتدىن يازان.
بىر آزدا اۋزۇنە فكر وئرئىدىن،
يازدېغىن سۈزۈنە فكر وئرئىدىن.

- ٣ -

بولوتلار

١ بولوتلار، بولوتلار نە گىلدى سىزە،

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۱۸۵ ۶۰

سیزده بو چۆللردن اوسانپسپنېز.

ياغېن، اوئانمايپن، ياغېن دىزە،

بەھەسىز گۈرنەد بۇنو ھە زمان.

بلکە ياغماغېزدان اوئانپسپنېز،

سیزده بو چۆللردن اوسانپسپنېز.

۲ بولوتلار، بولوتلار ھايىاندا قالدىز،

تۈرپاق آلاو چكپەر، تۈرپاق اۋدلانپر.

هارا چكىلىدىنىز، هارا اۋجالدىز،

تۈرپاق دىر بولوتدان، ياغېشى اومان.

آخىي بو تۈرپاق دا، تۈرپاق آدلانپر،

تۈرپاق آلاو چكپەر، تۈرپاق اۋدلانپر.

۳ دىزىين اوستۇندە دالغانلىپرسان،

داها تۈرپاق سنىن نە يىينە گەرك.

ايپك كۆينكلەر، چولغانلىپرسان،

سنە توتقۇنلوغون گۆمۈشلەر دۇغار.

گۈزۈن آغلادقىجا اوزۇن گۆلەجك،

داها تۈرپاق سنىن نە يىينە گەرك.

۴ سن كى دادمايپرسان قورولوق دادىن،

سنە سوسوزلوغون نە آنلامىوار؟

ھله اووجوندادىر سنىن ھە زادىن،

بیر یانپن چیسکین دیر بیر یانپن دومان.

بیر یانپن یاغموردو بیر یانپن دا قار،

سنہ سوسوزلوغون نه آنلامی وار؟

۵ طبیعت قوروودو، یارپاق آغلادی،
سن هله يادلا را آغلا ُمرؤنْتو.

گلمه دین، گلمه دین تۈرپاق آغلادی،

نه سېخىل، نه دارېخ، نه دەكى اوفاتان.

اوئزگە تارىخىنە باغلا ُمرؤنْتو،

سن هله يادلا را آغلا ُمرؤنْتو.

٦. قوشابىتلر

- ١ -

آنا

١ اوشاقلىق چاغلاربىم دوشۇر يادىما،
ايىدىلر اوتوروب فكره دالاندا.
گئىدip سېخپلاردىم آنام قۇينونا،
دنيادا هر زاددان من يۇرولاندا.

٢ ايندىدە دۈيموشام دنيادان آنا،
منه اومىد وئرن اللرىن هانى؟
قۇلاغىبىم سىسىددىر اورەك ھوسدە،
منه لايالى دئين دىللرىن هانى؟

- ٢ -

بىرلىك

١ قوللاربىم پولاددان اولسادا منىم،
يئىنەدە يالقىزام سىنىز گۆزەلىم.
سن يارا بىلىسندە قارانلىقلارى،
يئىنەتك قالارسان منىز گۆزەلىم.

۲ پولاد قوللارپېمېز بىر اولسا بىزىم،
اسارت زنجىرىن، داغىدار - قېرار.
صلحون، عدالتىن قېزېل بايراغىن،
ھۇندۇر ذروهەلدن دالغالاندېرار.

- ۳ -

غم دىنىزى

۱ كۈنلۈندن دئمە بىس بالېق كىچىرمىش،
قالىپىدىپ قويروغۇن بۇز آراسىندا.
زمان چۈخىلارپىنى آسېلى قۇيوب،
ايتىرىپ اىگىرى لە، دۆز آراسىندا.

۲ بو قىدَر تىلسىمە شر قوپارماغا،
اۇرەكلىرى سىخىلىپ بىر قدر يېتىر.
بىلىرسىن بو دىنiz غم دىنىزىدېر،
بالغەن گۆز ياشى دىنىزدە ايتىر.

- ۴ -

گۆزلىرى سنى گۆزلىرى

۱ بىر چاي كىمى آخىدىن اولو درىايىھ قۇوشدون،
درىايى غم اىچىرە بىزى قۇيىدون هارا گىئتدىن.
گۆزلىرى سنى گۆز دۈلۈسو گۈرمەدى گىئتدىن،

سن اوْلمايا بىزدن بئله دۇيدون هارا گىتدىن؟

۲ ال چاتىمادى ھىھات دئدىم؛ «گىتمە آماندېر!»
اىل طايقا غىمىندىن ھامى دىوانەدى گىتمە.
آفاتىپ بۇتۇن مختى هجرىن بۇرۇيوبدور،
سنسىز ئوييمىز گوشەى غەمانەدى گىتمە.

۳ وارلىقدا بو خلقى قۇرودون غىصە و غەمنى،
سن ائللە شادلىق دىلەدەن ھەر دىلەگىنە.
سانما پوزولار خاطەلەرن بۇ محبىت،
ائىللەدە، سنى ساخلاپا جاقدېر اورەگىنە.

- ۵ -

[ترانە]

گۆنش طېيعىتىن، چىچك باھارپىن،
جسارت كىشىنىن نشانەسىدى.
ساحلە قول آچان دالغانپىن سىسى،
طوفانلىپى دريانپىن ترانەسىدى.

- ۶ -

[وطن]

وطن اولادىپىن بۇرجودور آنجاق،

..... قوشما بیتلر ۱۹۰ قR

دشمن قارشپىپىدا طغىان اتسىينلر.

دؤيىش ميدانپىندا ايگىتىلر گرەك،

جانلارپىن وطنە قربان اتسىينلر.

- ٧ -

[قانلىٌ چۈل]

بو چايда ياد سويو آخماسبىن گرەك،

بو گۈيىدە ياد بولۇد شاخماسبىن گرەك.

كىمسە ياد نشانپىن بو قانلىٌ چۈلدە،

يارالىٌ كۆكسۈنە تاخماسبىن گرەك.

- ٨ -

[قورخماز]

وطن ائولادپىنن اوجا قامتىن،

غم - كدر دىكەلەب داغ اولسا يېخماز.

اۆرەكلەرده ياشار ائل وۇرغۇنلارى،

اودوركى ايگىتىلر ائلۋىمدىن قورخماز.

اۆچۈنچۈ بؤلۈم:

"ئڭىزىتىت"

در مرگ نابهنجام و غافل‌کننده‌ی رضا غفاری موجی از تأسف و تأثر بلند شد. به دنبال تشییع جنازه‌ی باشکوه و کم‌نظیری که از او در تبریز به عمل آمد، شاعران و ادبیان برجسته‌ی شهر تأثرات خود را با تشکیل مجالس یادبود و نگارش سوکواره‌ها بر زبان آوردند و به مناسبت چهلم و نیز اولین سالگرد او از سوی نشریات، ویژه‌نامه‌هایی انتشار یافت. در اینجا، برخی از آثار منتشر و منظومی را که در سوک این تندیس متنant و وقار انتشار یافته است، می‌آوریم.

۱. دۆز يازېلار

- ۱ -

بىر خاطره

استاد يحيى شيدا

۱۳۵۴- جو ايلر ايدي كى، شاه اصول ادارهسى، خصوصى اولاراق «ساواك» بن جنایتى، بۇغۇونتوسو و حىدىن آرتىق سىتمى، سبب اولمۇشدوركى، هر سىاسى، ادبى و اجتماعى فعالىيەتلەر و تلاشلار كامالاً گىزلى شكىلده اولسۇن.

ئىلە بىر باخىمدان، بىر عدە ادبىيات سئورە، شعر و صنعتە رغبت گؤسترىنلە، ئىولىدە جلسەلر قوروردولار. البتىدە موقعيتە گۈرە، بىلە جلسەلرده اون نفردن آرتىق ادبىيات وورغۇنو اشتراك ائدە بىلمىردى. چون اعضاء چۈخ اولدوقدا محىطىن امنىيەتىن قۇرۇماق آن چتىن مسالە ايدى.

انجمن اعضاسىنىن اثرلىرىنى من روزنامەدە چاپ ائدىردىم، بىر ايش اونلاربىن تشويق و انكشافپىنا آرتىق ياردىم ئىلە بىيردى. بىرگۈن گنج بىر اوغىلان، روزنامە ادارەسبىنە منى سۇراغلاپىردى. گۈرۈشىدۇك، يازدېغى هجا وزىنندە شعرى، چاپ اوچۇن منه وئىرىدى. اوژۇنە باخدىم اوغانپىردى، حيا ترى اوژۇنە او تورمۇشدو. اونو چۈخ صداقتلى - صىميمى گۈرددۇم. بىر جوان همان رضا غەكارى ايدى. سۇنرا روزنامەدە چاپ گۈرمە گە تئز - تئز گلىرىدى، يازدېغى شعرلىرى اصلاحدان سۇنرا روزنامەدە چاپ ائدىردىم. ياراشىقلى و حىالي اولدوغۇ، منى جلب اىتدى، بىرگۈن اونو مخفى انجمنە آپاردىم، و اورا گلمە گىن اوژۇم تضمىن اىتدىم.

..... تأثرات: دۆز يازپلار ۱۹۴ قى.

غۇفارى بو جلسه لردن چۈخ فايدالاندى، آز مەتىدە سرعتله شعرده انکشاف ائتدى، اوقدەركى، انجمن اۇنو آپارېجى (مجرى) انتخاب ائلهدى. رضا غۇفارى نېن دريا كىمى سىيماسى ظالىرەدە آرام، لەن باطنىدە دالغالى و طوفانلىي اىدى و بو سوئە شەعرلىرى آيدىن آيتدى. غۇفارى ادعا سېز، آز دانېشان بىر شخصىت اىدى. اۇنون سۈزگۈن باخېشلارپىندا، محبّت و صداقت آشار - داشار اىدى.

بىزىم آذربايچاندا، اقتدارلىپى و استعدادلىپى شاعرلەrimiz شعر صنعتىنده، آرتېق «غزل»-ە رغبت گؤستىريلر، و اونلارپىن بىر عدەسى هله دە قدىم شىوهنى بوشلاماپىپ، يئنەدە: آغ بوخاقدان، قاراخالدان، قۆنچا دۇداقدان، شەھلا گۈزىن و ... يازماغا بىر جۆرە عادت كىدەيلەر. لەنڭ غۇفارى نېن غىللەرى، چاغداش غۇلدىر. او اولو اۆستاد شاعرلەrimizden چشىدىلى و دۆرلۈ تأثيرلەر آپىپ كە بئلە نمايش

ائتىيرمك اۋلار:

تېرىزلى حاج رضا صراف دان:
ساوالان تك، بى وطن دۆشمانى قارشىندا، دايىاندور،
گۆزلەيىر ائل سنى، ترپن متىن اوغلان، ماتان اوغلان.

يا، قاراداغلى حكىم نباتى دان:
اۆرەگىمە مىن غىميموار، هله لنگ لنگ،
غىمە اوېغۇن، اۆز دېمەوار هله لنگ لنگ.

يا، شبىسترلى مىزىزە على معجزىن:
يوبانما ساقىقا َقرَقَف گېپى بارى، سنى تارى،
بو سرمىست عاشقى قۇيما هوش آپارى، سنى تارى.

مجموعه اشعار رضا غفاری (دومان) ۱۹۵ ۶۰

یا، تبریزلى حاج ابوالحسن راجی دان:

قوی ائل غمینی چکمهین، آتسین منی غم یوخ،
بو غمله تانپش دېر منه همراز گورۇرمەن.

شاعر عشق دیوانه سی دېر. غفاری دا بو عوامل دن مستثنى دیگیل، بو دیوانه لیگیه

گووهنیر و افتخار لا دئیر:

عاقللر ایچیندە داها باش ساخلاماق اولماز،
بیر زنجیرە کیم، باغلەپ دیوانەدە، من دە.

هامى بىليركى، اولۇم حقدىر، هر گلىشىن بىرگىندېشىوار، لەکن بعضى غافل

جماعت بو حقيقىتى گۈرە - گۈرە، بو گئرچىگى دوييا - دوييا، اوز نفعىن اوەدهمك
اوچۇن خلقە تور - تله قوروركى، مادى ايستەگىنە چاتسپن. بو بىته باخبن:

هامى دىنيادا گۈرۈر يۇخدۇ داياماق اوەمودو،
يئنە هر دئنگەدە قورماقدادى ھركس تله سىن.

غفارى همتى هر اىشده اوزەل و اولو بىلير، او بىليركى گۈركىلى شخصىتلىر،

ھمت كۈلگەسىنده، ال چاتماز مقاملارا چاتىپ دېرلار. و صراحتله بؤيلە دئير:

ھمت لە قويىسان آددىم، ميدانە سۆز بىزىمىدىر،
ميدانە گىردىك آنجاق، ھمت دە قالمبىشقسا.

غفارى، ائل قابقى سى چكىن و وطن دردىن احساس اىدىن شاعر بىز دېر.

اونون اوز سۆزو ايلە، بىزىدە اوز سۆزۈمۈزە سۇن قۇيۇرۇق كى دئير:

شعرىمە وطن دردى گەرك، ائل غمى اولىسون،
درد اولىمسا، شعر اولىسا مطنطن نىھ لازم؟

تبریزین مقدس ادبیات اوچاغپنا باش ساغلېغى

حسن مجیدزاده، (ساوالان)

عزیز دوستلار، قاراداشلار، قلمداشلاربەم

...

سلامْ علیکُم، بىر ئىئرى بلى و بۇش گۈرۈن عزيزيميزين مىليونلارجا انسان
آراسىندا تايى برابرى اولمايان، يئرينى توتابىسى بير ايستكلىميمىز اولمايان، بىر آغىز
اوْزۇنلۇق حادىتهسى بىزى برک سېخىب كىدەرنىدىرىدى. سئويمىلى قارداش و
سنگرداشىمىزىن گۈزلەنيلەنەن الدن گىتىپ حىات و دنياسىنى دەگىمىشىمىسى،
نامىد فلېگىن بىزە قارشى چوخ آجى و آغىز ئەلمۇنۇ ھامىمىز تام وارلىغىمىزلا آغلاڭ
قالدىغىمىزدان بىر— بىرىمېزى قوجاقلاپىپ، ھۆركۈرتۈليلە آغاڭلایاق ھەچ بىر
چارەمېز اولمادېقدان، ال دعاىدە آلالاھدان سىز عزيزلىرىن ھەر تك تكىنه دۆزۈم،
باش ساغلېغى خصوصىلە، عزيز آرخاداشىمىزىن ھۇمتلى عائىلەسىنە، باش
يۈلداشپنا، عزيز يادگارى اوغلۇنا و قېزپنا دۆزۈم و باش ساغلېغى دىلەبىرک. عزيز
قارداشىمىز آقا رضا غەفارى يە اولو تانىرپدان مغفترت دىلەبىرىك، روحو شاد اولسون
قىرى نورلا دۈلسون. قالدى كى، دوستلار من اوْزۇم بىر باش ساغلېغى مكتوبۇنۇ
سىز عزيزلىرە گۈندەرمىكنىسە گالىب سىزلىرە قولوشوب حضوراً اوخوماق يئرينى،
خبرى گەچ اشىيتىدىگىم و برک مريض اولدوغۇمدان بىر مكتوبو يازپرام و
مكتوبۇن اوخوماسىنىن زحمتىنى قارداشلاربەمدان حسن آقا دمیرچى و ياخىلى آقا
خالطا بادى دن رجاء ائديرەم.

مجموعه اشعار رضا غفاری (دومان) ۱۹۷ ۶۰

گؤره ک شعر و ادبیاتپیزېن ان اولو بىلەم آدامى و آغ ساققالى حكيم، فضولى

نه دئير:

مبدأ وجودوموز خالق اکبر،

و عاقبۂ الامر آنا رجوعوموز مقرر.

طالبب ورطەي مصائيدە،

شرف صبر سرافراز ائيلر.

صبر دىر اول محك کي محتنده،

کفر و ايمانى امتياز ائيلر.

آما دوستلار بو يئerde بو ملى عشق اوغرۇندا گئجه – گوندوز چالىشىپ،

يۇرۇلماق بىلەمەين عزيزىمېز آقا رضا غفارىنى گؤره ک اوز دۇغما دىلى، ملى

وارلىغىلە اوز خلوتىنەدە نەلر دانپىشىپ:

بىر محتن ايلە دردىلە ياندېق اىكيمىزىدە،

ياندېق او قىدر ياندېق اوساندېق اىكيمىزىدە.

بىر عمرە كۈنۈل آرزولارىلە ياشادېق بىز،

ايلغىملارى گرچك كىمى ساندېق اىكيمىزىدە.

سۋئز دوشىدۇدە هئچ سۋئيلەمەدىك اوزلۇ گۆمۈزدن،

بىر اوزگە يە آلداندېق، ايناندېق اىكيمىزىدە.

ماوى دنيزىك، دالغانمىزى آلدى دومانلىق،

ساحاللەرە چاتىدېقجا تالاندېق اىكيمىزىدە.

بىز بىر كۆزەدن آيرى آياقلاردا بوشالدېق،

سرخوش الى دىكىچە جالاندېق اىكيمىزدە.

غىرت كۆكۈمۈز ياندى، بىزى يىللەدىلىرده،

اوھامە هۇرۇلدۇك اوجالاندېق اىكيمىزدە.

دۆشكۇن ياشادېق ساختا گۈلۈشلر دۇداغىندا،

نىسگىللى باخېشلاردا، دۇلاندېق اىكيمىزدە.

شاعر، يازبچى، محقق، فولكلورچو، يۈرۈلماق بىلەمەين، چوخ ادبى، نزاكتلى
انسان، ائلىنин و دىلىنин شرف و ملى ناموسونون، وارلىغىنېن كىشىكچىسى،
دورمادان چالىشان، ائلىنин و دۇغما دىلىنин نازك نزاكتلىرىنى گۈزلهين چېغان
بىر عاشيقى، عزيزىمېز على اوغلو رضا غفارىنېن واقتسيز وفاتى اوچۇن، آتا
عائىلەسىنە، اۋزۇنون محترم عائىلەسىنە، دۇستلارپىنا درىن حىن ايلە باش ساغلىغى
ۋئىرير. آللە تبارگ و تعالى دن سئويملى دوستوموز رضا غفارى يە رحمت، ھامى
آدى چىكىلنلەر خصوصىلە ھۇمتلى ئۆمۈر يۈلداشى باجىمېزا و اىكى عزيز
بالالارپىنا دوست و قوهوملارپىنا صىبىر دىلەيەرەك بوردا اوچ اوخشاما، باياتپلا

سۆزۈمە سۇن وئىريرەم:

حىقىن برهانى داغلار،

ائلىن اركانى داغلار.

شاعرلەرن اىچىننە،

رضا مېز ھانى داغلار.

داغلار آى حرم داغلار،

تانرىدان كرم داغلار.

مجموعه اشعار رضا غفاری (دومان) ۱۹۹ ۶۰

رضادان ساری واللاه،

اوره گیم ورهم باغلار.

گۈنلر اۇلدۇ تار بىزە،

فلک داش آتار بىزە.

دئىين نەوار گۈتۈر سن،

رضانى قايtar بىزە.

- ۳ -

هاراي سال قوي بوتون عالم ائشىتىسىن كى وطن ياندى

مهندسى يعقوب تقوى

آذربايجان تورپاغى چىللەنин اوزون گنجەسىنده قارانلىقلارپن قالىنلىغىندا بؤيۈك بىر ايتگى ايلە قىش فصلينه آدېم آتدى.

سحر گۆزلىرىن اوغوشتووردوکى تلفون زنگى آغېر بىر آجينى دامېزدىردى رضا غفارى ائله بىركى ...

اولان اولموشدور اينانماساقدا دەيرلى بىر انسان، سئودالى بىر شاعر، حقىقت جارچىسى بىر يازىچى دنياسىنى دەيىشىدىر.

صمد بەرنىڭىن شاھكارى ياشايىشى سايىلىرىدى، رضا ايچۇن دە بو سۋئ گئچىرىدىر. او دائماً دۇداغىنداكى گۆلۈش لە انسانلارپن اۇرەگىنин قاپىسپن اوزۇنە آچىرىدى، ايناملارىيلا اوزۇنە باغلېرىدى. رضا بىر آراشدېرماجى بىر تارىخچى بىر شاعر كىمى هر ساحىدە آدېم آتىرىدى. هانسىپى يوللا اولورسا اولسون او اوز عشقىن كى وطن، تورپاق، دىل و مدنىت عشقى ايدى آچماق دىلەگىنده ايدى يورولمادان چىرىپىنيردى، يازىردى، ياردابىرىدى، اوئىرەدى.

اونون چېخېشلارپندا اولان نزاكت هر بىر دىنلەيىجىنى اونا سارى چىكىردى.

اونون هر بىتى هر يازىسى اولكە دردى، وطن قايغىسى و ائل شرفى ايدى.

او تفگىر و بىلگىنى اساس تو تاراق. مدنى يوكلەيلىش اوغرۇندا دؤيۈش آپاردى و خلقىن استقامتە و دايائىشمايا چاغېرىپرسادا ذاتپندا اولان متانت، اونو هىچ بىر او نەقدىر قىزقىن مبارزە يە چاغېرىپرسادا ذاتپندا اولان متانت، اونو هىچ بىر زمان چاشدېرمایردى و هر بندىنندە متىنلىك سۈزۈن دئىيردى او «ماتان»

مجموعه اشعار رضا غفاری (دومان) ٢٠١٦٥

سۈزۈنۈن كۈنۈ گرچك تارىخىنده اولان مته خاقانلارдан آلمېشىپر او بو سۆزلە
آتا بابالارپىن اوز ائللرىنە تانپىتىماق اىستەيىردى.

رضانىن شعر اسلوبو ساده لىك اۆزەرە قۇيولموشدور. او خلقين باشا دۆشكەجىگى
روان دىلده يازىرىدى. اونون شعرلىرين اوخويانلار سانكىپى انسانلا قارشى - قارشىپا
دانپىشىپ دۆشكۈنچەسى انساندا اويانپىرىدى:

وسمە اوللام قاشلارپىنا ياخېللام،
سوڭو اوللام چىركىن قىلە تاخېللام.
باخېش اوللام ائل گۈزۈندەن باخېللام،
گۈزەللىرىن دىارپىنا سئوگىلىم.

او بئىبىك انسان ارمدى شاعر و يازىچى لار بىزىپن اوجاقدا فارسجا مقالە و
كتابلارپىنا راست گلنده، ادب لە گىلىپ دېيردى:

كىيم افندوسا، تۈرپاغېنى ئىلىنى،
دۆشمانلارا گىتىپ آچار ئىنى.
ياواش - ياواش دئوندەررلر دىلىنى،
گلمز اۇنون هەچ عارپىنا سئوگىلىم.

أونا ساده بىر يازېچى، شاعر، تدقىقاتچى كىيمى باخماق اولماز. او دۆزەنلى بىر
شىكىلە خلقينىن اىستكلىرىن، گرگىسىنەلرىن باشا دوشوردو.
الىيندهن گىلىگى قدر بىر يۈلە آددىم آتماغا چالپىشىپردى. اونون الله آلدېغى يازىلار،
كتابلار مقالەلر درىن ھەدلەر داشپىرىدى. او آدلار كتايلا گلهجىك نىسلەن آدلارپىن
آرپىنماسىپن، گۈزەللىشىمەسىن، تۈرکىشىمەسىن اىستىرىدى. هەر گۈزۈنە دەين سۆزۈ لغت
اولاراق، آد اولاراق قۇندارماق يۇخ بلکە اورەگە ياتان خلقين مدنىيتىنە و اىستكلىرىنە

..... تأثرات: دۆز يازپلار

باغلاشان سۆز و اساس توتوب تۈرك آدی اوچراق سىچىرىدى. ائله او يۆزدهن ده هر آدلار كتابىن الله آلان حۇمت لە سۇينجىلە قارشىلىرىدى.

او ھېنج نىيى گۆزدهن قاچىرتماق اىستە مىيردى او دۆزگۇن بىلىردى كى جامعەسىن يارپىن قادىنلارپىز تشكىل ائدىر. اونلارپىن امەگى اولماپىنجا گلهجك نسلين يىتىشىمىسى ممکن دىگىلىرى. بونا گۈرەدە تاريخ بويو تۈزلا را بورونموش ديوانلارپى و اونلارپىن يازارلارپىن گزىشىب آختارپىدى. دورت يۆزدهن آرتىق آذربايجان قادىن شاعرلەپىن شعرلىرىنى و تاريخىن اۆزه چىخارماق مقصىدى ايلە «آذربايجان قادىن شاعرلارپى» اثرين توپلاپىب چاپا حاضرلاadi. نە يازبىق كى اۆزه اۆز اثرينىن چاپىن گۈرمەدى. آما او ھىمىشە اۆز اثرلىلە ياد ائدىلەجك و خلقى اونو اونوتىمايا جاقدىپ.

رضا گۈنلۈك ياشايىشىپىن چتىن لىكلەرنە باخما ياراق بۇتون تۈرك ائلينە عايد مجلس لىرde اشتراك ائدىردى و بېغېنچاڭلار زىنت وئريردى. اوشقىكلاسلارىپىندان توتوب ادىي انجمن لىرە قدر فضولى شعر مجلىسىندەن اوچاق قدر اعتبارلى مدنى بېغېنچاڭلاردا اشتراك ائتمەنى اوستۇنە دۆشىن گۈرەوى لايقېنچە داشپىمانى افتخار ساپىردى. رضا قارشىپىندان تۈرەن چتىن لىكلەرى اۆزه گىتىرمەدەن ياشادىي عمرۇنۇن بارلى بەھەللى چاغىي دردلىلە حىاتا گۈز يومدو. لەكن خلقىن اونا وئردىگى دەير اونون تۈرپاغا تاپشىرپىلما مەسىمىنەن بو گۈنە قدر اونون نەقدۈر اورەكلەرde يورد سالدېپىنى آيدىن گۈستەرير. روحۇ شاد، يېلۇ دواملى اولسون.

نیسگیلی اولوم

مهندس اقدسی

من رضا غفاری ایله، رحمتیک دؤكتور نطقى نین تبریزدە کى آغېرلاما
تۇرەنیندە تانپىش اولدوم. داۋانىش لارى منه ائلە چىشىتى دە اۇلوردو کى ائلە بىل
ايلىر دىر بىرلىكىدە ايش آپارېدېق. ھامى لا باخىش لارى گۈلۈمىسىن ايدى.
سېجاق قانلى، مثبت انسان، تام بىر وطن پىرور گۈرۈنۈرددو. آخرى اىچ
باخىمېندان گۈرەرك، كور اوغلو دلى لرى كىمى كۈكىسۇن اونە وئىرېب دوستلارا
باش اىتدىريپ، دۆشمانلارا قارشى، غرور دويور.

رضا غفارىنى چۈخلارى او مرحومون تۆرك آدلار سۈزلۈگۈ عنوانىندا كتاب
ایله تانپىلار. بو كتاب ۱۳۷۷ - نجى ايلده تبرىزدە چاپ اولوب و ۳۰۰۰ نسخە دە
يابىلېپ و ايندى كتاب ساتانلاردا چۈخ نادر حالدا تاپماق اولار. بو كتابدا اوغلان
و قېز آدلارى لاتىن - عرب الفاسىلە يازبىلېپدېر. دئمك اولار کى بو اثر
آذربايچاندا و / بىراندا کى تۆركلرین عائلەلرى کى، اوز بالالاربىنا، دۆغۇما آنا
دىلىمىزه آد قۇيماق اىستىدىلر و اىستىرلەرنىڭ دۆيۈنلىرىن آچىدىپ. البتە بوندان
قاپاق بعضى تۆرك دىلىنinde سۈزلۈكلىر او جملەدن بەزادى و باشقالارپىن
اثىلرى بىر قايناق اولاراق استفادە اۇلۇنوردۇ لەن مرحوم غفارىنىپن بو اثرى
سادە جە اوغلان و قىز آدلارپىنە عايد اولدوغو اوچۇن، آنا، آتالار اوز اوشاقلاربىنا
آدى سىچىمك و اونون بارهسىنده عائلە اىچىننە نىچە گۈنلەر فىكىلىشىپ و قرارا
گلىرىدىلر. ۱۳۷۷ نجى ايلدىن بىرى دوست - تانپىش، اوزاقدا ياشايان قوهوملار و

..... تأثرات: دۆز يازپلار QR ٢٠٤

هابئله ايراندان خارجده ياشاييان بعضى آذربايجانلى لار، مكتوب و يا تلفن واسطه سيله، اوشاقلارپنا آدي وئرمك مصلحت ائندىدە، اونلارا رضا غفارى نېن اثرينى تانىپىرىدىق و اونلار اوچۇن آلېب و بو كتابى گۈندەردىك. دئمك بعضى اثرلر قيسا زماندا اوز فايдалىي تأثيرپنى گۈستەرىپ و الدەن - الله گزىر.

مرحوم غفارى گنج اولدوغونا باخماياراق چۈخلى مقالە و شعر، اورمىيە، تبرىز، مشكين شهر، اردبيل، زنگان و تهراندا يايپلان قىزەت و مجلەلرده يازىپ و اوخويانلار اونون گۆزەل ادبى سىكى ايلە تانىش اولوبلار. او مرحومون بؤيۈك اثرلرینى دە توپلايىپ و چاپا حاضرلامېشدى، تأسىفلر اولسون مادى امکانى اولىماماغى اوچۇن چاپ ائتدىرە بىلمە يىب.

- ۵ -

وطن باشین ساغ اولسون

بهروز ایمانی

آذربایجانمیزدا و تبریزین ادبیات دنیاسپنا آغېر ایتكى باش وئردى.
یازبچى شاعر رضا غفاری گۆزلەنیلمز بیر حالدا، اورتامیزدان يۇخ اولاراق
عائەلەسینى و بۆتون ادبى دوستلاربىنى آغېر و اوْزۇن تۇلۇ ماتم ایچەرىسىنده قۇيوب
گىتتى.

اونون بۆتون وارلىغى ائل قايغىسنا و دردینه حصر اولونموشدور. بلکەدە اونو
آياقدان سالان، اوْز يوردونون دردی غمى اوْلموشدور.
رضا غفارى، آذربایجان ادبیاتى ساحەسىنندە چالپىشماقдан يورولمازدى. اونون
تۈرك آدلار سۆزلىيچى آدلې كتابى، بىر چۈخ يازبچى و تدقىقاتچى با اۇرنك كىمى
استفادە اولۇنور.

چاپا حاضرلا دېپى آذربایجان قادىن شاعرەلرى آدلې اثرى مكمل و عىن حالدا
ماراقلى بىر ايش كىمى قىمتله نه بىلر.
آذربایجاندا فعالىت گۆستەرن روزنامە و مجلەلریندە اونون بىر چۈخ مقالەلرى
چېخىمپىشىدیر.

من اوْز نوبەمە بو آغېر ايتگىنى ادبیات دنیامېزا آجى اوْرەك لە باش ساغلىغى
وئریب و اوْز دويغومو ايسە شعر ايلە بىيان ائىدیرم:

ترک انتدین وطنى آغلار گۆزىلە،
آغلادىن، آغلادېق، وطن آغلادى.
كۈنلۈمۈز دردلەرە توش گلن زمان،

..... تأثرات: دۆز يازپلار QR ٢٠٦

آغلادېن، آغلادېق، وطن آغلادې.

غىملە قورقۇد دده كۆكىله يېر سازېن،
اوزانلار بو دردە قوشار آوازېن.
گۈرەندە بولبۇلۇن گۈل چىكىرى نازېن،
آغلادېن، آغلادېق، وطن آغلادې،
اي آغلادېن، آغلادېق، وطن آغلادې.

ايىيىدلەر سارسېلىماز درد گۈز گلنده،
بونا اينامېشىدېن بىلىرىم سىنده.
ائلىمىي يوردو مو غىلى گۈرنە،
آغلادېق، آغلادېق، وطن آغلادې.

ايىيىدلەر سارسېلىماز درد گۈز گلنده،
بونا اينامېشىدېن بىلىرىم سىنده.
ائلىمىي يوردو مو غىلى گۈرنە،
آغلادېن، آغلادېق، وطن آغلادې.

اۋلۇم اۋلمك دئىكىل، هر بىر انسانا،
اوغلون ايتىرەندە اىستكلى آنا.
باشون ساغ اوْل دئسە آذربايجان،
آغلادېن، آغلادېق، وطن آغلادې.

- ٦ -

رضا غفاری بیر خزینه ایدی کی تؤپراق آلتپندا گیزلندي

حاج موسى هريسي نژاد

قدیم شهrlرده آز چوخ قصبه لرده اوّزلىكىله كندلرده مكتبلر قورو لاردى، ائو باشى درس اوخويان يوخودو. اوسته يۆز اوشاقدان بيرى مكتب شاگىرى دى اولا بىلمىزدى. اوّدا، ايل به ايل الڭ غربىلەنردى، النها يه يۆزدە بىرى قالاردى كى تحصىلاتپىنا دوام وئرەردى. بونلاردا سير سلوك تحصىل علمى مراحل طى آئىندە منزل لرده تۈكۈلۈپ قالىپ آزاراغى سرمنزل مقصودە چاتاردى. آدلارپىنا علماء اطلاق اوْلوناردى. يازىچى، شاعرەدە همین بو عالم لرده اوّلاردى. اللرىندهن چىخان كتاب ادبىيات ساحەسىنده اوْزۇنە يېر آچاردى. يازىچى لېق، شاعرلىك مقررات اوستۇنده برقرار ايدى. نئجه كى بىرى طب علمى اوخوماسىيىدى حكيم اولانمازپى، فقه علمىنده متىحر اوْلماسىيىدى اجتهادى ثابت اولمازپى، ادبىياتدا لازم اولان علملىرى اوپىرنەمىسىيىدى يازىچى و شاعرلىك مىدى دؤشۈنە تاخانمازپى، مصحفى چىخان يئرىشى يئرىمۇزدى، هاتنى، عبد الرحمن جامى نېن باجىسىپى اوغلو بؤيۈك عالم لردىنلىرى. جامى دە تقاضا ائلەدن شعر يازسىن، دئىدى فردوسى نېن:

درختى كە تلخ است وى را سرۋىت،

شعرىنە نظيرە يازا بىلسىن مجازسان او "اگر زاغ عنبر سرۋىت" ئى يازدى تا
جازەلندى شعر يازسىن.

دؤورانین دؤوري مىتهى اولوب بو زماناکى يوزده هشتاده اوشاقلار مدرسه
گۈرۈر دىپلم اولۇنجا تۈرتۈكۈنتى لرى چۈخ اولور دىپلملىرىنده سوداي قدىم مكتب
خانالاردان يارېمچىلىق قاچانلاربىن سودالارپىن تۈپۈغۇننا چىخماز بعضى لرى
علمى جلسەلرده شرکت ائتمىلە و كافى مطالعاتلارى اولماغانلە ئۆزلىرىن بىر
مرحىلە يىتىرىرلەر، حال بوجور اولا معلومات حىكمالا چاتمىياراق، يازبچى لاربىن
و شاعرلارپىن اكترى بو صنفلاردى كى شعر عالمىنە مىسىزدە.

قدىم قىلدان جورىھىك، قالم يونتاماق، قىلدانىن حقاسىنا اىپك تاپىپ سالماق
اونا مرکب تۈركىمك، كاغذ تداركى گۈرمك چۈخ چۈخ چتىنىدىر. آماً ايندى هەرە
لينە بىر خودكار آپىر كاغىزى كى بولدى فنون شعرەدە وارد اولماق مطروح دئىگىل
نرخىن خېر آلاندا يۇخدۇ آرپيا حق و حساب قۇيولموبوب شعر ساحەسىنە نشر
میدانىندا هەر جور آت مىنن آت چاپىر بوسابا ادبىاتدا آپىرى قالمائىپىدە.

شهرىارا با مخربەتى ميراث كەن،
چون كىنم اين آپرى شعر ایران بىرەتە.

بئله كى بىر شرایطىدە بعضى جوان يازبچى و شاعرلەپىز واركى فى المثل
فرلى جوجه كىمىي يومورتادا جوڭگولەيىرلە.
باش تا صبح دولتشىش بىلدە،
كىن هنوز از نتائج سحر است.

بونلارپىن حقىنە مصدق تاپىر. كشاكتش سېك جىدىد و قدىم آراسىندا قالمادا
جوھىلرىن آيدىن لاشىپېرلار.

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۲۰۹ ۶۰

اولکه‌میربیزین گله‌جک ادبیات ساحه‌سی نین سماسی نین پارلاق اولدوزلاری و گولشنى نين چەچە ووران بولبۇل لريدىلر، بونالارپن گۆز قىشىنده قرار تاپانلارپن بيرى ياز فصلى عمرۇنۇن گولشنى نين گۆز سازاغبلا رونقى پوزولان رضا غفارى جنابلارپىرى.

رضا غفارى نين اولومى تۈرك ادبیات ساحه‌سی نين پىكىرىنە بىر ضربە وارد ائديب كى ياراسى ساغالمىياندېر بو جوان شاعرەن ياشايىش لحظاتى حق و حساب اوستە اوز آنادېلىپن ادبیات بازارپن رونق لىنەسىنده صرف اولۇنۇردى، بو گۇنۇن رضا غفارىنى دۆنن كى گۇنۇن رخاسى دىگىلدى علم ساحه‌سىنده هر لحظە علمىن آرتىپىرىدى. بئلە كى بىر حالدا اوت سوروب باخىپىرى. ادبیات ساحه‌سىن اوز بىلدىكلىرىنەن فايىدالاندېرىپىرىدى.

گله‌جكىدە آذربايچان شعر كوشەنин گۈل لىنديره‌جك ايدى اولكەسىنە خادم اولماغا استعداد فطرىسى وارپىدى. رضا غفارى شعر ساحه‌سىنە بىر خزىنە ايدى كى تۈپرەق آلتىندا گىزلىنى.

اونون تۈركى غزل لىرينىن هەرسى نين بىر عالمى وار، تعلق نين أعرف العارفين و الواصلين بؤيۈك فضولى يە افراطى حالدا اولماسى و اونون آثارپن تفسىر جلساتىنە شرکت ائتمەسى، روھىسىنە اثر قۇيىمۇشدو. سانكى سئوپىرىدى فضولى مكتبى نين سبكى نين دالىنجا سئورۇن لىردن اولا و سئورۇن دۆدە و سئورۇن نەمىن نين اثر وضعىسى آثارپن گۈرسەنيردى. اوزى اوخوياندا كلامى نين لطافتى داها آرتىق لطيف لەتىردى. قيافەسى شاعرانە قيافە، باخېشى ماھرانە باخېشدېر. متانتى دانېشىغېندا وقارپن آرتىپىرىدى.

..... تأثرات: دۆز يازپلار QR ٢١٠

آذربایجان ادبیات اوچاغبىندا و آیرى ادبى قوروشلاردا مجرى برنامه اولمادا بنحو أحسن عهده سيندهن گلردى. ادبیات ساحھسىنده هر حىشدن يۇلا ياخېن آدامېدى. احترام متقابل به مثل جامعەلرده اونون عزّتىن آرتىرمىشدى. اللشه ردى حرکت و سکناتپىدان بىرى اينجىمەسىن. تشىيع جنازەسىنىن عظمتى اونون قلبلىرى تسخىر ائلىين محبىتىن دهن حاکى اولاراق، بىر گىزلىن حقىقىتى آيدىن لاشدېرىمىشدى، در عين حال غم و غصە فضانى بۇرۇمۇشدو. دئىيگىم كىمى او هامېلارا مەربىان ايدى أما آتابىندا داها آرتىق اۋلمەمىش كن آناسىنَا گؤستردىيگى اخلاقى اوزرە محبّت سجايىاى اخلاقى سيندهن الهاملانان بىر محبّت ايدىر.

رضا غەفارى ضد اجنبى اولالى، حقيقته و مطلقاً اوز ائل لرينه آرخالانان حالدا ملىيّتى نىن، اولكەسى نىن، دىلى نىن و كىليمىگى نىن، هوّىتى نىن حقيقى و حقوقى مدافعا لرىندىن ايدى. آذربایجان خلقى نىن حىشىتىنە و شخصىتىنە لطمه وارد ائلىين عمله قولۇ و فعلًا مرتتكب اولمازدى. او وطن ابناسىنىن تعليم و تربىيت آرزىسىن قرآن بايراغى آلتىندا آنا دىلى اىلە اوزىلە گۇرا آپاردى. روحى شاد، قىرى منور اولسون.

دیرلیک ایشپقى، علم ايله باشلار و هئچ بير زمان سؤنمز

ق. گول د يكن

حقيقىتاً ياشايىشىن سحرلى بير دۆننگەسى واردېر. ھامى دىيرلر: «اۆزۈندىن يوخارىدا اولانا دېگىل اۆزىندىن آشاغىدا قالانا باخ.»

دۇغرودان دا كىچمىشىدە اولان آتا و بابالار سۆزۆيىمىز تجربىه ايله باشا دۆشىب، و اونو چۈخ قىمت و دىر ايلن سينەدن سينەيە انتقال وئرمىشلىر. گرچى بو آتا سۆزۈنە باختېقىمىزدا كنايىلە و يا دەگىشىك بير معنا آلېرىق. آنجاق بونون درىنلىكىنده داها دەيرلى بير معنا ياتاماقدادېر. تۆركلر اۆز كىچمىشىنە باخدېپىندا، ھمىشە چۈخلى يئىش و يۇخوشلارلا تانپىش اولور. نئجه كى بير زمانلار داھادا ايرەلى گەتمىش و زمان چۈخ گىرده قالان مىللەتلىرىن دە، گىرى دە قالمبىشىپ. بونون علّتلىرىنى سوسىولوگيا (= جامعەشنانسى) باخىمندان اينجەله يېرىك. اىستەر اىستەمز بير آجي و كۈنۈل سېخچى بير حقىقتىلە اۆز اۆزە گلىرىك. چۈنكى تۆركلر درىن و زنگىن تارىخ و كۆلتۈرۈنە رغمًا، سوسىولوگى يۈنۈندىن دوست و دشمنىنى تانپا بىلمەيىپ و هر زمان آچق اۆرەكلى لىگى اونا بير بئۇيۇك چىنلىك و زورلوقلارا مال اولوبىدور. سىاسى حركatalara باخدېقىمىزدا، اۋيانپىش حركatalارپىنا باخدېقىمىزدا، علمى حركatalara باخدېقىمىزدا، گىنە خوش گۈرۈلۈگۈمۈزۈ و هر شئىه ايناندېقىمىزى گۈرۈرۈك.

بو اون سۆزدىن باشلاماقلە، غايىه مقصىدى آچقلاماق اىستەيىرم. /ىران تۆركلىرى كىچمىشىدەن بو گۈنە قدر، يۆتۈن چىنلىكلىرى گۈزە آلاراق، اليندە و داوارجىغىندا اولان هر گۆجو و امكانلارپىنی الله آلب، اۆز وارلېغى و هويتىنى

قۇروماق چاباسىندا اولوب و چالېشىپدىر. بلکەدە صرف بونون اوچۇن آذربايجانلۇلار ايچىنinde، اوئىملى و باجارېقلى يازبچى و شاعىلرېمىز، فقير و عىنىي حالدا اىستكلى و باغېشلايىجاسىندا اولان كىمسەلرده اولوشىبدور. كىچمىشىدن بو گۈنە بىر افق تاماشاسىپ ايلە باخارساق سرابلى حسین آقا، مىرزا على اكىبر صابر، شىرىوانلى حسینقلى، توفارقانلى محمدآغا و بو گۈنكۈ گۈرددۈگۈمۈز و تانپىدېغىمىز: پروفسور محمدزادە، دؤكتۇر زهتابى، قربان شاعر، نخجوانلى نورالدین، ساوالان، هريسى و ... ھامىسى بئله وضعىتىدە ياشايىپ و اۋز قوه و گوجىرىلە آذربايجاننىڭ تارىخ، دىل و ادبىياتپىنى دىرى ساخلايىپلار.

بو آرادا تازا رحمته گىئىن و روحو شاد اولان دوستوموز، رضا غەمارى بىيەدە بئله بىر انسان سايىلپىرىدى، اونو ۱۳۷۲ اينجى ايلىدە دؤكتۇر زهتابى رحمتلىكىين واسىطەسىلە تانپىدېم و ايلك تانپىشلىغىمىزدان بىرى، بىر ياخېنلىق آرامىزدا گىچكىلىشدى. ائلە كى ۱۳۷۴ ايلىنده تۈركىيە كۆلتۈر مركىيندە حاضرلادېغىم يۇنس امرە سمپوزىوموندا اونو بىر چېخىش ايچىن دعوت ائتدىم. اونو ھەنج او قدر باجارېقلى و درىن تدقىقات آپارېجىسى كىمىي اينانمامىشىدېم و يالىز دؤكتۇر زهتابى رحمتلىكىين امرىلە بىر موضوعو حاضرلاماسىنى اىستەميسىدىم. و ائلە بو دۆئىمدىن سۇنرا بىزىم ياخېنلىغىمىز و دوستلوقوموز دوام ائдерك بو گۈنە قىدر سوردۇ و بىر نئچە خارجى سفردە هاماڭىش اولدوق. هر حالدا بىر خاطرهلى دىلە گىتىرمىكلە بىر حقىقتى آچىقلاماق اىستەمەرم:

رضا بىيگ گىچى عالى تحصىلاتا باشارېلىي اولمامېشىدى، آما بىر عالى تحصىل آلان كىمسە دك ساوادىي و باجارېقلى سايىلپىرىدى. اوخودوقو شعرلۇ و متنلىرى ايچىدىن و كۈنۈلدىن اوخويوردو. حتى بىر دفعەسىن ده بىر سفردە برابر اولدوغۇمۇزدا

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۲۱۳ ۶۰

منیم بیر بالا جا قطعه‌می او خودوغوندا، او قدر لذت آلبم کی او زوم او خویورکن
ائله بیر حسسه دوشمه میشیدیم. او هر نده اولسا و هر نیی ده دئیشه، بیر ماھیت
و حقیقتی دگیشمە میشیدی. او آذربایجان دیلی و ادبیاتی ورغونو ایدی و حتی بو
عاشیق وورغونلوقدان دولایی بیر نئچه دفعه سینده منیمده تنقیدلریمی دوست و
قارداش جاسپنا قارشپلاپب و صبر اتمیش و زمان جریان‌ندا مساله‌لرین حل
اولماسپنی ایسته میشیدی و ائله ده اولدی.

اونون ایچین باشلانق‌جدا بیر آتا سۆزۆنۇ گتیریدیم و ایناپرام کی او زوم موزدن
بخاریا با خماقلاء هئچ ده كدرلنمیه يئر يۇخدو. چۈنكى بىزدە هر نده اولماسا، ان
آزپدان بئله بیر انسانلار پېمبىز واردېر و اولاچاق. چۈنكى آذربایجان تۈرك خالقى
او زۆرنى يئىشىتىرمە گىيىلينىڭىنىڭىنى اسىر گەمەمە گىيى، باشقالار بن اوغرۇندادا هر
چىتىنلىكلىرى قبول ائتمە گىيى، هر جوره يارامازلۇغا قاتلانماغانى ئورگەنەپ و
گله جىك ده كىلرە ده اورگە جىكدىر.

سۆزۆمۆ دولورس كانن آدلپى امرىكالى بير بىلگىنин سۆزۆ ايله باشا چاتدىپرماق
ايستەرم. او بئله دئيرىكى: «هر شئى تکامل و گلىشىمە او زرە اولاراق، دە گىشىك
يؤنلە دۆشر. خوش او آدامىن حالىنا كى اونون تکامل و گلىشىمەسى، علم،
مدىنت و انسانىن فخرى اولان ادبىاتلا دەيىشىن.» حقىقتا ده بو يؤنده حرکت
ائىنلەر هئچ بير زمان اوندو دولماز و خاطره لىدن سىلىنمىزلى.

درىن نور ایچيندە ياتسپن و آلاھەن رحمتىنە قووشىسون.

- ۸ -

يئنه آذر، يئنه قولتوقلاردا قالان اللر

رضا عالي

آذر آبىنبن ۱ - يىنده رضا غفارى فانى دنيا ايله وداعلاشىپ ابديتە قوووشدو.
آماً بىر كۈچمك نىسگىلى بىر كۈچۈش اولدو. هامېنى هويوخدوردو، سارسېتىپ.
دۇزدۇركى حۇمتلى يازبچى و تدقىقاتچى محمد على نقابى جنابلارى نېن
مكتوبوندا گلدىگى كىمى: «لۇغۇم دئىيگىمېز تغىيير ماھىت ...»
دئمكدىر آماً آيرېلىق دا، يامان آغېر دردىر.

داشداندا ناله قالخار،

يار - ياردان آيرېلاندا.

آيرېلىق حاققىندا نه يازبلىرسا آز دىر منجه. آماً رضا - نېن آيرېلىماسى باشقان
آيرېلىق لارلا فرقلى ايدى. او گئتمەدەن اۋنجه بؤيۈك بىر سلاحلار
يارارلانمىشىدەر. بو سلاح، «هنر» سلاحى ايدى. ياردېجىلىق عالمىنده بديع ادبى
اثرلرىن يارانماسى ايدى، او كۈچمكىدەن اۋنجه چالپىشقاڭ بىر عسگر كىمى،
وارلىغىنېن، حياتىنېن ان شىرىن لحظەلرىن دوستلارى ايله، عائىلەسى ايله
بىرلىكىدە وطن اوچۇن ياشادى.

دۇكتۆر على شريعتى «در نقد ادب امروز» كتابىندا دئىير: «هنر قالارقېلىقى
فلسفەسى دىر.» رضا غفارى بو فلسفةنى دۇشۇنۇر كن اىستەر شعر، اىستەر نشر
عالمندە اوز بۇرجونو وئریپ ابديتە چاتدى. بلکەدە دئىسک حىدىنەن دە آرتېق
چالپىشدى، سەھو ائتمەميشىك.

مجموعه اشعار رضا غفاری (دومان) ۲۱۵ ۶۰

رضا «آذربایجانپن طنز شعری» مقاله‌سینده‌کی «خط سوم» درگی سینین
بیرینجی نمره‌سینده (ص ۲۸) يازېر:

«... ادبیات، کىچمیشى بىزىلرە و ايندىكى حالى گلچىكىدە كىلرە گؤستەرن
بىر گۆزگۇ كىيمى دىر...»

دۇغۇرۇدان دا بئله‌دیر، شاعر يا خود يازبچى كۈچۈرسە، اۇنون ياراتىدقىي اثرلر
اۇنون نئجه دۆشۈنمه‌سینى، ياشاماسپىنى بىزىلرە گۈستەرىپ اۇنون ياشامپىن
فایدالىي، فایداسېز اولدوغۇنو گۆز اۇنۇنە گىتىرىر. رضا همین مقالەدە باشقادا بىر
يئرده يازېر:

«... ادبیات، حقىقت آيناسى دىر. ادبیات زمانپن نئجه لىيگىنى هارايلايان
بىر سىسى دىر...»

دۇغۇرۇدان دا بئله‌دیر شاعرپىن يازبچى نېن قلمىندهن چېخان گۆللەلر دشمن
اردوسوندا وحشت يارالدىپ كن گاھدان اۇنۇ دىزە چۈكۈردى بىلىر و قالارقېلىق
فلسفەسى ده ائله بوندا خلاصەلىرى.

رضا ادبیات عالمپىنده گۆجلو بىر يازبچى و شاعر ايدى. اجتماعى ياشامپىندا دا
دگىلى بىر انسان، دۆشۈن، ادبىي، ھابئله كمالات صاحبى ايدى. او قىدر ادبىي
كى حتى رضا همرازپىن تعجّبۇنو قازانپى او زمان كى همراز اۇنون جنازە‌سینىن
باشىپ اوستە گىتىرى و اۇنۇ اوزانېقلى گۈرۈر. و دئير من اينانمېرىپ رضا غفارى
دوستلارىپىن يانپىندا اوزانا ياتا.

ھر حالدا شاعرلر دەمیشىكن:

بو دنيا فانى دىر، فانى،

بو دنيادە قالان ھانى؟

آماً حیاتىن يىئىده آردىوار. بو دۇنە رەسانىن يېرە بورا خىدېقى يۈكۈن آغېرىلغى
اونون دوستلارى و اۋزەللىكىلە اوندان يادگار قالان آيدىن لان ئىكارىن چىگىنلىرىندە
آغېرىلىق ئەدىر. بو آرزو اىلن كى اونون يۈلۈنۈن لايق دوامچى لارپىدان اولاق.

... نە بىلىم بلکەدە قىسىت بىلەيمىش،

بو نىسگىل كۈچۈشۈ تارىخە يازاق.

سن كى ياشايىشدىن تۈپراغ عشقىلە،

تۈپراغدا سنىن چون باشداشى قازان.

غملی قیش

اللهيارى

نامرد فلك هر گولو کي چوخ گوزهـل اولسا،
گلزارـي خزان ائـيلـيهـجـكـ، بـيرـ گـولـ آـپـارـسـپـنـ.
چـرـخـينـ روـيـشـينـ سـاـخـلـامـاقـ اوـلمـازـ يـئـيـشـنـ وقتـ،
عادـتـ اـئـلـهـ يـيـبـ، غـنـچـهـ گـتـيـرـسـينـ، گـولـ آـپـارـسـپـنـ.

دي آـيـيـنـ ٣ـ - نـجـوـ گـونـوـ آـذـرـبـايـجـانـبـينـ رـئـالـيـسـتـ، اـنـسـانـپـرـورـ، درـينـ دـويـغـولـوـ،
کـؤـورـهـ کـلـيـ وـ چـالـيـشـقـانـ شـاعـرـ وـ يـازـبـچـسـيـ، دـاهـاـ دـۇـغـرـوـسـوـ اـئـلـيمـيـزـينـ
جوـمـرـدـ وـ قـهـرـمـانـ اوـغـلـوـ رـخـاـ غـفـارـيـ هـئـچـدـهـ بـئـلـهـ گـۈـزـلـەـنـىـلـمـزـ بـيرـ چـاغـداـ (اوـرـهـ کـ)
سـكـتـهـسـىـ) اـيـلـهـ آـنـسـېـزـجـاسـپـنـاـ بوـ، اوـزـۆـ سـوـيـوقـ دـىـنـيـادـانـ کـۈـچـدـوـ. آـيـدـىـنـ فـكـرـ، درـينـ
دـۇـيـغـولـوـ وـ شـيـرـيـنـ سـوـزـلـوـ شـاعـرـيـمـيـزـينـ آـجـيـنـاـجـاـقـلـيـ اوـلـوـمـوـ اـيـلـهـ آـذـرـبـايـجـانـبـىـزـينـ
ادـبـيـاتـ سـمـاسـيـ يـاسـاـ باـتـدـيـ. آـماـنسـېـزـ اوـلـوـمـ، اوـزـ قـارـاـ جـايـنـاغـيـ اـيـلـهـ عـصـرـيـمـيـزـينـ انـ
سـئـوـيـمـلىـ مـهـرـبـانـ، اـدـبـلىـ، كـمـالـلىـ، فـداـكـارـ، گـۈـونـمـهـلـىـ وـ فـرـهـنـگـيـمـيـزـ، کـۈـلتـۆـرـمـؤـزـوـ
آنـاـدـېـلـېـمـىـزـ انـكـشـافـيـ يـۈـلـونـدـاـ عـزـيزـ جـانـبـندـانـ ماـيـاـ قـويـانـ اوـغـولـلـارـيـ نـيـنـ بـيرـىـسـىـ نـيـنـ
عـمـرـ دـفـتـرـيـنـىـ بـوـكـوبـ، باـغـلاـدـيـ.

اـولـوـ شـهـرـيـارـ دـئـمـيـشـكـنـ:

يـامـانـ يـئـرـدـهـ گـونـ باـتـدـيـ آـخـشـامـ اـولـدـوـ،
دـىـنـياـ بـيـزـهـ خـرـابـهـ شـامـ اـولـدـوـ.

قارغىنېش قىشىن ال - اياق تۆكۈب، اوْز قېزاردان سازاغى ادب باغىمېزىن ان دەيرلى، يام ياراشقلى، گۆزەل گۆيچك و عطىر قوخولو چىچەينى قېنىدا سۇلدۇرۇب، قاسېرغا لارا تاپىشىرىدى.

الله، الله نه يامان وقتا خزانلاشدى باعېم،
نەدە، سىن سىزجە خىال او كىانپىنا دالدى پايپىز.

قضا و قدرىن اودومسوز و آمانسىز الى گۆلشەنەيمىزى پوزوب، تارلامېزى
يغمالادى و سۆز - سۆيلو بولبۇلەمۇزۇ بىزدن آيېردى.

يارى كاش گۆرمە يەيدىم،
وصلى خوش گۆرمە يەيدىم.
اۋلەيدىم ياردان قاباق،
يئرین بوش گۆرمە يەيدىم.

سۆز يوخ كى، بۇتۇن يارانمىشلار ايستەر گئچ، ايستەرسەدە تئز، بىر گۇن
اۋلمەلى و دنياسېنى دەيىشىمەلى دېرلەر، آنجاق رەضانىن اولۇمۇ چۇخ تئز و واقتىسىز
اولدو، بونا گۆرە ايسە، ايستى قانلى، مەھربان و ادب سئورە ئىللەرى بو آغبر و
گۆينەدېجى نىسگىلى ھەچ وقت اورە كلىرىدىن چېخارا بىلمىزلىر.

پروفسور بىيگىلى، رحمتلىك على كمالى نېن ياس تۈرەنинىدە دەميشكىن:
«آخى او هله اۇزۇن اىللەر بويو ياشاپىپ، يارپىپ، ياردىپىرىدى. اۋلەكەسىنە و
خالقىنا خەمتلەر ائدە بىلىرىدى.»

چۇخ چتىن كى، روزگارپىن آناسىپ بىر داھا غەفارى نېن تايپىنى دوغا بىلە.
مولوى دەميشكىن:

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۲۱۹ ۶۰

پرتو خورشید بر همه یکسان بتأفت،
سنگ به یک نوع نیست، تا همه گوهر شود.

و یا، شیرازلی حافظ دئمیش:
گوهر پاک بباید که شود قابل فیض،
ورنه، هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود.

دئمک، بو گون بیر ائشسیز دُر، مرجان و پارلاق گوهریمیزی یعنی: رضا میزی ایتیرمیشیک. او با جارېقلی، یورو لمادان گئجه - گوندوز چال بشان، درین دوشونجه ایله یازېب - یارادان ائله جهد، قوت سال قلمینی ظالم لره قارشی او دلو سلاحا دؤنده رن یازېچی و شاعر کەشكشان بیمیزدان کؤچن کروانلارا قوشولوب، دوستلار بني، بیر يولوقلا دئسک عزیز اللربى آغېر ماتمه با تپرا راق، او ره کلربى داغلادي و گۆز ياشلار بني آلقانا دؤنده ریب، سارسپتى.

او، رحمتلىك ایله منیم ایلک گۈرۈشۈم تبرىز ده، با جارېقلی آپارېچى علي رضا طاهرى جنابلارى نېن تو سطى ایله اجرا او لونان ادبى محفل برنامه سیندە اولدو. بو برنامه نېن وئريليشى هر هفته چىشىنە خاشامى ساعات دوقۇزدا طاهرى جنابلارى نېن باشلانغىچى ایله باشلانار، آذربايچان نېن كىچمېش عالم، شاعر و هنرمندلرى يىدىن بىرىسى نىن بىوگرافى و يارادې جىلىغىندان سۆز آچاركىن، برنامه ده حاضر او لان چاغداش شاعرلار دن نوبتى او زرە چېخپىش ائده دىيلر. فارس لار دئمیشکن: «يادش بخیر.»

او گونکۇ برنامه ده حضورو او لان شاعرلار، آغا لار او ستاد نظمى، محمد رنجى، پاشائى، صدر محمدى و رحمتلىك رضا غفارى جنابلارى ايدى لر. آدلار بني

..... تأثرات: دۆز يازپلار QR ٢٢٠

چىدىگىم شاعرلر اۆز يازدېغلارىپى احساسلى شعرلىنى سېرا ايله اوخوبوب،
چېخېش نوبتى معصوم و مەربان باخېشلىپى شاعر غۇفارى يە چاتاندېقدا، طاھرى
جنابلارىپى اوندان، اۆزۈنۈ ھۇرتىلى دىللەيىنچى لە تانپىتىپرماغىنىپى رجا ائتدى. او
دئدى:

«اولۇ تانرىپىن گۆزەل و اورە گىه ياتپىم آدى و يادى ايله.

منىم آدېم رضا و سۇئى آدېم ايسە غۇفارى دېر، چوخ عندر دىلەيىرەم كى
ھۇرتىلى و عزيز اۆستادلاربىن حضوروندا چېخېش ائدیرەم، آنجاق بونلاربىن
اجازەسىپى ايله، مايل افلىسانىپى بىر غزل اوخويىارام. آپارېجىپ: خواهش
ائدىرەم، بويوراسېپىنپىز.

ائتىدېگىز عەھەدە وفا ائيلەمە يىندە تله سىين،

گۆزتىكىپ يۇخسا اجل بىزلىرى دە چۈمچەلەسىن.

بو آغاجدا قالا بىلمىر، يەتىشىنلر توکولۇر،

ھر يىتنىنە چالپىشىپ بىر آغاجى سىلكەلەسىن.

ھر گلن يوچۇ دوروب، ھندەوھەر دويدوقجا،

دوشۇنور آزجا، دايامپىر، يىنە باغلىپ شلەسىن.

ھامىپ دىنيادە گۈرۈر يۇخدۇ دايامقاپ اوەمودو،

يىنە ھر دۇنگەدە قورماقدادىپ ھر كىن تله سىين.

آلچاق انسان آراپىرسا اوجا يېر قىسى دە بودور،

باشپىنا توپراڭىپ آنجاق اوجا يېردىن الله سىين.

قوج اىيدىن قارا توپراق اوجا گۇرسىن سە گرەك،

آنا ساچلاربىنىپ يولدۇقدا، گلەنلر ملەسىن.

كىم افلا واي خېرىن يعقوبا چاتىپرماق اۆچۈن،

مجموعه اشعار رضا غفاری (دومان) ٢٢١ ٦٥

يوسيفين كويته يين آلقانه گره كدير بله سين.

دنيانپن ائل هامي واقفدى بو بشش گۈنلۈپۈنه،

آما حاق سۆز يئنه خلقين آپارپر حوصله سين.»

آلچاق كۈنۈلۈ، نجيب شاعرين شعرى نين دولغۇنلۇغو ھله قالسپن، اونون اوّرەيە ياتپىم، رىتىمىلى سسى و شىرىن دىلى و ھابئلە گۈزەل لحن ايلە دىكىلە مەسى، چئورە سىنده اىگىلەشن شاعر و آپاربىچىدا سۇنسوز ھىجان ياراداركىن، اوخدوغو شعرين ھر بىتى نين تىكارالانما سېنى رجا ئىدىدىلر.

يئرى گىلىشىكىن، دئمەلىيگىم كى، او خىرخواه، تواضعكار و ائل قايغىسىنى چكى شاعر و يازبىچى نېن تأسىلى اوئلەم مناسېتىنە، ادبى يېنىجاق و انجمانلىرىن طرفىندىن خاطره مراسمى و ياس تؤرەنى تو تولماسى گۈزلەنيلير. من، بو كدرلى و آجيماجا قالى گۈزلەنيلە يىن ايتگىنى بۇتۇن آزىز بايجان يازبىچى، شاعر، صنعتكارلارى اوزەللىك لە او مرحومون سايقېلى عائىلە سىنە باش ساغلىقى وئرىب، اولو تانرى دان داهى شاعرى يىزە باغىش دىلە يىرم. روحۇ شاد، و مزارى نورلو اولسون.

- ۱۰ -

آذربایجانین ایگید اوغلو رضا غفارىدان بير خاطره

على خالط آبادى

اوزون ايللر بويو، درين اينام و صداقتله ائليميزين زنگين مدنىتى يېلوندا يۈرۈلمادان چالپشان، آذربایجانىن غيرتلى و شرافتلى اوغلو رضا غفارى دنياسىن دەيىشىب و ابديتىه قفوشدو. بو آجي، اوّرهك ياندېرىجى و اينانپلماز خبرى هر كىم اشىيدىردى، قبول اىدە بىلەمەيىب اوز - اوزونه دئىيردى:

«بو اولا بىلمىز، نىجهكى، بو جاوان، چالپشقا، ساغلام دورومدا اولا - اولا
بىردىن بىرە آيرېلىق شىرتىنى اىچە و بىزلىرى بىلە ياندېرا؟»

بونا امينم و اوّرهكىن اينانپرام كى، رضانىن جسمى بىزدىن آيرېلسادا، افون سئوگى، محبّتى و دوستلوغو و ائلينىن، ديلينىن و مدنىتىنىن قايىغي كىشىلىگى هئچ زمان اوّرهكلىريمىزدىن چېخمايىب و اوندولماياجاق دېر.

رضانىن ياخىن دوستلارى توپلانىب بو قرارا گلدىلىرى اونون حقىنده سؤيلەن شعرلر و خاطرەلرى توپلايىب جزوھ شكلينىدە چاپ اوّلوب و قېرخىندا پايانلىسىن. اونا گئورە من دە اوندان يۆزلى خاطرەدن بىر خاطره كى منه چۇخ اونملى دىر قىد ائدىرم.

رضا ايله منيم آرامىزدا ايller ائنچەدن سېخ دوستلوق و محبّتوار ايدى. چۇخ گۈنلرى بىرلىكده كىچىرەدىك. ۱۳۷۶ - نجى ايلده منى اوّرهك آغرىسى ياخالادى. نىچە دؤكىتىرا گئتىدىكىن سۇنرا قرار بونا گلىنىدى كى منيم اوّرهكىم جراحلېق اشتمك گرەكلى دىر.

دؤكتور جواد هيئت جنابلاري و حسن مجیدزاده (ساوالان) جنابلاري منه
چوخ ده گيرلى و ياددان چيخماز ياردېم ائديب بويوردولار «بو ايش تهراندا
اولمالىي دېر» هر حالدا من حاضرلاندىم کي بير - ايکى نفر ياخىن آداملارملا
تهرانا گئتم. بير نئچە نفر دوستلارдан و اقربالاردان منيم گۈرۈشۈمە گلدىلر رضا
غفارىدا گلدى هامېسى بير نئچە ساھاتدان سۇنرا گىتتىلر. يالپىز رضا قالدى.
گۆلە - گۆلە دئىيم: «آقا رضا سن گىتمىيە جىكسن؟»

بويوردولار: «يۇخ من دە سىز ايلە بىرلىكده تهرانا گله جەيم،»

دئىيم: «اولا بىلمىز، سىنىن ايشىن گۈچۈن يۇخدورمى؟»

دئىي: «من ايش يېرىدىن مرخصى آلمېشام و سىز ايلە گلمە بىم گرە كلى دىر،»
صبح ماشىن ايلە يۇلا دۇشىدۇك و ناهارдан سۇنرا يېتىشىب دايىم ئوينە
گىدېيىپ و اورادا استراحت اتتىدىك. صباح خستە خانايا گىدېيىپ و منى ياتپىتىلار.
او گۆن نئچە قوهوملار و دوستلار و حسن مجیدزاده جنابلاري گلىب و منى
گۈرددۈلر. بير گۆن سۇنرا منيم اوره گىيمى جراحلېق اتتىلر، او زمان کى بير آز
هوشا گلىب و گۈزلىرىمى آچدىم، نئچە نفر قوهوم و دوستلارپىن آراسپىندا
رحمتلىك رضانىن گۆزەل سىماماسپىندا شادىق و دوداقلارپىندا گۆلۈش گۈرددۈم.
منى استراحت بۇلۇمۇنە گىيرىدىلر، اورايىا گىيرنە گۈرددۈم منيم تختىمین اۆستۈنە
بىر بؤيۈك و گۈزلەن گۆل چىنگى قۇيوب.

قوهوملاردان، دوستلارдан و دايىم اوغلانلارى ايستەدىلر خستە خانادا
قالسپىنلار و منيم دورومومو گۆز آلتىنا آلىسپىنلار. اما بى عزيز، بؤيۈك انسان سئور
دوستوم رضا غفارى هەنج كىمى قويىمادى اوردا قالسپىنلار و بويوردۇ:

..... تأثرات: دۆز يازپلار

«هنج کيم بوردا قالماسپن، من اۋۇرۇم گىچە و گۈندۈز خستە خانادا

دۇستومون تختى نىن كىنارىنىدا قالا جاغام.»

بو ھۇمتلى و اىستكلى دۇستوم نىچە گىچە و گۈندۈز اورادا قالدى. چۈن من خستە خانادان چېخاندان سۇنرا استراحت اوچۇن آزى اون بئش گۈندە تهراندا قالمالىي ايدىم. اونا گۈرە رضادان رجاء ائتدىم: «كى سىن تېرىزە گىشت.» و اودا تېرىزە قاپىتىدى.

البته بونودا قىد ائتمەلىيم كى، من تېرىزە گلندن سۇنرا بىلدىم كى، تهرانا گىتمەمىشىدىن نىچە گۈن قابان «آذربايجان مەنیت اوچاغى»نى دۇلاندېران دۇستلار بىر گۈن بىر ئىردە بېغلىب و هر جۇرە لازم افغان ياردېما حاضرلۇقلارپىن بىلدىرىپ و تصميم توپوللاركى، بىر نفر اوچاق ورىندىن من ايلە تهرانا گلىسىن. رحمتلىك رضا غۇفارى كۈنلۈلۈ اولاق حاضرلۇقلىرىن بىلدىر.

سون گۈرۈش خاطرهسى

رضا همراز

رحمتلى رضا غفارى ايله دۇستلوغوم ان آزى ۱۶ - ۱۵ ايل بوندان اونجىھىيە قايدىپەر. او زامانلار بىز ھەفتە تېرىزىدە قوروغان تربىت كتابخانا سىنин يېرىنinde كى ادبى درنگىنinin نىچە دئىيرلر زوارلارپىندان ايدىق. بو درنگىدەن تربىيە تاپان شاعىلر بو گۈن اۆزلىرىنە گۈرە آدسان صاحبىي اولموشلار.

بىزىم دۇستلوغوموز منىم عسکر پالتارىي گئىمەيىمە گۈرە اىكى ايل ظاهردە قېرپىسادا سۇنراalar يئنە، يئنى دن باشلاندى. بو دئونە اول كى لىردىن فرقلى اوڭلاراق بىزىم علاقەلىرىمىز چون مەحڪىم لشمىشىدى. من يازىزدقلارىمۇپ اۇنا گۈستەرىپ اويازىزدقلارىن ايسە منه گۈستەردى. آى دۇلۇندى، گۈن دۇلۇندى من. مەندىس محدث و مەندىس بەهزاد آزرمى ايله اوچوموزون فىكر داشلىغىمۇپلا بىر توڭىجە درس كىلاسى قورا بىلدىك. بو كىلاسىن معلمىي بؤيۈك عالم و بىلگىن ادىب رحمتلى پروفېسور زەتايىي ايدى. حلە بئش - آلتى آى كىچىمەدن رضا غفارى نىندا بو كىلاسلا قاتىلماغىن من نىسگىل ئىللەدىم.

سون دفعە او رحمتلى ايله جوما گونو ۸۱/۹/۲۹ ده تىلەتون واسطەسى ايله دانېشىپ حالىن خبر آلدىم. او ھەمەشە كىسى كىمىي كىفى ساز گۈرۈنۈرددۇ. اۇنا دئىدىم «آواى اردبىل» دەكى شرح حالىوين كۇپۇسون ھاچان دئىيرىن گۈرۈشۈپ تقدىيم اندىم. آمما تعجىب اوزەگى ھەمەشە دئىيردى اۇلسون سىز واخت قويون بو دئونە «وآللاھ گرفتارام - ايشەدە گىتمىرەم بىر اىكى گۈن دۆزمن زىنگ آچارام

سېزه» دئىه من له خدا حافظ ئاشىدик. شانسىدان نه ايسە من اصلا سوروشما بىلمەدىم كى آى بالا او لماسپىن آزار نه گرفتارى سان. سحرىسى دوستلارдан بىر زىنگ اندىب دئى فلانى بو گۇن آخشام آقاي غفارى گىله گىتمەلى يىك؟

- نىچۇن

- بىلمىرسن مىرى

- نەيى؟

- او كيف سىزدىر

- عجب!

من آخشام اونونلا دانپىشىرىدىم او بىر سۆز دئمەدى

- دا ايندى دئىيە - دئمەيە وارسان يا يۇخ

- طبىعى دىركى وارام

و او گۇن ايش دن چىخاندان سۇنرا هامان دۇستومون دكانپىنا گىدىب بىر آز او توراندان سۇنرا من حالپىن طبىعى گۈرمەدىم و نئچە دېقە سۇنرا اونون واختسىز او لۇم خېرىن آلدېم. منيم اوچۇن چوخ چتىن ايدى. گۈزلەيم سولانىپ. باشپىم گىچەلدى. دۆزۈم سۆزلۈك ائتدىم. آمما بو ايش ده دۆزۈم سۆزلۈك نە گەرەك! سحرىسى باشقۇا قىلداشلارلا تېرىزىن شىمس خستە خانا سينا گىدىب بىر ساھاتدان سۇنرا اونلارلا من سون گۈرۈشۈدۈ ائتدىم. اونون ھەمەشە كى كىمى گۈلۈش قونچاسى دوداقلارپىدا ايدى آمما حلە ايندى يە كىمى گۈرمەمېشدىم كى او گۈزۈ بومولو. بويىنۇ چىنинىدە اولا و اوندان داھا تعجىبلو سوپىوكى دوستلار ايچىرە يېرە اوزانما.

۲. شعرلر

- ۱ -

افسانه‌ی رضا

عباس سهرابی (شاهین)

اولموش افسوس بیر افسانه رضا،

عشق شهریندەکی دیوانه رضا.

باتدی اولدوز کیمی يلدا گئجه‌سی،

سوّردو یول جانب جانانه رضا.

سوّندو بیر شمع سایاق دان سؤکۆلر،

معرفت شمعینه پروانه رضا.

تپه‌دن دېرناغا بیر پارچا ادب،

دەلی دریاداکی دردانه رضا.

باخ نئجه ایچمیش اجل شربتینی،

بادھی عشق ایله مستانه رضا.

زۆلف جاناندا پریشان دۈلانان،

الدە آوارە قېزېل شانه رضا.

گؤئیه اغیار اتكىنەن سپىلەن،

يئرده گىزلىن گؤيەرن دانه رضا.
 كوچھى عشقده اسروك دۇلانان،
 سانكى بىر عاشق بىگانه رضا.
 كۈنلۈنە غم دۇلاراق جۆشمۈش آخان،
 بۇشالان بىر دۇلو پىمانه رضا.
 دۇلاناردېك ياخالاتمېش دەلى تك،
 قالان حسرتىدەكى مىخانه رضا.
 ائتمەدى كىمسە مرمەت اوْرەگىن،
 هله قالماش بئله ويرانه رضا.
 حىيف اولسون كى داها وورماياجاق،
 شانه بو زۆلە پريشانه رضا.
 «نگارى»، «آيدېنى» آغلار قۇياراق،
 قبلدى گۆلخانەنى غەمانە رضا.
 دان چاغىي آچدى قاناد ماوى گؤيە،
 قوردو افسانەدە كاشانە رضا.
 قېرخ اوج ايل ئىللەر «جان! جان!» دئىەرك،
 وئردى جان، باخ نىتجە جانانە رضا.
 دۈزدۈ مشكىل لەرە هەنج اوخ دئمەدن،
 اوخلارا جان دئى مردانە رضا.
 بىر عۆمۈر آغلاسا شاھين يېرى وار،
 اولمۇش افسوس بىر افسانە رضا.

- ۲ -

آیرېلېق

رقیه علیقلیان (الله)

آیرېلېق کلمەسى يادا دۆشىنده،
كۈنۈلە غىصەلى غم اوخون تاخىر.
ياندېرىپ گۇئىنەدىر انساننىن قلىين،
آلېشان اوّرهەگى ياندېرىپ ياخىر.

اوکى دۈيىمامبىشىدى باالاربىندان،
اجل جامپىن آلبىز زور ايلە ايچدى.
خلقە محبىتى يوردونا عشقى،
گلهجك ائللەرە آيدىن يول بىچدى.

أۈلۈمۈر آيرېرىپ قارداش باجىنپى،
آتانپىن آتانپىن بىلەنى بوكور.
آيرېلېق اونودور گۈلۈشۈ گۆزدن،
سوپىوق مزار اوستە ايستى ياش تۈكۈر.

نهقدەر اوزاغا گئتسەنیز بىزىن،
اوّرەكلر چىرىپىنib سىزلىرى سىسلىر.
يولارپىن آلقېشلار آسلام ائللەرىم،
يوردو موز هر زمان قەرمان بىسلر.

رضا انسانلېقىن بىر جارچىسى تك،
بىرلىگى ائللەر دائم سىسىدى.
انسانا آروزسو شن بىر ياشايىش،
قارا يازى لارى آغ بىر گۇن بىسىدى.

اۋتن گۇن بىر سۇيىوق قارلى هاوادا،
پاك روحو پىرلاپىپ گۈيلەرە اوچدى.
يۇكسلىپ گۈيلەرە آغ گۈورچىن تك،
اوومود منزىلەندىن حىرىتىلە كىچدى.

- ۳ -

رضا گئتدى

بورالى

گۈنشه اينابىرىدى،
قارانلىق دان دارېخېرىدى.

گئجهنى باشا باش گۆزلىرى باخدى،
الىندە فنارى.

قارانلىغى ياخدى،
گزدى هر يانى.

سوراق لاشدى،
تاپدى گۈنшиين ايزلىينى.

سارېدى دوداقلارپىنى،
بركىتدى ديزلىينى.

گۈنшиين يۈلونا، تىكدى گۆزلىينى،
گۆزلىينى چكىيى يولدا.

گئتدى - گئتدى،
گۆزلردىن ايتدى.

- ٤ -

الوداع

هاراي

سۇن گۈرۈشدن قايداندا،
اۇتن بولود آغلا ياركىن.
محبىتىن سۇن داملاسپن،
سېھەدى يۈللارپنا.
الوداع قارداشىم،
گئىت گۈلە - گۈلە.

سۇن گۈرۈشدن قايداندا،
آغ قانادلىي اوچان بولود.
ساچىلارپنى اۋېھ - اۋېھ،
آلدى تمىز قوللارپنا.
الوداع قارداشىم،
گئىت گۈلە - گۈلە.

سۇن گۈرۈشدن قايداندا،
كدر كۈچدۈ اۆرەگىمە.
شادىلېق قوشو دوداغىمدان،
اوچىدۇ غىملر قوللارپنا.
الوداع قارداشىم،
گئىت گۈلە - گۈلە.

- ۵ -

گۆز ياشلاري باغلادي

مقصود تقىزاده (ھەزىزلى نىسىگىل)

بو نه سىسىدى، بو نه خبر،
دامارلاردا قان دايىاندى.
بو نه درد دى، بو نه كدر،
اورەگىيمىز پارچالاندى.

بىتىشىمەميش يارامباز،
هانسى ئالىم دۆز باغلادى.
دولوخسانمبىش گۆزۈمۈزە،
گۆز ياشلاري بوز باغلادى.

بىر اووچو بىر گۈللە آتدى،
هاوادا سوزدو قورغۇشون.
شعر و صنعت قاتارېندا،
يئرى بۇش قالدى بىر قوشون.

بىر بوداقدان بىر قوش اوچدو،
مین بىر بوداق غىمە دالدى.
دنيادان بىر شاعر كۈچدو،

ادبیات یتیم قالدی.

بو قېش قۆيىمادى گۈن دۆشىسۇن،

بوز باغلامەش جانپېزا.

بو قېش قۆيىمادى قووشىسۇن،

ياز رضا يا، رضا يازا...!

- ۶ -

ياتمېش

عیاس سهراپی (شاھین)

بوردا بیر مهریان جوان ياتمېش،
اورهگى لخته لخته قان ياتمېش.
عُمرۇنۇن يام - ياشېل چاغىندا فلك،
ائله مېش گۆلتىن خزان ياتمېش.
ياشامېش قىرخ اوچ ايل شرافت ايله،
باخ نىجە ايندى ناتوان ياتمېش.
بىر عئمۇر غەملر اوستە غم قالامېش،
نىسگىلى سىنه دە قالان ياتمېش.
اولى دى مىن اوچ يوز هشتاد بىر،
خلقىن گۆز يومار نەھان ياتمېش.
بوردا مرحوم رضاي غفارى،
قارا تۈپرەقدا جاودان ياتمېش.

- ٧ -

بىر گۈورچىن اللريمدن اوچۇبدو

اسماعيل محمدثانى هريس (مدلى)

باغچامېزى يئنه سۇبوق آپاردى،
قېزېل گۆلە بوداغىندان قۇپاردى.
بىر گۈورچىن اللريمدن اوچۇبدو،
دامېمىزدان دار مزارە كۈچۈبدو.
رضا مىزى فلك بىزدن آيېرىدى،
قلېيمىزە هجران داغى قايىرىدى.
ال لريمىز غەفارى دن اوزۇلدۇ.
گۆز ياشېمىز كىرىپىكىلە دۆزۇلدۇ.
گۆزەل لرين گۆزەلە يىدى او عزيز،
نەدن بىزى يالقىز قويوب گئىتدى تئز!
دوداغىنىن شربىتىندن دۈيمادېق،
دانېشىدېغى صحبتىندن دۈيمادېق.
مجلسلرىن بولبۇلۇيدۇ گۆلۈپدو،
باغچامېزىن لالەسى سۆنبۇلۇيدۇ.
مملىنىن سئوگىلىسى يارى يىدى،
وطنييمىن چىچەگى يىدى، بارى يىدى.
خاطرهسى قلبىمېزدە قالا جاق،
ائىل او بامېز اونتون عطرىن آلا جاق.

- ۸ -

غملى غزل

حسين نجفي (شادي)

بىرده مشكىدى بىزهسن كىمى جاناڭ تاپپلا،
بو دامارلاردا آخان قېرمىزى بىر قان تاپپلا.
شمع تكىنلىك ياناردېن نىيە سۇلدۇن بىردىن؟
چۈخ چتىندىر داھاسن تك اولو انسان تاپپلا.
ياغ كىمى جاندا ارىردىن بىزه بىر قوتىدىن،
داها فكر ائتمەيىرم جسمىمە بىر جان تاپپلا.
گۆنشه بىرده باخانىم گۈل خندان تاپپلا.
سن كىمى بىرده اينانىم گۈل خندان تاپپلا.
نكتەدان لېقدا سنه اولمايا جاقدېر داها تاي،
اينانېم يۇخدۇ رضا سن كىمى جاناڭ تاپپلا.
ئىچە انصاف ائلهدىن بىزلىرى آتدىن گىتىدىن،
يۇخ اوْمىدىم بئله بىر عشقلى دوران تاپپلا.
سۇزىدە يۇخدور او چېخاركى، غميوى وصف ائلهسىن،
عەهد و پىمانە چتىن سن كىمى پىمان تاپپلا.
شادى يە دنياجا غم قۇيدۇن اوّره كىدە گىتىدىن،
شادى تك فكر ائله مە بىرده پريشان تاپپلا.

- ٩ -

سانكى بير يوخودو اولومون رضا

يوسف كوكى

سون چېخىشىن گۇردۇم خيالىم چاشدى،
سانكى بير يوخودو اولومون رضا.
بىنەيم تىتردى دىلىم دۇلاشدى،
سانكى بير يوخودو اولومون رضا.

اينانمارام آرامىزدان كۈچۈسىن،
آيرېلېغىن شربىتىنى ايچىسىن.
ياشاماغا او دىيانى سئچىسىن،
سانكى بير يوخودو اولومون رضا.
محفل لىرين عطر ساچان گۆلۈيدۈن،
آل ياشىل سوسنى ھم سۇنپۇلۇيدۈن.
ۋەرلىشلىرىن خوش آواز بۆلۈلۈيدۈن،
سانكى بير يوخودو اولومون رضا.

آيدىن، نىڭار گۆزۈ يېلدا قالېبىدى،
باش ساغلېغىن اوز خلقىندىن آلبىدى.
آتا دردىن اوره گىينە سالېبىدى،
سانكى بير يوخودو اولومون رضا.

كاروانىن تىز كۈچدۇ فانى دنيادان،

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۶۰ ۲۳۹

صبر وئرسین اوزى، بىزى يارادان.

قلبييم ياسدان چخمبىر كۈنلۈم قارادان،

سانكى بىر يوخودو اولۇمۇن رضا.

قلم عاجز قالېر وصفينى يازا،

قېش فصلى كۆچ ائديب قالمادىن يازدا.

ئىنجە قېيدىن هجران قلبىمى يازا،

سانكى بىر يوخودو اولۇمۇن رضا.

تميز قلبىن صاف نىتىنوار ايدى،

آذربايجان خلقى سنه يار ايدى.

گئنىش دنيا سنه دۇستوم دار ايدى،

سانكى بىر يوخودو اولۇمۇن رضا.

شاختا وېرىدى چىچك گۆلە دۈلاندا،

پىپر اولدو قېرخ اۋچ ياشى اۋلاندا.

شنلىكلىرده، ساز سۆز سوسوب سۈلاندا،

سانكى بىر يوخودو اولۇمۇن رضا.

كۆكىيەم ائللەر قاراداغلىيام،

أوزاڭلىيمە اوز دىلييمە باغلىيام.

غەفارى غەمىنەدە سىنە داغلىيام،

سانكى بىر يوخودو اولۇمۇن رضا.

- ۱۰ -

بؤيۆك انسانلار

دكتور عظيم ساحتى مهر

اوچار اوجا داغلار، دۇلار درەلر،
كۈمۈر تك قارالار ياشېل خزەلر.
سېلدېپەم قايالار قېرىلار سال سال،
ازىزىب اوغولار قالار تىپەلر.
اولۇمدىن درك ائتسە جىسمەدە جانى،
ھەنج ياددان چىخاتماز بؤيۆك انسانى.

ھەرىشىئين ھەر سۆزۈن اصالتىوار،
ايگىدىلىن سانماكىي ضلالتىوار.
خزان يئلى گلىپ سارالدىپ سۈلسە،
طبيعت سرىيدىر، دلالتىوار.
اولۇمدىن درك ائتسە جىسمەدە جانى،
ھەنج ياددان چىخاتماز بؤيۆك انسانى.

كاش بىلك ياشايىش يېلۋو ياماندېر،
حق يېلدا يۈرۈمك داماردا قاندېر.
ايکى گۈنلۈك بو دۇل بۇشال دنيادا،
كىيملر فقره يانپىر، كىيملرده خاندېر.

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۲۴۱ ۶۰

اولومده درك ائسە جسمده جانى،
ھئچ ياددان چېخاتماز بؤيۈك انسانى.

چۈخلارى ايستەيىب دىنيانى آلسپىن،
اگرى اگرى باخېب دۆزلۈگى دانسىن.
تارىخىن عبرتلى آچق دفترى،
آيدىندر، آريدېر گئچمىشى قانسبىن.
اولومده درك ائسە جسمده جانى،
ھئچ ياددان چېخاتماز بؤيۈك انسانى.

ساحتى بو كروان گلىب گىدەجك،
ايستەر ايستەمزىن آخر ائدەجك.
مېنلر پىاملارىپىن آلىپ گىدەنلر،
بئيلە يار - يولداشا پىام وئەجك.
اولومده درك ائسە جسمده جانى،
ھئچ ياددان چېخاتماز بؤيۈك انسانى.

- ۱۱ -

بىر آغى

عاشق غفار ابراهيمى

اجل آلدى يېر گىزلهدى،
فانى دنيا كىمە قالدى.
گلىملى گىدىملى دنيا،
سون اوچو اۋلۇملۇ دنيا.
دەقوقورت

چاتدى قولاغىما غافيل بىر خبر،
اوكتوتوب دىلىمین نالاسى ياندى.
چاراسېز دردلرە درمان اولمادى،
زحمت لە قوروغان تالاسى ياندى.

دردىنه آغلادى ئىلده اوبداد،
حُرمت بسلە يېرىدى قوهوما يادا.
چكدىگى زحمت لە تئز گىئىدى بادا،
آلېشىپ اۋرەكدىن بالاسى ياندى.

اوغول آغلار گۈزله آتا واى دىدى،
ېېز ساچلارىنى يولوب هاي هاراي دىدى.
آى بابا كىم اوچار سنه تاي دىدى،

مجموعه‌ی اشعار رضا غفاری (دومان) ۲۴۳ ۶۰

يابىقلى سه سينه خالاسى ياندى.

ناكام دى آرزويا كاما چاتماپب،
اوره‌گىنندن ائل فكرينى آتماپب.
بينه قوروپ گئجه گۈندۈز ياتماپب،
تالاندى قوردوقو قالاسى ياندى.

بىچىلدى بوجازى اۆزۈ اۆزۈنە،
گئنىش دنيا دار گۈرۈندۈ گۈزۈنە.
وقت سىز ائلۈم نه تئز قوندو اۆزۈنە،
گۆل اۆزدە قېزاران لالاسى ياندى.

شىرىنلىكى بتتو زهره دۇندۇ،
دىيىب گۈلدۈقلارى قەھەرە دۇندۇ.
باختىپن ايشقلى چراڭى سۈندۈ،
ارىب تۈكۈلدۈ لالاسى ياندى.

كامل انسان انسان لارا باش اولدو،
گئجه گۈندۈز غمه اوسييرداش اولدو.
قان قورودو گۈزلىيندە ياش اولدو،
قورودو گۈز ياشى گىلەسى ياندى.

اوجالدى داغ كىمى وقارلا باشا،
مەربان گۈرۈندۈ قوهوم قارداشا.
عُمرۇنۇن شوشەسى چالپىندى داشا،
ياشايىش يولداشى لعلەسى ياندى.

قاراياتىز يازلمېشىدېر آنبا،
دەگىشىك اۋز وئرىدى خوش احوالبنا.
فلک غم تلهسىن چاتدى دالبنا،
آلپىشىدى ظلمۇلە شعلەسى ياندى.

اوزاقدا دۈلاندى اۆلکىدە شردهن،
گەچىدى ائل يۈلوندا جان ايلە سردهن.
غۇفاردا اودلاندى غافىل خبردهن،
كۈرەنىب كۈرەلىب بىلەسى ياندى.

- ۱۲ -

غم‌نامه

یوسف کوکبی

بیر عارف انسانین سؤندو چراغى،

اۆرە كلر سېزلادى گۈزلىر آغلادى.

سان كى گۆنش باتدى آذر ئيلينده،

قلملر يازدېخچا سۈزلىر آغلادى.

خزان يئلى اسدى عۆمۇر باغپنا،

سۇلدوروبان رحم ائتمەدى تاغپنا.

ئىچە دۆزسۇن اۆرە ك هجران داغپنا،

اۆرە كده آلىشان كۈزلىر آغلادى.

معرفتىن درياسپىنا دالمىشىدى،

ايستكلى خلقىنдин الهام آلمىشىدى.

ائلىن دردىن اۆرە گىنە سالمىشىدى،

بىر ايکى يوخ بلکە يۆزلىر آغلادى.

كوكبى حالپنا ائيلەسىن نظر،

پريشان ائيلەدى منى بو خبر.

رضا ياددان چېخماز هر آخشام سحر،

غفارى دان قالان ايزلىر آغلادى.

آدلار فهرستى

بورالى، ۲۳۱	آذر، ۱۱۶، ۱۴۱
بىگدىلى، ۲۱۸	آذربایجان، ۱۰۵، ۱۲۳، ۱۴۸، ۱۲۴، ۱۵۴
تبريز، ۱۹۵، ۱۹۴، ۱۹۲، ۱۱۹، ۱۰۵، ۱۰۴	، ۲۰۰، ۱۹۴، ۲۰۹، ۲۰۵، ۲۰۳، ۲۰۲، ۲۱۰
۲۲۶، ۲۲۴، ۲۰۵، ۲۰۴	، ۲۲۴، ۲۲۱، ۲۱۹، ۲۱۷، ۲۱۵، ۲۱۳، ۲۱۲
تقوى، يعقوب، ۲۰۰	۲۳۹
نقىزاده، مقصود (هريزلی نيسگيل)، ۲۳۳	آذربایجان قادىن شاعرلرى، ۲۰۵
تهران، ۱۷۲	أريا، ۱۷۹
تۈرك آلار سۆزلۈپۇ، ۲۰۵	آزرمى، بەزەد، ۲۲۵
جامى، عبدالرحمىن، ۲۰۷	آلتاي، ۱۲۴
جاويد، ۱۱۷	أمريكا، ۲۱۳
چنگىز، ۱۵۷	آيدىن، ۱۵۷، ۲۱۶، ۲۳۸
چىنى بئل، ۱۱۷، ۱۲۰	ابراهيمى، عاشق غفار، ۲۴۲
حافظ، ۲۱۹	اردبيل، ۲۰۴
حسين آقا، ۲۱۲	الله، ۱۳۱، ۱۴۲، ۱۳۲، ۱۹۸
خالطاپادى، على، ۱۹۶، ۲۲۲	اللهيارى، ۲۱۷
خان چوباندان، ۱۲۷	اورميه، ۲۰۴
ختايە، ۱۷۴	ايران، ۲۰۳، ۲۱۱
خزر، ۱۲۴	ايمانى، بهروز، ۲۰۵
خزر بابا، ۱۱۹	بابك، ۱۱۷
ددەقوقورت، ۲۴۲	بەرنگى، صمد، ۲۰۰
دميرچى، حسن آقا، ۱۹۶	بەزەد، ۲۰۳

مجموعه اشعار رضا غفاری (دومان) ۲۴۷	۶۰
غفاری، رضا، (در اغلب صفحات)	۲۱۳
فردوسی، ۲۰۷	۱۹۵
فضولی، محمدبن سلیمان، ۱۹۷، ۲۰۹	۲۱۲
قارا قاشقا، ۱۱۷	۲۰۴
قبرس، ۱۲۴	۱۱۷
قرآن، ۲۱۰	۲۲۵، ۲۱۲
قربان شاعر، ۲۱۲	۲۴۰
قیرات، ۱۲۰	ساوالان، ← مجیدزاده، حسن
کمالی، علی، ۲۱۸	۲۳۵، ۲۲۸، ۲۲۷
کور اوغلو، ۲۰۳	شادی، ← نجفی، حسین
کوکبی، یوسف، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۵	۱۲۱
گوّل دیکن، ق.، ۲۱۱	شاهین، ← سهرابی، عباس
لیلی، ۱۱۶، ۱۱۰، ۱۳۰، ۱۴۸، ۱۷۱	شیستر، ۱۹۴
مجنون، ۱۱۶، ۱۲۹، ۱۴۳، ۱۴۸، ۱۷۰، ۱۷۱	شریعتی، علی، ۲۱۴
مجیدزاده، حسن (ساوالان)، ۲۱۲، ۱۹۶، ۲۲۳	شهریار، ۱۴۱
محمدثانی هریس، اسماعیل (ممدلی)، ۲۳۶	شیراز، ۲۱۹
محمدآغا، ۲۱۲	شیروانی، حسینقلی، ۲۱۲
محمدزاده، حسین، ۲۱۲	شیداء، یحیی، ۱۹۳
مختار، ۱۳۳	صابر، میرزا علی اکبر، ۲۱۲
مسیحا، ۱۴۰	صراف، حاج رضا، ۱۹۴
مشکناز، ۱۱۷	طاهری، علیرضا، ۲۱۹
مشکین شهر، ۲۰۴	عالی، رضا، ۲۱۴
مصر، ۱۶۲	علی اوغلو، ۱۹۸
	علیقلیان، رقیه (لاله)، ۲۲۹

..... آدلار فهرستی QR ۲۴۸

- | | |
|-----------------------|-------------------------|
| هارای، ۲۳۲ | مصری قلبینج، ۱۱۷ |
| هارپوت، ۱۱۹ | معجز، میرزه علی، ۱۹۴ |
| هریسی، ۲۱۲ | منصور، ۱۴۱ |
| هریسی نژاد، موسی، ۲۰۷ | موغان، ۱۲۶ |
| همراز، رضا، ۱۶۵، ۲۱۵ | مولوی، ۲۱۸ |
| هیئت، جواد، ۲۲۳ | نباتی، ۱۹۴ |
| ورغون، ۱۴۸ | نجفی، حسین (شادی)، ۲۳۷ |
| یاسر، ۱۵۷ | نخجوانلی، نورالدین، ۲۱۲ |
| یوسف (۴)، ۱۶۲، ۱۶۷ | نقابی، محمد علی، ۲۱۴ |
| یونس امره، ۲۱۲ | نگار، ۱۲۰، ۲۱۶ |
| | هاتفی، ۲۰۷ |